

شرح مبسوط قانون اساسی

عنوان پژوهش

شرح اصل بیست و ششم قانون اساسی

شماره مسلسل: ۱۳۹۵۰۰۶۲

تاریخ: ۱۳۹۵/۰۷/۲۶



پژوهشکده شورای نگهبان

شناسنامه

عنوان:

شرح مبسوط قانون اساسی

شرح اصل بیست و ششم قانون اساسی

مؤلف: علی فتاحی زفرقندی

زیر نظر دکتر عباسعلی کدخدایی

معاونت پژوهشی

شماره مسلسل: ۱۳۹۵۰۰۶۲

تاریخ انتشار: ۱۳۹۵/۰۷/۲۶

پژوهشکده شورای نگهبان

اسلام جمهوری

فهرست مطالب

۳	چکیده.....
۴	مقدمه.....
۵	گفتار اول: تبیین واژگان کلیدی اصل.....
۶	بند اول: تشکلهای مندرج در اصل بیست و ششم.....
۶	الف - مفهوم حزب.....
۸	ب - جمعیت.....
۹	ج - انجمنهای سیاسی، صنفی و اسلامی.....
۱۳	بند دوم: محدودیت‌های ذکر شده برای تشکلهای.....
۱۳	الف - استقلال.....
۱۶	ب - آزادی.....
۱۷	ج - وحدت ملی.....
۱۸	د - موازین اسلامی.....
۲۰	هـ - اساس جمهوری اسلامی.....
۲۲	گفتار دوم: اصل بیست و ششم در مشروح مذاکرات قانون اساسی.....
۲۷	گفتار سوم: مبانی فقهی و حقوقی آزادی تشکلهای.....
۲۷	بند اول: مبانی فقهی آزادی تشکلهای.....
۲۸	الف - مبانی کار تشکیلاتی در منابع فقه.....
۲۸	۱- مبانی قرآنی کار تشکیلاتی.....
۳۰	۲- مبانی کار تشکیلاتی در سیره و سنت معصومین.....
۳۱	۳- مبانی عقلی کار تشکیلاتی.....
۳۳	ب - دیدگاه اندیشمندان اسلامی در خصوص حزب در اسلام.....
۳۸	بند دوم: مبانی حقوقی آزادی تشکلهای.....
	گفتار سوم: آزادی تشکلهای در اسناد بین‌المللی و قوانین اساسی
۳۹	سایر کشورها.....

- گفتار چهارم: تحلیل و بررسی حقوقی اصل بیست و ششم قانون اساسی ۴۲
- بند اول: حصری یا تمثیلی بودن تشکلهای مذکور در اصل بیست و ششم ۴۳
- بند دوم: شرایط تشکیل تشکلهای ۴۷
- الف - شرایط ماهوی تشکلهای ۴۷
- ب - شرایط شکلی تشکلهای ۵۰
- بند سوم: محدوده فعالیت احزاب ۵۳
- بند چهارم: نظارت بر تشکلهای در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران ۵۵
- الف - اقسام نظارت بر تشکلهای ۵۶
- ب - نهاد نظارت بر تشکلهای ۵۷
- ج - آیین دادرسی و ضمانت اجرای تخلفات ۵۸
- بند پنجم: ممنوعیت اجبار به عضویت یا عدم عضویت در تشکلهای ۶۰
- بند ششم: ارتباط اصل بیست و ششم با سایر اصول قانون اساسی .. ۶۳
- الف - ارتباط اصل بیست و ششم با اصول سیزدهم و چهاردهم ۶۳
- ب - ارتباط اصل بیست و ششم و بیست و هفتم قانون اساسی ۶۵
- ج - سایر اصول مرتبط ۶۵
- جمع بندی و نتیجه گیری ۶۷
- منابع و مأخذ ۷۱

چکیده

حق آزادی تأسیس و فعالیت تشکل‌ها به منظور اجتماع دائمی افراد و رد و بدل نمودن اطلاعات و کمک و یاری به یکدیگر در زمینه‌های گوناگون یکی از حقوق مصرح در اسناد بین‌المللی و قوانین اساسی بسیاری از کشورهای دنیا است که در اصل بیست و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در فصل حقوق ملت که مبتنی بر آموزه‌های فقه شیعه به تدوین درآمده؛ مورد توجه قانون‌گذار اساسی قرار گرفته است. مقاله‌ی حاضر به دنبال بررسی و تحلیل حقوقی اصل بیست و ششم قانون اساسی می‌باشد و در پی پاسخ‌گویی به این سؤال بنیادین است که جایگاه و ابعاد حقوقی آزادی تأسیس و فعالیت تشکل‌ها در نظام جمهوری اسلامی ایران چیست. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حق آزادی تأسیس و فعالیت تشکل‌ها را به صورت مطلق نپذیرفته و برای آن حدود و شرایطی در نظر گرفته که قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی و اقلیت‌های دینی شناخته شده، در پی تبیین حدود و ثغور این حق، مقررات لازم الاجرائی را وضع نموده است، هر چند به نظر می‌رسد این مقررات ناکافی و غیر منسجم بوده و تعریف هر یک از تشکل‌ها و تعیین مرزهای آزادی آن‌ها نیازمند قوانین جامع‌تر و دقیق‌تری است. همچنین به علت تفاوت در ماهیت و ابعاد حقوقی موضوع آزادی تشکل‌ها و آزادی احزاب، غالب قوانین اساسی این دو حق را در دو اصل متفاوت بیان کرده‌اند که این موضوع در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مغفول مانده است.

واژگان کلیدی

آزادی تشکل‌ها، اصل بیست و ششم قانون اساسی، احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌ها، استقلال، آزادی، اساس جمهوری اسلامی، موازین اسلام.

مقدمه

همزمان با مطرح شدن مفهوم دولت - کشورهای مدرن مبتنی بر نظریاتی همانند نظریه‌ی قرارداد اجتماعی و نظریه‌ی تفکیک قوا به عنوان مبنای تشکیل و ساختار بندی حکومت‌های معاصر از یکسو و آغاز نهضت قانون اساسی گرایی از سوی دیگر یکی از عمده‌ترین مباحث مطرح در زمینه‌ی حقوق اساسی، موضوع حقوق ملت، ابعاد و حدود آن و نحوه‌ی اساسی‌سازی موضوعات مرتبط با حقوق ملت بوده است. در این زمینه یکی از حقوق و آزادی‌هایی مطرح در اسناد و اعلامیه‌های بین‌المللی و قوانین اساسی کشورهای گوناگون موضوع آزادی تشکل‌ها می‌باشد. مقصود از آزادی تشکل‌ها شناسایی آزادی برای افراد به منظور اجتماع در یک مجمع و یا تشکل است که آگاهی، اطلاعات و مساعی خود را به صورت دائم در اختیار یکدیگر قرار می‌دهند و به دنبال اهداف تعیین شده می‌باشند. (عباسی، ۱۳۹۰، ۱۳۲) فصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز، که بر مبنای شریعت مقدس اسلام، نظریه‌ی ولایت فقیه و اندیشه‌ی فقه سیاسی شیعه نظام یافته، به بیان حقوق و آزادی‌های ملت اختصاص داده شده و در اصل بیست و ششم موضوع آزادی تشکل‌ها و محدودیت‌های آن مطرح گردیده است و بیان می‌دارد: «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچکس را نمی‌توان از شرکت در آن‌ها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن‌ها مجبور ساخت»

همان گونه که در متن اصل نیز ملاحظه می‌گردد از اصطلاح «آزادی تشکل» استفاده نگردیده است اما صاحب‌نظران عرصه‌ی حقوق عمومی موضوع آزادی احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و... را ذیل عنوان آزادی تشکل‌ها مورد مطالعه قرار می‌دهند که مقاله‌ی حاضر نیز از این مشی پیروی نموده است. بر این اساس موضوع اصلی این مقاله به بررسی و مطالعه‌ی جایگاه حقوقی آزادی تشکل‌ها در نظام جمهوری اسلامی ایران اختصاص می‌یابد و پژوهش حاضر در پی آن است که به این سؤال بنیادین پاسخ گوید که جایگاه و ابعاد حقوقی آزادی تأسیس و فعالیت تشکل‌ها در نظام جمهوری اسلامی ایران چیست؟ در مقام پاسخ‌گویی به این پرسش بنیادین سؤالات فرعی دیگری نیز مطرح می‌باشد. برای نمونه مقصود مورد نظر از تشکل‌های

مذکور در اصل مانند احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی چیست؟ مفاهیم مورد نظر و حدود هر یک از محدودیت‌های ذکر شده برای تشکّل‌ها چه می‌باشد؟ جایگاه این اصل در اندیشه‌ی قانون‌گذاران اساسی چه بوده؟ آزادی تشکّل‌ها در نظام مبتنی بر فقه شیعه چه مبانی فقهی و حقوقی دارد؟ جایگاه احزاب در سایر نظام‌های حقوقی معاصر چیست؟ قانون‌گذار عادی چه فهمی از اصل بیست و ششم قانون اساسی و موضوع آزادی تشکّل‌ها داشته است؟ شورای نگهبان به عنوان نهاد پاسدار قانون اساسی برای اصل بیست و ششم چه جایگاه حقوقی قائل است؟ و...

از همین رو و در پی پاسخ‌گویی به سؤال اصلی و در پی آن سؤالات فرعی مطرح‌شده و سؤالاتی از این دست ابتدا به بررسی مفاهیم مورد نظر از واژگان کلیدی اصل خواهیم پرداخت. پس از آن پیشینه‌ی اصل مبتنی بر مشروح مذاکرات مجلس بررسی قانون اساسی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. سپس مبانی فقهی و حقوقی آزادی تشکّل‌ها در نظام‌های اسلامی بیان و ارزیابی می‌گردد. بعد از آن جایگاه احزاب در نظام‌های حقوقی معاصر مورد مطالعه قرار می‌گیرد و گفتار پایانی نیز به بررسی وضعیت آزادی تشکّل‌ها در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران با نگاهی به قوانین مرتبط با موضوع می‌پردازد.

گفتار اول: تبیین واژگان کلیدی اصل

اولین گام در هر پژوهش علمی بیان مقصود مورد نظر از واژگان و اصطلاحات آن پژوهش است تا از این طریق فهم مشترکی میان مخاطبان حاصل گردد. این موضوع در مقاله‌ی حاضر دارای اهمیت دو چندانی می‌باشد چرا که مفاهیم مورد نظر از اصطلاحات به کار رفته در اصل بیست و ششم و حدود و ثغور هر یک از آن‌ها نیازمند بررسی و مطالعه‌ی تعاریف ارائه‌شده در ادبیات حقوق عمومی، با توجه به مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. در همین راستا و جهت مطالعه‌ی دقیق‌تر اصطلاحات به کاربرده‌شده در اصل بیست و ششم، در دو بند به بررسی آن‌ها خواهیم پرداخت. بند اول به مفهوم تشکّل‌های ذکر شده در اصل اختصاص می‌یابد و بند دوم مراد و مقصود مورد نظر از محدودیت‌های ذکر شده برای تجمعات را مورد مطالعه قرار می‌دهد.

بند اول: تشکل‌های مندرج در اصل بیست و ششم

اولین دسته از مفاهیمی که به بررسی آن خواهیم پرداخت تشکل‌هایی است که اصل بیست و ششم قانون اساسی تشکیل آن را آزاد می‌داند. از همین رو در ادامه به بررسی مفهوم اصطلاحات احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی، انجمن‌های اسلامی و اقلیت‌های دینی شناخته‌شده خواهیم پرداخت:

الف - مفهوم حزب

واژه حزب در زبان فارسی در مفهوم گروه، دسته، جماعت و فرقه سیاسی که در امور اجتماعی نظرهای خاص به یک طبقه را تعقیب می‌کند استعمال می‌گردد. (دهخدا، ۱۳۸۵، ۱۰۲۲) این واژه معادل کلمه "party" در زبان انگلیسی می‌باشد. (آربانپور کاشانی، ۱۳۸۲، ۴۲۰) در زبان و ادبیات عرب نیز اصل ماده‌ی حزب در معنای تجمع بر رأی و هدف واحد دلالت دارد که غلظت و شدت از لوازم آن محسوب می‌گردد. (مصطفوی، ۱۴۰۲، ج ۲، ۲۰۷) راغب اصفهانی حزب را گروه و جماعتی می‌داند که دارای شور و حماسه می‌باشند. (راغب، ۱۴۱۲، ۲۳۱)

از اصطلاح حزب سیاسی در علم حقوق عمومی و علوم سیاسی تعاریف متعددی ارائه گردیده است و هر اندیشمندی بر اساس دیدگاه و مبانی فکری خود به بیان مفهوم حزب پرداخته است. برخی حزب را گردهمایی پایدار گروهی از مردم می‌دانند که دارای عقاید مشترک و تشکیلات منظمی هستند و به دنبال کسب قدرت سیاسی از طریق قانونی با استفاده از پشتوانه‌های سیاسی می‌باشند. (عالم، ۱۳۹۰، ۳۴۵) بنابر تعریف دیگر می‌توان گفت حزب گروهی است که هدف آن، دخالت در اداره امور کشور می‌باشند و اعضای حزب نیز تابع نظامات خاص آن هستند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ۱۸۳) از دیدگاه اقتصادی، مارکس وبر حزب را به بنگاهی بازرگانی تشبیه می‌کند و می‌گوید: «حزب شرکت مرکب از اجتماع داوطلبانه افرادی است که می‌کوشند رهبران خود را به قدرت برسانند تا همه‌ی آن‌ها به امتیازات مادی و معنوی نائل گردند.» (ایوبی، ۱۳۷۹، ۱۶۳). دانیل کاکسی فرانسوی از بعد سیاسی به تعریف حزب پرداخته و معتقد است که «حزب عبارت از گروه سازماندهی‌شده افراد حرفه‌ای است که اعضایش برای دستیابی به قدرت و نمایندگی‌های سیاسی در نبرد می‌باشند.» (علی بابایی، ۱۳۸۳، ۲۵۳) برخی اندیشمندان با نگاهی ساختاری، تشکیلات

حزبی را دارای چهار خصوصیت ذاتی و بارز می‌دانند که عبارت‌اند از: ۱- حزب تشکیلاتی است که دارای سازمانی مستمر و دایم است که در فقدان بنیانگذارانش به حیات خود ادامه می‌دهد. ۲- سازمان حزب باید دارای شعبه‌های محلی باشد و در سطوح ملی گسترده شود. ۳- تصمیم‌گیران اصلی حزب به دنبال کسب قدرت سیاسی می‌باشند. ۴- به دنبال گسترش پایگاه مردمی خود در سطح جامعه هستند. (نقیب زاده و سلیمانی، ۱۳۸۸، ۳۴۷)

با استناد به تعاریف فوق و تعاریف دیگر مطرح شده پیرامون حزب^(۱) و وجوه مشترک آن‌ها و با توجه به اختلاف دیدگاه‌ها و عقاید می‌توان با نگاهی به رویکردهای گوناگون به حزب، آن را این گونه تعریف نمود: حزب مجموعه تشکیلاتی است که اولاً از نظر ساختاری دارای سازمانی مستمر و بادوام بوده و غالباً بتواند عمری طولانی‌تر از بنیان‌گذارانش داشته باشد و دارای فعالیت‌های ملی یا محلی باشد؛ ثانیاً از نظر کارکردی، درصدد جلب مشارکت عمومی و دستیابی به سمت‌های دولتی و در نتیجه قدرت سیاسی باشد و ثالثاً از نظر اهداف، دارای برنامه‌ها و طرح‌هایی باشد که از طریق آن اقبال رأی‌دهندگان را کسب و قدرت‌طلبی خود را توجیه نماید.

۱. علاوه بر تعاریف ذکر شده می‌توان تعاریف دیگری را نیز بیان نمود که در مقام تبیین مفهوم حزب به عنوان یکی از اقسام تشکلهای موجود در جامعه‌ی انسانی می‌باشد. برای نمونه دکتر ابوالحمد در مقام تعریف حزب می‌نویسد: «حزب گروه شهروندان با آرمان‌های مشترک و تشکیلات منظم و متکی به پشتیبانی مردم است که برای به دست گرفتن قدرت دولتی یا شرکت در آن مبارزه می‌کنند.» وی همچنین می‌گوید: «حزب، اجتماع گروه شهروندانی است که آرمان مشترک و منابع ویژه، آنان را از گروه بزرگ‌تر، که جامعه ملی است مشخص می‌سازد و با داشتن تشکیلات و برنامه منظم و یاری مردم می‌کوشند قدرت دولتی را در کشور به دست گیرند تا این‌که با قدرت هم‌راه گردند، که برنامه و آرمان‌هایشان را به تحقق برسانند و در این راه از همه توانایی‌ها به ویژه از ابزارهای قانونی یاری گیرند.» (ابوالحمد، ۱۳۸۰، ۳۶) در تعریف دیگری از حزب آمده است که «حزب اجتماعی است از افراد که با مقاصد و هدف‌های سیاسی تشکیل می‌شود، دارای مرام‌نامه - اساس‌نامه است و افرادی که افکار و تمایلات خود را با آن منطبق یا نزدیک بدانند، می‌توانند به عضویت آن درآیند و برای تحقق اهداف پیش‌بینی شده در مرام‌نامه فعالیت جمعی داشته باشند.» (مدنی، ۱۳۷۷، ۸۲) به بیان دیگر «حزب را می‌توان گروهی از افراد جامعه دانست که با اعتقاد و ایمان به برخی اصول و داشتن هدف‌های مشترک در سازمانی با عنوان حزب تشکیل شده و از طریق شعبه‌ها و قسمت‌های مختلف با یکدیگر ارتباط متقابل و مستمر دارند و می‌کوشند تا برای رسیدن به هدف و اجرای اصول مورد نظر حکومت را مستقیماً در دست گیرند.» (محمدی نژاد، ۱۳۵۵، ۶۷)

احزاب را می‌توان با توجه به خاستگاه تشکیل به احزاب حکومتی و مردمی^(۱) (کعبی، ۱۳۸۷، ۱۳۱)، بر اساس نحوه عضوگیری به احزاب عوام و احزاب خواص^(۲) (قاضی، ۱۳۶۸، ۷۲۳ و ۷۲۴)، بر اساس شیوه‌های برنامه‌ریزی برای کسب و یا حفظ قدرت سیاسی به احزاب بنیادگرا، احزاب معتدل و احزاب محافظه‌کار^(۳) (پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۹۰، ۲۲) تقسیم‌بندی نمود.

ب - جمعیت

دومین اصطلاح به کار رفته در اصل بیست و ششم که بیان‌گر یکی دیگر از تشکلهایی است که بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران فعالیت آنان آزاد می‌باشد اصطلاح «جمعیت» است. جمعیت در لغت به معنای انجمن شدن و گرد هم آمدن، گروه مردم و مردم یا موجودات زنده‌ای که در یک جا گرد آمده باشند استعمال گردیده است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ۸۸۶؛ معین، ۱۳۸۸، ج ۱، ۱۲۴۲)

در ادبیات رایج حقوق عمومی واژه‌ی جمعیت به عنوان یک تشکل دارای مفهوم و تعریف ویژه‌ای نبوده و همان مفهوم لغوی آن کاربرد دارد. بر این اساس می‌توان گفت جمعیت واژه‌ی عامی است که هر نوع تجمعی اعم از اجتماعات سیاسی، علمی و محلی را شامل می‌شود و می‌تواند مقدمه‌ای برای تشکیل احزاب، انجمن‌ها و مشابه آن به حساب آید. نکته‌ی قابل توجه در خصوص جمعیت آن است که اعضای جمعیت

۱. احزاب حکومتی احزابی هستند که پس از به قدرت رسیدن عده‌ای از افراد هم‌فکر که دارای اهداف مشترکی هستند به منظور حفظ قدرت تشکیل می‌گردد. در حالی که احزاب مردمی به وسیله مجموعه‌ای از افراد هم‌فکر که علاقه‌مند به کسب قدرت سیاسی هستند شکل می‌گیرد. (پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۹۰، ۲۲)

۲. احزاب عوام یا توده‌ای احزابی هستند که به دنبال جذب حداکثر افراد معتقد به آرمان حزب از میان عموم می‌باشند در حالی که احزاب خواص از مجموعه‌ای از نخبگان با همکاری گروهی از ثروتمندان و افراد سرشناس تشکیل می‌گردد و نیازی به فراخوان عمومی و دریافت حق عضویت از اعضا ندارند. (پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۹۰، ۲۲)

۳. احزاب بنیادگرا به آن دسته از احزابی اطلاق می‌گردد که ایجاد اصلاحات بنیادین و تغییرات اساسی در نوع حکومت را اصلی‌ترین برنامه‌ی خویش قرار می‌دهند. احزاب معتدل بر خلاف احزاب بنیادگرا به دنبال اقدام به اعمال تغییرات از طرق قانونی به صورت تدریجی و گام به گام می‌باشند. احزاب محافظه‌کار نیز وضعیت فعلی را بهترین وضعیت می‌پندارند و به دنبال راهکارهایی برای ایجاد ثبات در نظام سیاسی هستند. (پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۹۰، ۲۲)

باید حداقل از یک بعد منافع مشترک داشته باشند. (مدنی، ۱۳۸۹، ۸۲) به بیان دیگر بر خلاف احزاب سیاسی، آنچه در شکل‌گیری جمعیت‌ها موثر می‌باشد، داشتن یک منفعت مشترک میان اعضا است که موجب گردهم‌آیی آنان می‌گردد که این منفعت مشترک در هر زمینه‌ای می‌تواند عاملی برای تأسیس یک جمعیت باشد.

ج - انجمن‌های سیاسی، صنفی و اسلامی

برای تبیین مفهوم عبارت «انجمن‌های سیاسی، صنفی و اسلامی» ابتدا به بررسی مفهوم انجمن خواهیم پرداخت و پس از آن اوصاف ذکر شده در اصل بیست و ششم برای این اصطلاح که همان عبارات سیاسی، صنفی و اسلامی می‌باشد را مطالعه خواهیم نمود.

انجمن در زبان فارسی در معانی گروه و فوج، مجلس یا دسته‌ای از مردم که برای رایزنی در مورد امری یا رسیدن به هدفی معین در جایی گرد آمده باشند، محل گرد آمدن این عده، نهادی که از جمع شدن عده‌ای افراد با اهداف معین تشکیل می‌شود و نهادی متشکل از گروهی که با هم‌فکری و مشورت برای رسیدن به هدف یا اهداف معین و مشترکی گرد هم جمع می‌شوند؛ به کار رفته است. (معین، ۱۳۸۸، ۳۶۸؛ دهخدا، ۱۳۸۵، ج ۱، ۲۴۸؛ انوری، ۱۳۸۱، ج ۱، ۵۹۶) واژه انجمن در ادبیات انگلیسی معادل واژه‌ی Association می‌باشد که در معانی جمع کردن، پیوستن و شرکت کردن استعمال گردیده است. (ایران‌پناه، ۱۳۸۵، ۳۱)

از دیدگاه اجتماعی انجمن‌ها گروه‌هایی مردمی هستند که از اجتماع افراد مشخص و محدود و برای دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده و هدف آن‌ها ارضای تمایلات شخصی و گروهی می‌باشد که برای نمونه در این زمینه می‌توان از انجمن‌های علمی و تخصصی در رشته‌های مختلف، باشگاه‌ها، انجمن‌های خیریه و داوطلبانه یاد نمود. (محسنی، ۱۳۷۱، ۱۵۷) اعضای این انجمن‌ها به صورت آزادانه، تمام وقت و یا نیمه وقت، در سطوح گوناگون ملی و محلی و در عرصه‌های مختلف سیاسی، مذهبی، علمی، فرهنگی و ... فعالیت می‌نمایند. (محسنی، ۱۳۷۱، ۱۹۷) مارکس وبر انجمن را گروهی می‌داند که مقررات آن آگاهانه و به اراده‌ی همه‌ی شرکت کنندگان پذیرفته شده باشد. (شایان‌مهر، ۱۳۷۹، ۸۵) بروس کوئن در بیان ویژگی‌های انجمن آن را گروهی از افراد می‌داند که هدفش سازماندهی بر مبنای منافع مشترک می‌باشد. (کوئن، ۱۳۸۷، ۱۶۸)

مقصود حقوقی از انجمن به عنوان یکی از تشکلهای اجتماعی نیز عبارتست از

تشکلی که با شخصیت حقوقی و برای دستیابی به اهداف مشخص به طور مستمر گرد هم می‌آیند و به دنبال مقاصد غیر تجاری همانند فعالیت‌های علمی، ادبی، امور خیریه و... باشند، هرچند که این امور دارای انتفاع اقتصادی نیز باشد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷، ۸۹)

در مقام بیان خصوصیات انجمن به عنوان یکی از تشکل‌های مندرج در اصل بیست و ششم قانون اساسی می‌توان به خصوصیتی همانند وجود اهداف معین، وجود هنجارهای خاص و مورد پذیرش برای اعضاء و براساس اساسنامه و مقررات بودن، غیر انتفاعی بودن و ... اشاره نمود.

بر اساس آنچه در تعریف انجمن بیان گردید می‌توان گفت انجمن‌های سیاسی به گروهی اطلاق می‌گردد که با هدف دستیابی به اهداف سیاسی در کنار یکدیگر جمع می‌گردند و تفاوت آن با حزب در تجانس بیشتر اعضای انجمن با یکدیگر می‌باشد. هر چند دایره‌ی فعالیت انجمن‌های سیاسی به گستردگی احزاب نیست و هدف آن‌ها بیشتر شناساندن اهداف و فعالیت‌های انجمن به مردم می‌باشد تا رقابت در جهت کسب قدرت و حفظ آن. (مدنی، ۱۳۸۹، ۸۲) در تبیین این عبارت باید بیان نمود که هرچند عناصر تشکیل دهنده‌ی یک انجمن دارای وحدت هدف، جهان بینی و منافع مشترک می‌باشند؛ اما در اصول عقیدتی و به ویژه در تعیین خط‌مشی‌های سیاسی کاملاً دنباله‌رو فرهنگ حاکم و شخصیت‌های مذهبی و سیاسی مشهور می‌باشند و از خود برنامه‌ای ندارند. آنچه به عنوان خصوصیت بارز انجمن‌های سیاسی به حساب می‌آید روابط اعضا همچون روابط حزبی به صورت تشکیلاتی، سازمانی و مدیریتی نمی‌باشد و در انجمن‌ها به جای رهبری مدیریت مشاهده می‌گردد. (بادامچیان، ۱۳۹۰، ۴۱)

در خصوص اصطلاح «انجمن‌های صنفی» نیز می‌توان گفت که مقصود از صنف به مجموعه‌ی کسانی اطلاق می‌گردد که در شغل و حرفه‌ی واحدی فعالیت می‌نمایند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ج ۳، ۲۳۷۳) بر همین مبنا مراد از انجمن‌های صنفی نیز اجتماع گروهی از افراد است که دارای شغل واحدی هستند و هدف آن‌ها از تشکیل انجمن تأمین و حفظ منافع آن شغل می‌باشد. برای نمونه می‌توان از انجمن سردفتران، انجمن روزنامه نگاران و انجمن نویسندگان و... به عنوان انجمن‌های صنفی یاد نمود. (مدنی، ۱۳۸۹، ۸۲)^(۱)

۱. در همین زمینه آیین نامه چگونگی تشکیل، حدود وظائف و اختیارات و چگونگی عملکرد انجمن‌های صنفی و کانون‌های مربوطه، وظایف و اختیارات انجمن‌های صنفی کارگری را محدود به

قانون فعالیت احزاب و جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده^(۱) نیز انجمن‌های صنفی را تشکل‌هایی می‌داند که به وسیله‌ی دارندگان کسب یا پیشه یا حرفه و تجارت معین تشکیل شده، اهداف، برنامه‌ها و رفتار آن به گونه‌ای در جهت منافع خاص مربوط به آن صنف باشد. (ماده ۲)

به نظر می‌رسد مفهوم سندیکا یا همان گروهی متشکل از کارگران و کارفرمایان که برای دفاع از منافع صنفی یا حرفه‌ای و بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی اعضای خود اقدام به ایجاد تشکل می‌نمایند؛ (قاضی، ۱۳۸۸، ۱۵۸-عباسی، ۱۳۹۰، ۳۱۶) ذیل مفهوم انجمن‌های صنفی مقرر در اصل بیست و ششم قانون اساسی قابل مطالعه می‌باشد.

مقصود از انجمن‌های اسلامی نیز تشکل‌های مردمی است که اهداف دینی و انقلابی را پیگیری می‌نمایند. قانون فعالیت احزاب در مقام تعریف انجمن‌های اسلامی آورده است: «انجمن اسلامی هر واحد اداری، آموزشی، صنفی، صنعتی و یا کشاورزی تشکیلاتی است مرکب از اعضای داوطلب همان واحد که هدف آن شناختن و شناساندن اسلام، امر به معروف و نهی از منکر و تبلیغ و گسترش انقلاب اسلامی

→

امور زیر می‌داند: کوشش در جهت استیفای حقوق و خواسته‌های مشروع و قانونی اعضای صنف، برنامه‌ریزی و پیگیری در ارتقای سطح مهارت کارگران عضو، تلاش برای آموزش فرهنگی و اجتماعی اعضا به منظور ارتقای سطح آگاهی‌های لازم در شناخت و تأمین حقوق اعضا، تلاش در بررسی و تحقیق در خصوص مشکلات، نارسایی‌های اقتصادی، مهارتی، افزایش بهره‌وری و ارائه پیشنهادات به اعضا، مدیران و مسوولان مربوط و جلوگیری از سیاسی شدن عملکرد انجمن صنفی، دریافت ورودیه، حق عضویت و کمک‌های داوطلبانه به ترتیبی که در اساسنامه مقرر می‌شود، همکاری در جهت تأسیس و تقویت شرکت‌های تعاونی، تشکیل صندوق قرض الحسنه مرتبط با وظایف تشکل و تلاش در جهت تأمین امکانات رفاهی، همکاری با وزارت کار و امور اجتماعی در جهت شناخت بهتر مشکلات کارگری و اجرای قانون کار، عضویت در کانون انجمن‌های صنفی مربوط پس از تصویب مجمع عمومی انجمن، فعالیت مشترک با کانون انجمن‌های صنفی مربوط در حدود قوانین و مقررات کشور؛ همکاری با سایر تشکل‌های کارگری و کارفرمایی و انجام سایر وظائف و اختیاراتی که به موجب قانون برعهده انجمن‌های صنفی قرار داده شده است و شرکت در مذاکرات حرفه‌ای و انعقاد پیمانهای دسته‌جمعی با کارفرمایان یا تشکل‌های کارفرمایی (ماده ۲۱ آیین نامه چگونگی تشکیل، حدود وظائف و اختیارات و چگونگی عملکرد انجمن‌های صنفی و کانون‌های مربوطه، مصوب ۸/ ۸/ ۱۳۸۹ مصوب هیات وزیران)

۱. در ادامه‌ی مقاله از «قانون فعالیت احزاب و جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده» به اختصار تحت عنوان «قانون فعالیت احزاب» یاد می‌گردد.

باشد.» (ماده ۳) علاوه بر این اساسنامه‌ی تشکیل انجمن‌های اسلامی مصوب ستاد عالی کشوری انجمن‌های اسلامی سازمان تبلیغات اسلامی در تعریف انجمن‌های اسلامی می‌آورد: «انجمن اسلامی تشکلی است مردمی و خودجوش، مرکب از نیروهای مسلمان و معتقد به اسلام، ولایت فقیه، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، عامل به احکام اسلام و مبسّر تفاهم و وحدت که به منظور اشاعه فرهنگ ناب اسلامی و حراست از دستاوردهای انقلاب اسلامی، در محیط‌های کاری اعم از اداری، خدماتی، صنعتی، آموزشی، صنفی، کشاورزی، محلات و مساجد طبق مفاد این اساسنامه و تحت نظارت سازمان تبلیغات اسلامی تشکیل و دارای شخصیت حقوقی مستقل می‌باشد.»

یکی دیگر از تشکّل‌هایی که فعالیت آن بر اساس اصل بیست و ششم قانون اساسی آزاد اعلام گردیده است، انجمن اقلیت‌های دینی شناخته شده می‌باشند.^(۱) مقصود از اقلیت‌های دینی آن دسته از پیروان ادیانی می‌باشند که گروه اندکی از مردم را تشکیل می‌دهند و از آیین یا کیشی غیر از آیین عامه‌ی مردم پیروی می‌نمایند. (دهخدا، ۱۳۸۵، ج ۱، ۲۰۷) بر اساس اصل سیزدهم قانون اساسی تنها اقلیت‌های دینی شناخته شده در جمهوری اسلامی ایران اقلیت‌های دینی زرتشتی، کلیمی و مسیحی می‌باشند.^(۲) در تبیین این عبارت می‌توان بیان نمود که ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی به شمار می‌روند که قانون اساسی فعالیت آنان را آزاد دانسته است.^(۳) (مدنی، ۱۳۸۹، ۸۳) قانون فعالیت احزاب نیز مقصود از انجمن اقلیت‌های دینی را تشکیلاتی می‌داند که مرکب از اعضای داوطلب همان اقلیت دینی بوده و هدف از آن حل مشکلات و بررسی مسائل دینی، فرهنگی، اجتماعی و رفاهی ویژه آن اقلیت باشد. (ماده ۴)

۱. به نظر با توجه به متن اصل بیست و ششم و ماده‌ی ۴ قانون فعالیت احزاب می‌توان بیان نمود که عبارت «اقلیت‌های دینی شناخته شده» به واژه «اسلامی» عطف گردیده و مقصود از آن انجمن اقلیت‌های دینی شناخته شده است که به دلیل اهمیت آن در ذیل عنوان جداگانه‌ای مورد بررسی قرار گرفته است.
۲. اصل سیزدهم: ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند.
۳. به نظر می‌رسد از آن‌جا که قانون‌گذار اساسی اجازه‌ی ایجاد تشکّل‌ها را به اقلیت‌های دینی شناخته شده داده است به طریق اولی اقلیت‌های مذهبی شناخته شده در اصل دوازدهم قانون اساسی نیز از این حق برخوردارند که در ادامه به بررسی و تحلیل بیشتر این موضوع خواهیم پرداخت.

بند دوم: محدودیت‌های ذکر شده برای تشکل‌ها

دومین دسته از واژگان کلیدی مندرج در اصل بیست و ششم قانون اساسی مجموعه اصطلاحاتی است که بیان‌گر محدودیت‌های آزادی فعالیت تشکل‌ها در نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. لذا ضروری به نظر می‌رسد که مفهوم مورد نظر از هر یک از اصطلاحات مذکور در اصل مورد بررسی قرار گیرد. از همین رو در ادامه به مطالعه‌ی مفاهیم مورد نظر از اصطلاحات استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی خواهیم پرداخت.

الف - استقلال

واژه استقلال علاوه بر این اصل در مقدمه‌ی قانون اساسی^(۱) و اصول دیگری همچون اصل دوم^(۲)، اصل سوم^(۳)، اصل نهم^(۴)، اصل چهل و سوم^(۵)، اصل شصت و

۱. نهال انقلاب پس از یک سال و اندی مبارزه مستمر و پیگیر با باروری از خون بیش از شصت هزار شهید و صد هزار زخمی و معلول و با بر جای نهادن میلیاردها تومان خسارت مالی در میان فریادهای: «استقلال، آزادی، حکومت اسلامی» به ثمر نشست...

۲. جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به: ... که از راه: اجتهاد مستمر فقهای جامع‌الشرایط بر اساس کتاب و سنت معصومین سلام الله علیهم اجمعین، استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آن‌ها، نفی هر گونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می‌کند.

۳. دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد: ...

۱۱- تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور.

۴. در جمهوری اسلامی ایران، آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آن‌ها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی، به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع راه، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند.

۵. برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می‌شود: ۱- ...

هفتم^(۱)، اصل یکصد و بیست و یکم^(۲)، اصل یکصد و چهل و سوم^(۳) و... به کار رفته است که در همه‌ی این اصول بیانگر یک مفهوم واحد است.

در این خصوص می‌توان بیان نمود که استقلال در لغت از ریشه‌ی «ق ل ل» و به معنای طلب عدم وابستگی به غیر، خودمختاری و آزاد بودن به کار رفته است. (سیاح، ۱۳۸۰، ج ۱، ۱۳۶۵) در ادبیات فارسی نیز استقلال معادل خودمختار بودن، اداره‌ی کشور با اختیار و آزادی بدون مداخله کشورهای بیگانه، آزادی دولت‌ها در اداره‌ی امور کشور، تصمیم‌گیری، و قانون‌گذاری استعمال گردیده است. (معین، ۱۳۸۸، ج ۱، ۲۵۶ و دهخدا، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۴۲) مقصود مورد نظر از استقلال در حوزه‌ی حقوق عمومی نیز به عنوان حوزه و عرصه‌ی حاکمیت بیرونی و در برابر حاکمیت درونی یا خود مختاری قابل مطالعه است. (قاضی، ۱۳۸۸، ۷۹) بر این اساس حاکمیت در عرصه‌ی درونی و در بعد داخلی به این معنا است که هر کشوری حق موجودیت و تعیین شرایط و کیفیت آن، انتخاب شکل حکومت و قوانین خود را دارد. (قاضی، ۱۳۸۸، ۷۹) در حالیکه استقلال یا حاکمیت بیرونی اشاره به تکیه بر خود و عدم وابستگی به دیگران دارد. (شعبانی، ۱۳۸۳، ۹۰)^(۴)

استقلال دارای ابعاد و اقسام گوناگونی مانند استقلال سیاسی، استقلال اقتصادی، استقلال اجتماعی و فرهنگی و ... می‌باشد. «استقلال سیاسی^(۵) برای کشور یا ملت

۱. نمایندگان باید در نخستین جلسه مجلس به ترتیب زیر سوگند یاد کنند و متن قسم‌نامه را امضاء نمایند. «... و همواره به استقلال و اعتدالی کشور و حفظ حقوق ملت و خدمت به مردم پایبند باشم، از قانون اساسی دفاع کنم و در گفته‌ها و نوشته‌ها و اظهارنظرها، استقلال کشور و آزادی مردم و تأمین مصالح آن‌ها را مد نظر داشته باشم.»

۲. رئیس جمهور در مجلس شورای اسلامی در جلسه‌ای که با حضور رئیس قوه قضاییه و اعضای شورای نگهبان تشکیل می‌شود به ترتیب زیر سوگند یاد می‌کند و سوگندنامه را امضاء می‌نماید. «... در حراست از مرزها و استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشور از هیچ اقدامی دریغ نورزم...»

۳. ارتش جمهوری اسلامی ایران پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی کشور را بر عهده دارد.

۴. در این خصوص می‌توان بیان نمود که مقصود از استقلال، صاحب اختیاری و آزادی کامل یک کشور در امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ... بدون اعمال نفوذ بیگانگان می‌باشد، به نحوی که زمامداران کشور تابع هیچ زمامدار دیگری نباشند. (هاشمی، ۱۳۷۴، ج ۱، ۱۷۲) بر این اساس وضعیت مستقل به وضعیت فقدان اتکاء و وابستگی، تابعیت و کنترل اطلاق می‌گردد (آقای، ۱۳۸۲، ۶۷۹)

۵. در مقام تبیین این تعریف می‌توان گفت مراد از استقلال سیاسی عدم تأثیرپذیری یک حکومت از

به معنای عدم وابستگی کامل و عدم پیروی از فرامین و حکومت‌های دیگر و عدم وابستگی به هر گونه قدرت خارجی است.» (آقای، ۱۳۸۲، ۶۷۹) استقلال فرهنگی به عدم وابستگی فکری، اعتقادی و ارزشی به کشورهای بیگانه اشاره می‌نماید. استقلال نظامی نیز به قدرت و توانایی دفاع یک حکومت از حاکمیت خود اطلاق می‌گردد که نیازمند ابزارهایی همانند نیروی انسانی و امکانات و تسلیحات نظامی است. استقلال اقتصادی نیز عبارتست از مجموعه امکانات و توانایی‌هایی که با اتکاء به آن‌ها، حکومت با بهره‌گیری از امکانات و فرصت‌های اقتصاد داخلی و با برقراری روابط با اقتصاد بین‌المللی حاکمیتی خویش را محفوظ دارد. (هاشمی، ۱۳۷۴، ج ۱، ۱۷۴ و ۱۸۰) به بیان دیگر استقلال اقتصادی اشاره به اتکاء نظام اقتصادی یک حکومت به منابع مالی خود، نیروی کار افراد و تولیدات داخلی خود دارد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ج ۱، ۳۴۷)

در مقام جمع‌بندی مفهوم استقلال به عنوان یکی از محدودیت‌های آزادی تشکّل‌ها در نظام جمهوری اسلامی ایران می‌توان گفت مقصود از اصطلاح استقلال عدم وابستگی یک نظام سیاسی به سایر حکومت‌ها در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی می‌باشد.^(۱) به بیان دیگر آزادی تشکّل‌ها در نظام جمهوری اسلامی ایران منوط به آن است که اصل استقلال دولت در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، امنیتی و فرهنگی و اجتماعی به واسطه‌ی اعمال نفوذ بیگانگان نقض و خدشه دار نگردد.

→

سایر حکومت‌ها در عرصه‌ی اداره و مدیریت سیاسی می‌باشد که به دو صورت جلوه‌گر می‌گردد. گاهی استقلال سیاسی بیان‌گر آن است که تنها دولت‌ها حق وضع حقوق و تکالیف را برای شهروندان خود دارا می‌باشند و هیچ کشور دیگری حق مداخله در امور داخلی کشور دیگر را ندارد. گاهی نیز استقلال سیاسی اشاره به این موضوع دارد که ابتکار تعیین و اداره‌ی روابط با دیگر کشورها در اختیار همان حکومت قرار دارد. (هاشمی، ۱۳۷۴، ج ۱، ۱۷۴)

۱. ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که در ادبیات حقوق عمومی مفهوم سلطه در برابر مفهوم استقلال قرار دارد و از اشکال گوناگون آن می‌توان به استعمار، تحت‌الحمایگی، قیمومت و نمایندگی اشاره کرد. برای مطالعه‌ی بیشتر در این زمینه ر.ک: دانشنامه سیاسی، داریوش آشوری، انتشارات مروارید، بی‌تا، صص ۲۶-۳۰ و حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، محمد هاشمی، ج ۱، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴ صص ۱۷۴-۱۷۵

ب - آزادی

دومین محدودیت از محدودیت‌های ذکر شده پیرامون آزادی فعالیت تشکّل‌ها در نظام جمهوری اسلامی ایران بر اساس اصل بیست و ششم قانون اساسی عدم نقض آزادی می‌باشد. واژه‌ی آزادی در معنای آزاد بودن، رها بودن از قید و بند، زندانی یا اسیر نبودن، رهایی، خلاصی، حق انجام دادن افکار و خواسته‌ها بر اساس اراده‌ی خود، جوانمردی، عتق، حریت، اختیار، خلاف بندگی و رقیت و عبودیت و اسارت و اجبار، قدرت عمل و ترک آن استعمال گردیده است. (دهخدا، ۱۳۸۵، ج ۱، ۳۲)

اندیشمندان حوزه‌ی حقوق عمومی و علوم سیاسی تعاریف متعددی از اصطلاح آزادی ارائه نموده‌اند (مهرپور، ۱۳۷۰، ۵۱) که مطالعه‌آن‌ها در یافتن مفهوم مورد نظر اصل بیست و ششم قانون اساسی و در مقام تبیین یکی از محدودیت‌های آزادی تشکّل در نظام حقوقی ایران راهگشا می‌باشد. برای نمونه آزادی از نگاه مونتسکیو به توانایی هر فرد برای اعمال آنچه می‌خواهد، تعریف شده است. (مونتسکیو، ۱۳۷۱، ۷۲) از نگاه دیگر آزادی یا نبود هر گونه مانع و عدم تقید به هر گونه فشار مادی و روانی و اخلاقی است. (هاشمی، ۱۳۸۴، ۲۰۸) به عبارت دیگر آزادی آن حقی است که انسان‌ها با استناد به آن می‌توانند، مشروط به عدم وارد نمودن آسیب به دیگران، استعدادها و توانایی‌های طبیعی و خدادادی خود را به کار اندازند. (هاشمی، ۱۳۷۴، ۱۸۶) از منظر دیگر مقصود از آزادی به آن حالتی اطلاق می‌گردد که فرد در آن مطابق با اراده‌ی خود رفتار می‌نماید. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷، ۳۰) نویسندگان اعلامیه‌ی حقوق بشر و شهروند فرانسه آزادی را عبارت از هرکاری می‌دانند که به دیگران آسیب نرساند. به نظر می‌رسد که این تعریف مرجعی همانند قانون‌گذار را به عنوان بیان‌کننده اموری که به دیگران آسیب می‌رساند و اموری که به دیگران آسیب نمی‌رساند مفروض داشته است. شهید صدر مفهوم مورد نظر از آزادی را جدای از محتوای دینی و یا غیر دینی آن، نفی حاکمیت و سیطره غیر می‌دانند. (صدر، ۱۳۶۳، ۱۰۱)

بر این اساس می‌توان گفت مقصود از اصطلاح آزادی عبارتست از توانایی اشخاص برای انجام اموری که صلاح می‌دانند بدون حاکمیت و سلطه‌ی غیر. لذا تعریف حاضر دارای دو مؤلفه‌ی اساسی است؛ اولاً توانایی اعمال خواسته‌های خود و ثانیاً عدم سیطره‌ی دیگران. هر چند به نظر می‌رسد مفهوم آزادی در عرصه‌ی نظر، توجهی به جایگاه دیگران ندارد اما در عرصه‌ی عمل توانایی اشخاص برای انجام امور خود بدون توجه به توانایی‌های

دیگران غیر ممکن به نظر می‌رسد و از همین رو موضوع تحدید آزادی افراد و مقام تحدید کننده دارای اهمیت فراوانی می‌گردد. در این خصوص می‌توان بیان نمود که هر چند مفهوم مثبت آزادی یا همان «نبود اجبار درونی» از طریق تعریف فوق محقق می‌گردد اما آزادی در معنای منفی یا همان نبود مانع بیرونی نیازمند در نظر گرفتن معیارهایی برای جلوگیری از تراحم آزادی افراد بر مبنای قانون می‌باشد. (قاری سید فاطمی، ۱۳۹۰، ۷۰)

در نتیجه مفهوم مورد نظر از آزادی به عنوان یکی از محدودیت‌های فعالیت تشکّل‌ها در نظام جمهوری اسلامی ایران توانایی اشخاص برای انجام اموری است که صلاح می‌دانند و در حیطه‌ی توانایی‌های تعریف‌شده برای آنان به وسیله‌ی قانون می‌گنجد و مقصود از نقض آزادی به عنوان یکی از خطوط قرمز فعالیت تشکّل‌ها ورود به عرصه‌هایی است که قانون‌گذار توانایی انجام امور در آن‌ها را سلب نموده است.

ج - وحدت ملی

یکی دیگر از اصطلاحات مذکور در اصل بیست و ششم که در مقام بیان محدودیت‌های آزادی تشکّل‌ها در نظام جمهوری اسلامی می‌باشد و به عنوان یکی از واژگان کلیدی این اصل نیازمند تبیین و مطالعه‌ی دقیق است مفهوم مورد نظر از اصطلاح وحدت ملی است.

وحدت در لغت به معنای یگانه شدن، یکتایی، یگانگی، انفراد و تنهایی می‌باشد. (دهخدا، ۱۳۸۵، ج ۲، ۳۱۲۳) واژه‌ی ملی نیز در معنای منسوب و مربوط به ملت و آنچه که در ید و اختیار ملت است؛ استعمال گردیده است. (دهخدا، ۱۳۸۵، ج ۲، ۲۸۱۲)

لذا مقصود از اصطلاح وحدت ملی عبارتست از هم‌گرایی افراد یک مجموعه‌ی انسانی حول یک یا چند مؤلفه از مولفه‌های هویت ملی^(۱) همانند دین، زبان، جغرافیا،

۱. در راستای تعیین شاخصه‌های وحدت ملی مولفه‌های گوناگونی به وسیله‌ی اندیشمندان بیان گردیده است که از جمله‌ی آنان می‌توان به دین، زبان، جغرافیا، تاریخ، ادبیات و فرهنگ، نژاد اشاره نمود. در این زمینه با مطالعه‌ی آراء و نظریات اندیشمندان حوزه‌ی حقوق عمومی می‌توان مهم‌ترین عناصر سازنده و مولفه‌های وحدت ملی را ذیل عناوین سرزمین، دولت، دین و مذهب، زبان مشترک، آداب و رسوم و تاریخ مشترک مورد مطالعه قرار داد. (قاسمی و ابراهیم آبادی، ۱۳۸۹، ۱۱۲) که معیارهای فوق در اصول متعددی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریح گردیده است. (هاشمی، ۱۳۷۴، ج ۱، ۱۸۵-۱۹۱)

برای نمونه می‌توان به اصل دوازدهم به عنوان بیان‌گر مولفه‌ی دین واحد، اصل پانزدهم به عنوان بیان‌گر مولفه‌ی خط و زبان واحد و اصل هفدهم به عنوان بیان‌گر مولفه‌ی تاریخ واحد اشاره نمود.

تاریخ، ادبیات و فرهنگ، زیر یک پرچم واحد و حول محور یک دولت مرکزی. بر اساس این تعریف وحدت ملی در مرحله‌ی نخست یک وحدت اعتباری است که به علت اشتراک در حاکمیت و سرزمین محقق می‌گردد در حالی که حرکت به سمت و سوی اشتراکات حقیقی همانند اشتراک در دین و فرهنگ موجب تحقق وحدت حقیقی می‌گردد. (حسن بیگی و حاجی علی محمدی، ۱۳۸۹، ۷۵) به بیان دیگر وحدت ملی هماهنگی و هبستگی میان اجزای یک نظام سیاسی و اجتماعی است. (قاسمی و ابراهیم آبادی، ۱۳۸۹، ۱۰۸) مقصود از وحدت ملی در نگاه سلبی نیز ازاله‌ی عوامل تجزیه به شکل تمرکز قدرت می‌باشد و از این منظر زبان، نژاد و هویت فرهنگی ارکان وحدت ملی به شمار می‌آیند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ج ۵، ۳۷۵)^(۱)

در نتیجه می‌توان گفت مقصود از وحدت ملی هماهنگی و یکپارچگی افراد و جمعیت یک نظام سیاسی و اجتماعی حول مولفه‌های وحدت می‌باشد. در مقام تبیین حقوقی مفهوم وحدت ملی می‌توان به یک نکته‌ی کلی اشاره نمود که مفهوم وحدت ملی خواه ناخواه مفهوم حفظ تمامیت ارضی را نیز در خود جای داده است چراکه وحدت ملی ناظر به تمام سرزمین، قومیت‌ها و نژادهای حاضر در یک دولت-کشور می‌باشد و حفظ اقتدار و یکپارچگی آن‌ها اقتضای حفظ وحدت سرزمینی را خواهد داشت.

بنابر این تشکّل‌های مذکور در اصل بیست و ششم قانون اساسی نمی‌توانند در راستای دستیابی به اهداف خویش به یکپارچگی، وحدت ملی و مؤلفه‌های آن خدشه وارد نمایند، هر چند که این موضوع به معنای عدم ابراز وجود سلاقی و نظریات گوناگون که خود عاملی برای ایجاد تشکّل‌های گوناگون محسوب می‌گردد؛ نمی‌باشد.

د - موازین اسلامی

یکی دیگر از اصطلاحات مذکور اصل بیست و ششم که در مقام بیان

۱. مقام معظم رهبری در تبیین مفهوم وحدت ملی می‌فرماید: «اتحاد ملی، یعنی یک پارچگی ملت ایران» ایشان در جای دیگری می‌فرمایند: «منظور ما از وحدت چیست؟ یعنی همه مردم یکسان فکر کنند؟ نه. یعنی همه مردم یک نوع سلیقه سیاسی داشته باشند؟ نه. یعنی همه مردم یک چیز را، یک شخص را، یک شخصیت را، یک جناح را، یک گروه را بخواهند؟ نه؛ معنای وحدت این‌ها نیست. وحدت مردم، یعنی نبودن تفرقه و نفاق و درگیری و کشمکش. حتی دو جماعتی که از لحاظ اعتقاد دینی مثل هم نیستند، می‌توانند اتحاد داشته باشند؛ می‌توانند کنار هم باشند؛ می‌توانند دعوا نکنند» بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹/۰۱/۲۶.

محدودیت‌های آزادی فعالیت تشکّل‌ها در نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، اصطلاح «موازن اسلامی» است. موازن اسلامی یا موازن اسلام از جمله اصطلاحاتی است که در اصول متعددی از قانون اساسی به کار رفته است. در برخی از اصول همانند اصل چهارم قانون اساسی مقصود از موازن اسلامی هنجار برتری می‌باشد که سایر مقررات، قوانین و دستورالعمل‌های لازم الاجرا باید مطابق با آن وضع گردد. در برخی از اصول همانند اصل شصت و یکم و یکصد و پنجاه و یکم از این اصطلاح جهت بیان معیار و ملاکی برای انجام برخی از اعمال دولت که اقدامات آن می‌تواند بر مبنای آن هنجار سنجیده شود استفاده گردیده است و گاهی نیز همانند اصل بیست و ششم بیان‌گر چارچوب‌ها، محدودیت‌ها و کیفیات برخوردارگی از حقوق شهروندی مثل آزادی تشکّل‌ها می‌باشد. (امینی پزوه، ۱۳۹۳، ۳ و ۲)

موازن در لغت جمع مکسر میزان است و در معانی ترازو و وسیله‌ای است که اشیاء با آن وزن می‌شوند، تراز بنائی، مقدار، عدل، امتحان حساب در جمع و ضرب به کار رفته است. (بستانی، ۱۳۷۵، ۸۸۵) هر چند اصطلاح موازن اسلام یا موازن اسلامی از جمله اصطلاحات فقهی محسوب نمی‌گردد که در میان فقها مرسوم بوده باشد؛ اما به علت کاربرد آن در قانون اساسی، از این اصطلاح، به وسیله‌ی اندیشمندان معاصر در حوزه‌ی فقه و حقوق عمومی، تعاریف متعددی ارائه گردیده است. برخی موازن اسلامی را مترادف با ضوابط اسلامی می‌دانند. (یزدی، ۱۳۷۵، ۷۶) برخی بر این باورند که موازن اسلامی اعم از احکام اسلامی است. استاد عمید زنجانی در این خصوص بیان می‌دارند: «معنی موازن اسلامی اعم از احکام اسلام است، زیرا قواعد کلی فقهی و اصول عقلیه و عملیه جزء موازن اسلامی اند، ولی احکام اسلام بر آن‌ها صدق نمی‌کند... گرچه در اسلام حکم شرعی مشخصی درباره هوایمائی و اختراعات و راهنمایی و رانندگی و امثال آن نداشته‌ایم ولی کلیه قوانین مربوط به این مسائل با قواعد کلی فقهی و اصول عملیه قابل تطبیق می‌باشند.» (عمید زنجانی، ۱۴۲۱، ج ۱، ۴۰۲) برخی نیز با تفکیک میان موازن اسلام و احکام اسلام موازن را شامل قواعد و مقررات کلی همانند قواعد لا ضرر، تقدیم اهم بر مهم و ... می‌دانند در حالی که احکام مقررات و قواعد جزئی در زمینه‌های مختلف است. (پروین، ۱۳۸۷، ۳۰) به بیان دیگر موازن اسلامی آن اصول و قواعد کلی همانند عدالت، احسان، انصاف، کرامت انسانی، حفظ و تقویت نظام اسلامی است که باید در تمامی احکام اسلام رعایت گردد و قانون‌گذار در مقام وضع

مقررات لازم الاجرا باید خود را ملزم به رعایت آن‌ها بدانند. (هدایت‌نیا و کاویانی، ۱۳۸۰، ۱۳۰) این در حالی است که برخی از فقها و مجتهدین معاصر^(۱) موازین اسلامی را مترادف با احکام اسلامی می‌دانند. (به نقل از امینی پژوه، ۱۳۹۳، ۱۲ و ۱۳) به نظر می‌رسد مقصود از موازین اسلامی به عنوان یکی از محدودیت‌های آزادی تشکّل‌ها در نظام جمهوری اسلامی ایران به رعایت حدود شریعت اسلام که وجه بارز آن در احکام شرع متجلی گردیده است، اشاره می‌نماید، هر چند عقاید اسلامی، اخلاق اسلامی و قواعد فقه نیز بخشی از آموزه‌های شریعت محسوب می‌شود. به بیان دقیق‌تر این محدودیت به دنبال آن است که تشکّل‌های مذکور در اصل بیست و ششم در مجموعه فعالیت‌ها و اقدامات خویش اقدام و فعالیتی مخالف با احکام اسلام مرتکب نشوند و در اهداف و اعمال آنان عملی مغایر با شریعت اسلام و مذهب شیعه اثنی عشری به عنوان مذهب رسمی کشور ملاحظه نگردد.

۵- اساس جمهوری اسلامی

آخرین محدودیت ذکر شده در اصل بیست و ششم برای آزادی فعالیت تشکّل‌ها در نظام جمهوری اسلامی ایران عبارت «اساس جمهوری اسلامی» است. واژه اساس در زبان و ادبیات فارسی در معانی پی، پایه، بنیاد، شالوده، بُن، پیکره، بنیان، نهاد، اصل و اُس استعمال گردیده است (دهخدا، ۱۳۸۵، ج ۱، ۱۲۵) و مقصود از اساس جمهوری اسلامی ایران پایه‌ها و بنیان‌هایی می‌باشد که نظام جمهوری اسلامی ایران بر آن استوار گردیده است و شامل مبانی، خصوصیات و ویژگی‌های ذاتی و بنیادین نظام جمهوری اسلامی ایران می‌گردد.

از جمله ویژگی‌ها که اساس و پایه‌های نظام جمهوری اسلامی ایران را تشکیل می‌دهد می‌توان به خصوصیات هم‌چون مکتبی بودن و مبانی عقیدتی و جهان‌بینی خاصی که پایه‌های اساسی نظام را تشکیل می‌دهد و در اصل دوم^(۲)

۱. از جمله آیت الله مکارم شیرازی، آیت الله هاشمی شاهرودی و آیت الله موسوی اردبیلی

۲. اصل دوم: جمهوری اسلامی، نظامی است برپایه ایمان به:

۱- خدای یکتا (لااله الاالله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او.

۲- وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین.

۳- معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا.

مورد اشاره قرار گرفته‌اند، اشاره نمود. (عمید زنجانی، ۱۴۲۱، ج ۱، ۱۶۹) علاوه بر این به نظر می‌رسد همه‌ی مفاهیمی که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آنها را جزو اصول دائمی و غیر قابل بازنگری دانسته است در زمره‌ی اساس و پایه‌های جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود. در این خصوص می‌توان بیان نمود که با مطالعه‌ی اصول گوناگون قانون اساسی به ویژه اصل یکصد و هفتاد و هفتم^(۱) با مفاهیمی همانند دین رسمی اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری^(۲)، اسلامی بودن نظام و ابتدای کلیه قوانین و مقررات براساس موازین اسلامی^(۳)، پایه‌های ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران^(۴)، جمهوری بودن حکومت^(۵)، ولایت امر و

→

۴- عدل خدا در خلقت و تشریح .

۵- امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلام .

۶- کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا که از راه :

الف - اجتهاد مستمر فقهای جامع الشرایط براساس کتاب و سنت معصومین سلام الله علیهم اجمعین.

ب - استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها.

ج - نفی هرگونه ستمگری و ستمکشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری،

قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می‌کند.

۱. از جمله‌ی این اصول می‌توان به اصل دوازدهم و ذیل اصل یکصد و هفتاد و هفتم « محتوای اصل

مربوط به اسلامی بودن نظام و ابتدای کلیه قوانین و مقررات براساس موازین اسلامی و پایه‌های

ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بودن حکومت و ولایت امر و امامت امت و نیز

اداره امور کشور با اتکاء به آرا عمومی و دین و مذهب رسمی ایران تغییرناپذیر است. » اشاره نمود

۲. « دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی الابد غیر قابل تغییر است و

مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می‌باشند و پیروان

این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه «

۳. اصل چهارم - کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی،

سیاسی و غیر این‌ها باید براساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون

اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر برعهده فقهای شورای نگهبان است.

۴. ر.ک: اصل دوم قانون اساسی

۵. اصل اول: حکومت ایران جمهوری اسلامی است که ملت ایران، براساس اعتقاد دیرینه‌اش به

حکومت حق و عدل قرآن، در پی انقلاب اسلامی پیروزمند خود به رهبری مرجع عالیقدر تقلید

آیت الله العظمی امام خمینی، در همه پرسی دهم و یازدهم فروردین ماه یک هزار و سیصد و پنجاه

و هشت هجری شمسی برابر با اول و دوم جمادی الاول سال یک هزار و سیصد و نود و نه هجری

قمری با اکثریت ۹۸/۲٪ کلیه کسانی که حق رأی داشتند به آن رأی مثبت داد.

امامت امت^(۱) و نیز اداره امور کشور با اتکاء به آرا عمومی^(۲) مواجه خواهیم شد که قانون‌گذار اساسی آن‌ها را الی‌الابد غیر قابل تغییر و بازنگری می‌داند. از همین رو می‌توان گفت که اصول غیر قابل بازنگری به عنوان اساس و مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران مذکور در قانون اساسی محسوب می‌گردد و آزادی تشکل‌ها نمی‌تواند ناقض هر یک از اصول و پایه‌های ذکر شده باشد.

گفتار دوم: اصل بیست و ششم در مشروح مذاکرات قانون اساسی

تا کنون مفهوم مورد نظر از کلید واژگان و اصطلاحات مذکور در اصل بیست و ششم قانون اساسی بیان گردید. اکنون آنچه دارای اهمیت است مرور کوتاه و مختصری بر مجموعه ادله و مستندات است که در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی سال ۱۳۵۸ حول محور این اصل بیان گردیده است. پیش از آن ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که موضوع آزادی تشکیل و فعالیت تشکل‌ها پیش از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در قانون اساسی مشروطیت و متمم آن مورد توجه قانون‌گذاران قرار گرفته بود. در این خصوص اصل بیست و یکم متمم قانون اساسی مشروطه در یک اصل به آزادی تشکیل انجمن‌ها و اجتماعات اشاره نموده و مقرر داشت: «انجمنها و اجتماعاتی که مولد فتنه دینی و دینوی و مخل بنظم نباشند در تمام مملکت آزاد است ولی مجتمعی با خود اسلحه نباید داشته باشند و ترتیباتی را که قانون در این خصوص مقرر میکند باید متابعت نمایند اجتماعات در شوارع و میدانهای عمومی هم باید تابع قوانین نظمی باشند».

مشروح مذاکرات اصل بیست و ششم قانون اساسی در مجلس بررسی نهایی مبتنی بر دو پیش‌نویس ارائه شده به وسیله‌ی دولت موقت و پیش‌نویس گروه سوم کار خود را آغاز نمود که در نهایت پیش‌نویس گروه سوم^(۳) پس از توضیحات آقای قائمی

۱. اصل پنجم - در زمان غیبت حضرت ولی عصر «عجل الله تعالی فرجه» در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت برعهده فقیه عادل و باتقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یک صد و هفتم عهده دار آن می‌گردد.

۲. اصل ششم - در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آرای عمومی اداره شود، از راه انتخابات: انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراهای و نظایر این‌ها، یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد.

۳. اصل سوم پیش‌نویس مصوب گروه سوم مقرر نموده بود: «تشکیل احزاب، جمعیت‌ها، کانون‌ها، سازمان‌ها، اتحادیه‌ها، سندیکاها و انجمن‌های گوناگون، ادیان رسمی، سیاسی، صنفی، فرهنگی، ادبی،

نماینده‌ی گروه (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی؛ قائمی، ۱۳۶۴، ۶۶۵ و ۶۶۶) به علت انتقادات و ایرادات متعدد وارده از جمله انتقاد به نحوه‌ی تنظیم عبارات اصل و آوردن قیود متعدد^(۱) همانند «انجمن‌های گوناگون ادیان رسمی»^(۲)، ذکر قید «هنری»^(۳)، ذکر قید حاکمیت به عنوان یکی از محدودیت‌های آزادی تشکّل‌ها^(۴)، عدم تعیین مرجع برای قید «مصوب»^(۵)، روشن نبودن مفهوم کلمه‌ی «سلح یا وابسته»^(۱)،

→

هنری با اساس‌نامه و مرام‌نامه مصوب و اعلام شده آزاد است مشروط بر این‌که در محتوای مرام‌نامه و در عمل اصل استقلال، آزادی حاکمیت نظام جمهوری اسلامی، وحدت ملی و تمامیت ارضی را نقض نکرده و علیه آن اقدام ننمایند و نیز مسلح و یا وابسته به بیگانه نباشند.» (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی، ۱۳۶۴، ۶۶۵)

۱. ذکر این‌ها و ردیف کردن این‌ها با طول و تفسیر چرا آمده؟ علش چیست؟ (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی؛ مکارم شیرازی، ۱۳۶۴، ۶۷۲) فرمودید که احزاب، جمعیت‌ها، کانون‌ها و سازمان‌ها این‌ها هر کدام علتی داشته که آورده‌اید، احزاب ظاهراً به معنای دستجات سیاسی است و جمعیت‌ها طبعاً سیاسی نیست (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی؛ خامنه‌ای، ۱۳۶۴، ۶۷۳)

۲. منتظری: یکی این‌که آقایان نوشته‌اند «انجمن‌های گوناگون ادیان رسمی» در حالی که کلمه رسمی در اقلیت‌های مذهبی تأیید نشده است و فقط گفته شده «دین رسمی ایران اسلام است» و ادیان اقلیت‌ها شناخته‌شده هستند، لفظ «رسمی» ندارد. پس ما نگفتیم ادیان رسمی چهار تا و یا این‌ها است. پس باید بنویسید «دین اسلام و اقلیت‌های شناخته‌شده» و همین‌طور که عرض کردم ادیان رسمی به آن صورتی که گفته شد درست نیست زیرا دین رسمی ایران فقط اسلام است. (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی؛ منتظری، ۱۳۶۴، ۶۶۶) و رشیدیان: اینجا نوشته شده «انجمن‌های گوناگون ادیان رسمی» و بعد «سیاسی، صنفی، فرهنگی، ادبی، هنری» این انجمن‌ها مال ادیان به اصطلاح رسمی است یا به سیاسی، صنفی، فرهنگی، هنری هم می‌رسد؟ (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی؛ رشیدیان، ۱۳۶۴، ۶۶۸)

۳. سؤال دیگرم در مورد هنر است، چون هنرها مانند هنر نقاشی هنر مشروعی است ولی هنر غیر مشروح هم داریم مثل رقص و دانس و موسیقی‌های حرام. بنابراین کلمه «هنری» مطلق است و شامل هنرهای غیر رسمی هم می‌شود. (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی؛ منتظری، ۱۳۶۴، ۶۶۷)

۴. انتقاد دیگری که به نظر می‌آید این است که کلمه «حاکمیت» زائد است. یعنی نوشته شود «آزادی، نظام جمهوری اسلامی و کلمه «حاکمیت» قبل از «نظام جمهوری اسلامی» را نمی‌خواهد. (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی؛ منتظری، ۱۳۶۴، ۶۶۷)

۵. این قید «مصوب» نمی‌فهماند که باید مصوب جمهوری اسلامی باشد بلکه معنایش این است که خود آن انجمن مرام‌نامه‌ای را تصویب کرده باشند که معلوم شود مرام و کارشان چیست. (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی؛ منتظری، ۱۳۶۴، ۶۶۷)

روشن نبودن مفاهیم حزب، سندیکا و سازمان^(۲) و... و ایرادات ماهوی مانند عدم

→

۱. سؤال دیگر این است که نوشته‌اید «و نیز مسلح و یا وابسته» من وقتی این عبارت را خواندم چنین فهمیدم که هر کس در انجمن‌ها شرکت می‌کند با اسلحه نباید باشد، در صورتی که جناب‌عالی معنایش کردید که اصلاً کسانی که در کشور مسلح هستند حق ندارند در انجمن‌ها شرکت کنند. این حرف غلطی است که ما بگوئیم ارتشی‌ها و افسران ارتشی، نظامی‌ها حق ندارند در انجمن‌های دینی شرکت کنند و یا در انجمن‌هایی که خودشان برای اسلام و دین تشکیل می‌دهند حق شرکت ندارند و نمی‌توانند چنین انجمن‌هایی داشته باشند و از طرف دیگر کلمه «مسلح» مقصود شما را نمی‌فهماند برای این که می‌فرمایید با سلاح نباید در انجمن برود. (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی؛ منتظری، ۱۳۶۴، ۶۷ و ۶۸)

۲. خامنه‌ای- سؤال دیگر بنده این است که شما فرمودید احزاب جهت سیاسی دارد، حزب یعنی یک جمعیت سیاسی، آیا منظورتان از جمعیت‌ها یک لفظ اعم است بعد از اخص، که شامل احزاب می‌شود یا نه؟ (دکتر قائمی- فکر می‌کنم گروه‌های کوچک‌تر از حزب باید شامل جمعیت‌ها بشود). بنابراین باید جمعیت‌ها را روشن کرد. حالا راجع به کانون‌ها عرض کنم شما این کانون‌ها که می‌فرمایید اگر شما خواسته‌اید که تمام الفاظ جمع را یعنی گروه‌ها و دستجات را بیاورید خوب شورا، مؤسسه، بنیاد و امثال این‌ها هم بوده که نیاورده‌اید و اما اگر منظور از کانون همان سازمان یا اتحادیه یا جمعیت است که عرفاً هم همین‌طور است. (دکتر قائمی- در عرف کانون به چه می‌گویند؟) در عرف زبان فارسی فرقی نمی‌گذارند، بعضی‌ها می‌گویند جمعیت و بعضی هم می‌گویند کانون. (دکتر قائمی- ما فکر می‌کنیم که کلمه «کانون» در عرف به مراتب محدودتر و کوچک‌تر از جمعیت است). سؤال دیگرم این است که منظور از کانون چه بوده است. آیا نظر به چیز خاصی داشته‌اید یا نه؟ (دکتر قائمی- همان‌طور که عرض کردم نظر ما این بوده که یک جمعیت بسیار فشرده و محدود را که در یک زمینه خاصی فعالیت می‌کند کانون بنامیم. مثل کانون نویسندگان، کانون وکلا و غیره) بعد فرموده‌اید «سازمان‌ها» این سازمان‌ها اصطلاح فارسی‌اش یک واحد دولتی است که کوچک‌تر از وزارت‌خانه باشد. معمولاً این‌طور است، غیر از این که حالا کسی اسم یک کتابفروشی را سازمان مطبوعاتی بگذارد ولی منظور از سازمان یا وزارت‌خانه است و یا مؤسسه دولتی وابسته به نخست‌وزیری آیا شما نظرتان این‌ها بوده؟ (دکتر قائمی- اجازه بدهید توضیح بدهم، ما چنین نظری نداشته‌ایم. سازمان یک جمعیتی را می‌گوئیم که بر اساس یک سلسله مراتب تشکیل می‌شود). عرض کنم که اتحادیه‌ها و سندیکاها ظاهراً یک کلمه عربی و یک کلمه فرانسه است که تقریباً معادل هم هستند، یعنی اتحادیه اصطلاحی است از یک جمعیت صنفی و سندیکا هم همین است و مخصوص کارگر نیست، کارفرما هم سندیکا دارد و همین‌طور اصناف هم می‌توانند سندیکا داشته باشند. (دکتر قائمی- ما فکر می‌کنیم موارد استعمالش در زبان فارسی فرق می‌کند). این‌طور نیست شما کلمه سندیکای فرانسوی را به یک نفر که زبان فرانسه می‌داند بدهید ببینید به چه ترجمه می‌کند. (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی؛ خامنه‌ای، ۱۳۶۴، ۷۳ و ۶۷۴)

نیازمندی دولت اسلامی به حزب به عنوان مهم‌ترین ایراد فقهی وارده که در مورد هر دو متن قابل مطالعه می‌باشد^(۱)، روشن نبودن حکم تبلیغ و فعالیت علیه نظام^(۲)، روشن نبودن علت حذف عبارت «و هیچ کس را نمی‌توان از شرکت در گروه دینی، سیاسی و اجتماعی دلخواهش منع کرد و یا به شرکت در یکی از این گروه‌ها مجبور ساخت»^(۳)، روشن نبودن تفاوت میان قید استقلال و عدم وابستگی به بیگانگان^(۴)،

۱. اساس اسلام اگر مسلمین بخواهند متحد باشند، پیروزی و نصرت همراه آن‌ها است. این انقلاب در سایه وحدت اقشار مختلف به دست آمده است و این همه امام گله دارد از ملت به خاطر همان غرب‌گرایی‌اش، با این‌که اسلام را قبول دارد، هر چه اجتماع فشرده‌تر باشد، پیشبرد کارمان بهتر است. پس بنابراین «أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ - وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا». برداشت شخص من این است میان خود مسلمین به عنوان حزب اجازه نمی‌دهد. اما دیگر فرق و ادیان و فی‌المثل همان‌طوری که صحبت شد اسلام مانند کمونیست و سایر فرق نیست، اسلام این اجازه را داده به طور کلی چه در زمان ائمه و چه بعد، اجازه سخن گفتن و استدلال را به آن‌ها حتی در مسجد امام صادق (ع) داده بود. البته در مقام تبیین حق و آنچه که در فکرش دارد اسلام به تمام افراد از نظر عقیده و ایدئولوژی اجازه بیان مطالب را می‌دهد. «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» پس اسلام این اجازه را به سایرین داده که حد و مرزی داشته باشد، سوءاستفاده نکنند و به اصل نظام جمهوری اسلامی خدشه وارد نکنند و صدمه زنند. این قانون غرب‌زدگی‌اش و شرق‌زدگی‌اش به تعبیر استاد آقای منتظری ... چشم، این غریب به نظر می‌رسد که مثلاً احزاب هم تشکیل نشود فقط ما یک حزب داریم آن هم حزب خداست. بله، شما خواهید گفت دیگر جمعیت‌هایی نداریم، جمعیت‌هایی داریم ولی در چارچوب اسلام تشکیل می‌شود، مثلاً مؤسساتی یا جمعیت‌هایی تشکیل می‌شود شور و تبادل نظر می‌کنند که به آن هم به اصطلاح، دیگر حزب گفته نمی‌شود. او در چارچوب اسلام است او در جهت و پیشبرد مقصد اسلام است پس تشکیل حزب از نظر برداشت شخص من از اسلام صحیح نیست. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی؛ فاتحی، ۱۳۶۴، ۶۸۰

۲. سؤال دیگرم این است که ممکن است انجمن‌هایی باشند که در آن علیه اسلام تبلیغ کنند. آیا این انجمن‌ها مجاز هستند یا خیر؟ شما ذکر نکرده‌اید. حاکمیت نظام جمهوری اسلامی غیر از تبلیغ علیه اسلام یعنی تبلیغ علیه «جمهوری اسلامی» غیر از تبلیغ علیه «اسلام» است و به عبارت دیگر می‌توانند تبلیغ کنند که در اسلام اشکالاتی هست. (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی؛ منتظری، ۱۳۶۴، ۶۶۷)

۳. سبحانی - یک مطلب را حذف کرده‌اند «و هیچ کس را نمی‌توان از شرکت در گروه دینی، سیاسی و اجتماعی دلخواهش منع کرد و یا به شرکت در یکی از این گروه‌ها مجبور ساخت» این عبارت چرا حذف شده است؟ (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی؛ سبحانی، ۱۳۶۴، ۶۶۹)

۴. سؤال اول این‌که نوشته شده «وابسته به بیگانه نباشد» بعد از آن گروه قبلی که ذکر شده چه فایده دارد؟ آن قیود کفایت می‌کرد و دیگر احتیاج به نوشتن این جمله نبود. (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی؛ مکارم شیرازی، ۱۳۶۴، ۶۷۱)

تناقض میان ایدئولوژیک بودن احزاب و عدم وابستگی^(۱) و... و پس از بحث و تبادل نظر مفصل از دستور کار خارج گردید و متن پیش‌نویس دولت موقت^(۲) همراه با اصلاحاتی به عنوان متن نهایی اصل بیست و ششم مورد تصویب قرار گرفت.

در خصوص متن پیش‌نویس دولت موقت^(۳) نیز ذکر عبارت «تشکیل» به علت عدم شمول حکم اصل در خصوص احزابی که تا پیش از تصویب قانون اساسی تشکیل گردیده‌اند (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی، ۱۳۶۴، ۶۸۱)، حذف عبارت «حاکمیت» به علت ذکر عبارات «استقلال، آزادی و وحدت ملی» که همان مفهوم را متبادر به ذهن می‌نماید (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی، ۱۳۶۴، ۶۸۲)، افزودن قید «موازن اسلامی» به عنوان یکی از محدودیت‌های آزادی فعالیت تشکّل‌ها (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی، ۱۳۶۴، ۶۸۳) و اصلاح ذیل اصل با عبارت «و هیچکس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت» (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی، ۱۳۶۴، ۶۸۳) به عنوان نمونه‌هایی از اصلاحات صورت گرفته متن نهایی اصل را تکمیل نمود. در نهایت متن اصل بیست و ششم قانون اساسی (اصل سی‌ام پیش‌نویس) در جلسه بیست و ششم مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با پنجاه رأی موافق، هفت مخالف و نه ممتنع به تصویب رسید. بر این اساس اصل بیست و ششم قانون اساسی مقرر می‌دارد: «احزاب، جمعیت‌ها و

۱. کیاوش - در بالا مرقوم فرموده‌اند احزاب ایدئولوژیک آزاد است و در پایین هم نوشته‌اند به شرطی که وابسته به بیگانه نباشد آیا ممکن است یک حزب ایدئولوژیک برای تقویت خود وابستگی جهانی ایجاد نکند؟ (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی؛ کیاوش، ۱۳۶۴، ۶۷۴)

۲. متن پیش‌نویس دولت موقت: «تشکیل احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های دینی، سیاسی و صنفی آزاد است. مشروط بر اینکه اصول استقلال، آزادی، حاکمیت و وحدت ملی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. شرکت افراد در این گونه گروه‌ها آزاد است و هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در گروه دینی و سیاسی و اجتماعی دلخواه منع کرد یا به شرکت در یکی از این گروه‌ها او را مجبور ساخت.» (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی؛ بهشتی، ۱۳۶۴، ۶۸۱)

۳. «اصل ۲۶- احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های دینی، سیاسی و صنفی آزاد است مشروط بر این‌که اصول استقلال، آزادی، حاکمیت و وحدت ملی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. شرکت افراد در این گروه‌ها آزاد است و هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در گروه دینی، سیاسی و اجتماعی دلخواهش منع کرد یا به شرکت در یکی از این گروه‌ها او را مجبور ساخت»

انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند مشروط به این‌که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلام و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. شرکت افراد در این گروه‌ها آزاد است و هیچکس را نمی‌توان از شرکت در آن‌ها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن‌ها مجبور ساخت.»

ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که متن مصوب در این جلسه با متن نهایی قانون اساسی^(۱) تفاوت‌هایی دارد. برای نمونه در متن نهایی بعد از عبارت جمعیت‌ها از نشانه‌ی ویرگول استفاده شده در حالی که در متن مصوب از حرف «و» استفاده گردیده است. علاوه بر این عبارت «شرکت افراد در این گروه‌ها آزاد است» در متن نهایی حذف گردیده است. منشا این تفاوت‌ها تغییرات شکلی و ویرایشی است که نمایندگان مجلس بررسی نهایی قانون اساسی بر اساس آئین‌نامه داخلی خود، در سه روز پایانی این مجلس انجام داده‌اند.

گفتار سوم: مبانی فقهی و حقوقی آزادی تشکل‌ها

این گفتار به دنبال مطالعه و بررسی اصول و بنیان‌های نظری آزادی تشکل‌ها در نظام فقهی و حقوقی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد و در پی پاسخ‌گویی به این سؤال بنیادین است که علت ذکر چنین اصلی در قانون اساسی چیست. از همین رو ابتدا به مطالعه‌ی مبانی فقهی آزادی تشکل‌ها خواهیم پرداخت (بند اول) و پس از آن مبانی حقوقی این موضوع را تبیین می‌نماییم (بند دوم).

بند اول: مبانی فقهی آزادی تشکل‌ها

به منظور مطالعه‌ی مبانی فقهی یک موضوع باید به سراغ منابع شریعت (قرآن، سنت و عقل) رفت و با بهره‌گیری از اقوال متخصصان در این زمینه که با بهره‌گیری از ابزار اجتهاد به دست آمده است به مطالعه‌ی مبانی فقهی کار تشکیلاتی در اندیشه اسلامی پرداخت. از آن‌جا که فقها و اندیشمندان اسلامی به طور خاص در خصوص حکم

۱. احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این‌که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچکس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.

فقهی تشکیل احزاب سیاسی نظراتی را بیان نموده‌اند می‌توان ابتدا به بررسی مبانی فقهی کار تشکیلاتی به صورت اعم در ادبیات دینی ذیل سه دسته‌ی مبانی قرآنی کار تشکیلاتی، مبانی روایی کار تشکیلاتی و مبانی عقلی کار تشکیلاتی؛ پرداخت و سپس آراء و نظرات فقها را در خصوص تشکیل احزاب سیاسی مطالعه نمود.

الف - مبانی کار تشکیلاتی در منابع فقه

ذیل این عنوان مبانی کار تشکیلاتی در منابع فقهی (قرآن، سنت و عقل) مورد مطالعه قرار می‌گیرد:

۱- مبانی قرآنی کار تشکیلاتی

آیات قرآن کریم در کنار اشاره به ضرورت زندگی اجتماعی^(۱)، ایجاد تشکیلات، در جهت اجرای اوامر شریعت اسلام را امری بایسته و ضروری عنوان می‌دارند. با نگاهی به مجموعه آیات کلام الله مجید می‌توان اوامر را یافت که تحقق آن نیازمند ایجاد تشکیلات اجتماعی در حکومت اسلامی می‌باشد. برای نمونه آیه‌ی ۱۰۴ سوره‌ی مبارکه‌ی آل عمران با اشاره به موضوع دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر بیان می‌دارد: «و باید از شما گروهی (امتی) باشند که [همه مردم را] به سوی خیر [اتحاد، اتفاق، الفت، برادری، مواسات و درستی] دعوت نمایند، و به کار شایسته و پسندیده وادارند، و از کار ناپسند و زشت بازدارند و اینانند که یقیناً رستگارند.»^(۲)

مقصود از امت جماعتی است که وجه مشترک دارند (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۱۱۸) و به نحوی جنبه‌ای از وحدت در میان آن‌ها موجود باشد؛ خواه وحدت از نظر زمان یا از نظر مکان و یا از نظر هدف و مرام. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ۳۵) بر اساس این آیه خداوند متعال امر می‌نماید که همواره باید در میان مسلمانان جماعتی با وجهی مشترک حضور داشته باشند و دو وظیفه‌ی بزرگ اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر و دعوت به خیر را انجام دهند و فلاح و رستگاری تنها از این راه ممکن است. (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۳، ۳۶) لذا برخی از مفسران با استناد به آیه‌ی فوق حکم

۱. از آن‌جا که این موضوع محل بحث نیست برای مطالعه بیشتر ر.ک: امین، سبیده نصرت، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۶۱، ص: ۳۸۸- بابایی، احمد علی، برگزیده تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۲، ج ۴، ص: ۵۰۸.

۲. وَ لَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

و جوب ایجاد «امت» برای انجام امر به معروف و نهی از منکر را استنباط نموده و با معادل سازی امت به جماعت خاصی دارای فکر و هدف واحد (حسینی روحانی قمی، ۱۴۱۲: ۲۳۸) به اثبات انجام کار تشکیلاتی در اندیشه‌ی اسلامی پرداخته‌اند. در تبیین این موضوع می‌توان بیان نمود از آن جا که اصل امر به معروف و نهی از منکر واجبی مشروط است، و واجبات مشروط نیازمند تحقق شرایط هستند، در نتیجه ایجاد تشکل برای تحقق آن‌ها نیز مشروط خواهد بود مانند این که انجام آن تنها وقتی میسر باشد که گروهی کنار یکدیگر جمع شوند. البته همان طور که احتمال تعطیل امر به معروف و نهی از منکر به واسطه عدم ارتکاب منکر یا ترک معروف در جامعه، نزدیک به صفر است، احتمال عدم نیاز به ایجاد تشکیلات مردمی برای مقابله با منکرات - به ویژه نسبت به دولت - نیز نزدیک به صفر است. سوی دیگر علت این که صرفاً به تشکل‌های مردمی در زمینه‌ی تحقق امر به معروف و نهی از منکر اشاره می‌شود آن است که لزوم ایجاد تشکیلات برای امر به معروف و نهی از منکر یا دعوت به خیر، از سوی دولت به عنوان یک شخص حقوقی، امری بدیهی به نظر می‌رسد. (طلابکی، ۱۳۹۱: ۱۱۸)

علاوه بر این آیه، آیه‌ی دیگری که از آن می‌توان لزوم کار تشکیلاتی در اندیشه‌ی اسلامی از آن استنباط نمود آیه‌ی ۶۰ سوره‌ی مبارکه‌ی انفال می‌باشد که خداوند متعال می‌فرماید: «و آماده کنید برای (کار زار با) ایشان هر چه را می‌توانید از نیرو و از اسبان بسته شده که بترسانید با آن دشمن خدا و دشمن خود را و دیگران را از غیر ایشان که شما آنان را نمی‌شناسید و خدا می‌شناسد، و آنچه که در راه خدا خرج کنید به شما پرداخت می‌شود و به شما ظلم نخواهد شد.»^(۱) علامه طباطبایی در مقام تبیین این موضوع می‌فرماید: «کلمه "اعداد" به معنای تهیه کردن چیزی است تا انسان با آن چیز به هدف دیگری که دارد برسد، که اگر قبلاً آن را تهیه ندیده بود به مطلوب خود نمی‌رسید و کلمه "قوه" به معنای هر چیزی است که با وجودش کار معینی از کارها ممکن می‌گردد، و در جنگ به معنای هر چیزی است که جنگ و دفاع با آن امکان پذیر است، از قبیل انواع اسلحه و مردان جنگی با تجربه و دارای سوابق جنگی و تشکیلات نظامی... و اینکه فرمود: "و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط

۱. وَ اَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهٖ عَدُوُّ اللّٰهِ وَ عَدُوُّكُمْ وَ الْاٰخِرِينَ مِنْ دُوْنِهِمْ لَا تَعْلَمُوْنَهُمْ اللّٰهُ يَعْلَمُهُمْ وَ مَا تَنْفَعُوْا مِنْ شَيْءٍ فِی سَبِيْلِ اللّٰهِ يُوَفِّ اِلَيْكُمْ وَ اَنْتُمْ لَا تَطْلُمُوْنَ

الْخَيْلِ" امر عامی است به مؤمنین که در قبال کفار به قدر توانایشان از تدارکات جنگی که به آن احتیاج پیدا خواهند کرد تهیه کنند، به مقدار آنچه که کفار بالفعل دارند و آنچه که توانایی تهیه آن را دارند... پس مردم هم بنوبه خود باید قبلاً فنون جنگی را آموخته و خود را برای روز مبادا آماده کنند. پس تکلیف "و اعدوا..."، تکلیف به همه است. «(طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ۱۵۱ و ۱۵۲) مبتنی بر این می توان گفت از آنجا که برای تحقق دستور خداوند متعال نسبت به آمادگی دفاعی و نظامی در برابر دشمنان، در کنار وجود تجهیزات و آمادگی نظامی، تشکیلات منظم و منسجم نیز اهمیت به سزایی دارد. (کعبی، ۱۳۸۷، ۱۴۲)

مبتنی بر دو آیهی فوق هر چند شاید نتوان وجوب شرعی ایجاد تشکیلات را اثبات نمود اما می توان به این موضوع پی برد که ایجاد تشکیلاتی به منظور اجرای شریعت دارای ریشه در آموزه های اسلامی است. لازم به ذکر است که فقها علاوه بر آیات فوق به آیات موضوع مشورت، تعاون بر بر و تقوا، علم و وظایف اجتماعی به عنوان مبنای فقهی ایجاد تشکل در آموزه های اسلامی نیز اشاره نموده اند. (کعبی، ۱۳۸۷، ۱۴۲)

۲- مبنای کار تشکیلاتی در سیره و سنت معصومین

با نگاهی به سیره و سنت ائمه ی معصومین علیهم السلام می توان دریافت که کار تشکیلاتی در نگاه حضرات معصومین دارای جایگاه ارزشمند و والایی است. بارزترین نمونه های این موضوع را می توان در سیره ی نبوی و در جریان انعقاد حلف الفضول^(۱) و پیمان عقبه^(۲)، در سیره ی علوی و در وجود برخی تشکیلات مردمی

۱. طبق پیمان حلف الفضول قبائل: بنی هاشم، و بنی مطلب، و اسد بن عبد العزی، و زهره بن کلاب، و تیم بن مره، در خانه عبد الله بن جدعان- که از سایرین سالمندتر و شریف تر بود- اجتماع کرده، و سوگند یاد کردند که بهر کس در شهر مکه ستم و ظلمی شد چه از اهل شهر مکه باشد و چه از غیر آن شهر به پشتیبانی او قیام کرده از پای ننشینند تا حق او را از ستمگری که به او ظلم کرده بگیرند و به او باز گردانند، و این سوگند را قریش «حلف الفضول» نامیدند. (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱: ۸۸)

۲. طبق پیمان عقبه نیز دوازده نفر که ده نفرشان از قبیله خزرج و دو نفرشان از قبیله اوس بودند، در بیعتی با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) که به عقبه اولی معروف شد، تعهد کردند «برای خدا شریکی قائل نشوند، دزدی نکنند، مرتکب زنا نشوند، فرزندان خود را نکشند، بهتان و افترا نزنند و در کارهای نیک نافرمانی رسول خدا صلی الله علیه و آله را نکنند» و چون تا آن روز رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مأمور به جنگ با کفار و مشرکین نشده بود، از این رو در بیعت با آنها شرط جنگ نبود و تنها شروط اخلاقی و معنوی در پیمان قید شده بود و ضمانت اجرای آن نیز غالباً

مانند «شرطه الخمیس»^(۱) که ظرفیت‌های مردمی در دفاع از حکومت اسلامی و رفع برخی نیازهای امت اسلامی را به صورت بالفعل درآورده بود (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۲: ۱۵۲) و نقش شبکه‌ی وکالت و نمایندگی از جانب امامان معصوم به ویژه از دوره‌ی امام هادی (ع) در سرزمین‌های اسلامی (جباری، ۱۳۸۰: ۱۶۱) مشاهده نمود.

۳- مبانی عقلی کار تشکیلاتی

برخی از فقها فارغ از استدلال‌های قرآنی و استدلال‌هایی که بر مبنای سیره و سنت معصومین بیان شد؛ با استناد به دلایل عقلی به لزوم وجود تشکیلات در حکومت اسلامی اشاره نموده‌اند. صاحب دراسات در این زمینه بیان می‌دارد: «امر به معروف و نهی از منکر علاوه بر وجوب فردی و مقطعی در موارد جزئی، نسبت به ساختار دینی و اخلاقی جامعه نیز واجب مؤکد است؛ و این امر میسر نیست مگر با تشکّل و تحزّب افراد مؤمن و آگاه و صالح و همبستگی آنان و تهیه مقدمات و وسایل لازمه، هماهنگ با شرایط زمان و مکان؛ و به حکم عقل تحصیل مقدمه واجب، واجب است؛ خواه مسئولین بالای حکومت صالح باشند یا ناصالح، اگر صالح باشند احزاب متدین و قوی و علاقه‌مند نیروی فعال و مردمی آنان خواهند بود، و اگر غیر صالح باشند احزاب در مقابل انحرافات و تعدّیات آنان می‌ایستند؛ و حتی اگر در رأس حکومت مانند پیامبر خدا (ص) یا امیر المؤمنین (ع) باشد باز همه جامعه و مسئولین، صالح نمی‌باشند و طبعاً نیاز به نیروی متشکل متدین فعال وجود دارد. در صدر اسلام نیز تا اندازه‌ای تشکّل‌ها و همبستگی عشیره‌ای و قبیله‌ای عرب‌ها یک نحو تحزّب محسوب می‌شد؛ و اگر افراد خوب و صالح متشکل نشوند طبعاً صحنه اجتماع برای تسلط نیروهای ناصالح و فاسد خالی می‌شود و جامعه به فساد کشیده می‌شود. امیر المؤمنین (ع) در وصیت خود می‌فرماید: «لا تتركوا الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر فیوکی علیکم

→

اخروی بود؛ آنچنانکه فرمود: و اگر وفا نکردید چنانچه حدّ آن عمل در دنیا بر شما جاری شد همان حدّ کفاره آن گناه باشد و چنانچه مکتوم ماند و تا پایان عمر معلوم نشد سر و کارتان با خدا است که عذاب کند یا بیامرزد (ابن هشام، ۱۳۷۵: ۲۸۱)

۱. شرطه الخمیس نخستین بار در زمان امام علی (ع)، مطرح شده و مراد از آن گروهی خاص از یاران امام علی (ع) بوده است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۵: ۱۷۶) تا جاییکه در بعضی از منابع، سلمان و ابوذر هم از اعضای «شرطه الخمیس» شمرده شده‌اند

شرارکم ثمّ تدعون فلا يستجاب لكم.» و در خطبه ۲۵ در اشاره به نیروهای معاویه - می‌فرماید: «و إني و الله لأظنّ أنّ هؤلاء القوم سيدلون منكم باجتماعهم علی باطلهم و تفرّقكم عن حقّكم.» حضرت می‌خواهند بفرمایند: در حقیقت علت و ملاک تسلط و قدرت، اجتماع و همبستگی است؛ پس اگر اهل حق بخواهند حق را در جامعه پیاده کنند باید تجمع کنند، وگرنه پیروزی و دولت از آن باطل خواهد بود. و چون امر به معروف و نهی از منکر واجب کفایی می‌باشد نه عینی، همین که افراد متخصص عاقل متدین و پرکار به اندازه کفایت و نیاز اقدام کردند طبعاً از عهده دیگران ساقط می‌شود، و آنان متصدی کارهای دیگر می‌شوند.» به بیان دقیق‌تر «از آنجا که مصادیق امر به معروف و نهی از منکر بسیار وسیع است قطعاً بالوجدان می‌یابیم که بعضی از مصادیق آن احتیاج به کار گروهی و تشکیلات دارد مانند نظارت بر کارگزاران حکومتی و... لذا ایجاد آن از باب مقدمه واجب - مقدمه‌ای که عقلی است و وجوب عقلی دارد - واجب می‌شود.» (پورمولا، ۱۳۸۳: ۱۱۶)

مبتنی بر آنچه بیان‌گردید ایجاد تشکیلات دارای مبانی شرعی در اندیشه‌ی اسلامی می‌باشد و آیات قرآن، سیره‌ی ائمه‌ی معصومین و همچنین ادله‌ی عقلی به جایگاه تشکیلات در حکومت اسلامی اشاره می‌نماید. با توجه به این مبانی اکنون می‌توان به بررسی حکم فقهی ایجاد تشکیلات در اندیشه‌ی اسلامی پرداخت. در این خصوص باید بیان نمود از آنجا که آرمان‌های ایجاد تشکل در حکومت‌های مختلف متفاوت است و تشکل‌ها برای رسیدن به اهداف مختلفی اقدام به کار تشکیلاتی می‌نمایند، فلذا متناسب با این اهداف، تشکل‌ها در طیف متفاوتی از مجوزهای شرعی قرار می‌گیرد. گاهی هدف از تشکیل یک تشکل قدرت‌طلبی، سلطه‌گری و ایجاد حکومت طاغوت است که هرگونه اقدام در این زمینه مطلوب نظر شارع مقدس نیست و کمک به آن از باب اعانه به ظلم حرام می‌باشد و در نتیجه تشکیل حزب به این جهت حرام شرعی است. برای نمونه امام خمینی (ره) بر اساس همین اصل عضویت در حزب رستاخیز را حرام اعلام نمودند و مخالفت با آن را از باب امر به معروف و نهی از منکر واجب شرعی دانستند و در فتوایی صریح می‌فرمایند «نظر به مخالفت این حزب با اسلام و مصالح ملت مسلمان ایران، شرکت در آن بر عموم ملت حرام و کمک به ظلم و استیصال مسلمین است؛ و مخالفت با آن از روشن‌ترین موارد نهی از منکر است...» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۷۱) در

مقابل گاهی هدف از تشکیل یک تشکل مطلوب شارع بوده که در این موارد مجوز شرعی برای آن وجود دارد. بنابر این اگر هدف از شکل‌گیری تشکل‌های سیاسی در جامعه اسلامی تحقق و ترویج فضایل اخلاقی، اجرایی نمودن امر به معروف و نهی از منکر و نشر فرهنگ جهاد و مبارزه در راه حق و ارائه راه حل در زمینه حل معضلات اساسی نظام باشد نه تنها مورد تحسین شارع مقدس قرار می‌گیرد بلکه حتی در برخی موارد تشکیل حزب با اهداف ذکر شده بر امت اسلامی واجب می‌گردد. نمونه مستدل قرآنی امر به ایجاد تشکلات اسلامی آیه ۱۰۴ سوره آل عمران است که همان‌گونه که بیان گردید امر آیه ناظر به ایجاد گروه‌هایی در جهت دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد. (کعبی، ۱۳۸۷، ۱۲۹)

ب - دیدگاه اندیشمندان اسلامی در خصوص تحزب در اسلام

تا کنون در خصوص مبانی فقهی و حکم تکلیفی ایجاد تشکل در آموزه‌های اسلامی بحث شد اما فقها با نگاه به تشکیل احزاب سیاسی و جایگاه آن در اندیشه‌ی اسلامی نظرات متفاوتی را در این خصوص بیان نموده‌اند. با نگاهی کلی به مجموعه‌ی نظریات فقهی مطرح پیرامون احزاب و تشکّل‌ها در حکومت اسلامی می‌توان چهار نظریه‌ی را احصاء نمود.

بر اساس نظریه‌ی اول ایجاد احزاب و تشکّل‌ها در حکومت اسلامی مغایر با آموزه‌های شریعت اسلام می‌باشد. قائلین به این نظریه‌ی که بیشتر به فقهای اهل سنت منتسب می‌باشد با ذکر دلایلی مانند رواج تفرقه و تباهی در میان امت اسلامی از طریق تشکّل‌ها و احزاب متعدد، تعارض میان جانبداری‌های حزبی با آموزه‌های اسلامی و آزادی عقاید فردی، فقدان سابقه تحزب در صدر اسلام و عدم توجه به آن در مبانی کلامی و فقهی و خاستگاه انسان‌گرایانه و غیر دینی احزاب و تشکّل‌ها به عنوان پدیده‌ای منتسب به نظام‌های غیر دینی تشکیل تشکّل‌ها و احزاب متعدد را مغایر با اصول شرعی می‌پندارند. (مطبعه‌چی، ۱۳۷۸، ۳۲۲ - ابوفارس، ۱۹۹۴، ۴۰-۴۲)

دسته‌ی دوم تشکّل‌ها و احزاب معاصر را مترادف با مفهوم قرآنی آن می‌دانند و معتقدند مجموعه‌ی تشکیلاتی که در صدر اسلام به وسیله‌ی مسلمانان ایجاد گردید،

مویدی برای آزادی فعالیت تشکّل‌ها محسوب می‌شود^(۱) (علایی، ۱۳۷۲، ج ۲، ۱۲۳) و بر این باورند که پیشوایان معصوم نه تنها کمترین مخالفتی با مجموعه‌ی کار تشکیلاتی نکرده‌اند بلکه خود تقویت‌کننده و مروج فعالیت آن‌ها بوده‌اند. (شیرازی، ۱۴۰۳، ۳۷۵)

دسته‌ی سوم که گروهی از نواندیشان اسلامی می‌باشند معتقدند که تشکّل‌ها و احزاب معاصر مغایرتی با آموزه‌های شریعت اسلام ندارد. مبانی استدلالی این گروه بیش از هر چیز به ادله‌ی عقلی مانند کارکردهای مثبت احزاب و تفوق منافع آن بر مضراتش، ابزاری برای نظارت بر قدرت و افزایش مشارکت مردمی، عملکرد قابل توجه احزاب به عنوان سیره عقلا و مصلحت عقلی، اصل عدم تکلیف یا عدم ولایت، اصل خطاپذیری و عدم تصویب، ضرورت حزب، از باب مقدمه واجب باز می‌گردد. (مجتهد شبستری، ۱۳۷۸، ۱۳۲-۱۳۶- اخوان کاظمی، ۱۳۸۸، ۲۸-۳۵ و فیرحی، ۱۳۷۷، ۱۳۹-۱۴۳) از این گروه می‌توان به عنوان موافقان بی‌قید و شرط آزادی تشکّل‌ها و احزاب نام برد.^(۲)

۱. «کلمه حزب واژه غربی وارداتی نیست، بلکه کلمه اسلامی و قرآنی است: «فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ»، «أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» و چه قدر هماهنگ است این آیه با آیه ۱۰۴ سوره آل عمران: «وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ». حزب الله واقعی و قوی تحقق می‌یابد که افرادی با فکر و ایده صحیح و برنامه جامع مناسب با شرایط زمان و مکان و مطابق با دین و عقل و منطق هماهنگ شوند و به تدریج رشد پیدا کنند، نه این که با تحریکاتی غیر معقول و در جهت اهداف جناحی و سیاسی متشکل و یا خلق الساعه جمع شوند و به توهین و تخریب و شعارهای زننده بپردازند و سپس متفرق شوند.» (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۲، ۲۶۶-۲۶۸)

۲. برای نمونه یکی از موافقان تشکّل احزاب سیاسی با همان نگاه غربی در خصوص ضرورت تشکّل حزب از باب خطاپذیری و عدم تصویب می‌نویسد: «همه مسلمانان به خطاپذیری در احکام عقلی اتفاق دارند، لیکن اختلاف در احکام شرعی است. شیعیان به خطاپذیری در احکام شرعی نیز عقیده دارند و چنین می‌اندیشند که خداوند در هر مسأله ای تنها یک حکم دارد که ممکن است مجتهد به آن حکم برسد یا نرسد. بر خلاف شیعیان، مخالفین آنها به تصویب معتقدند. به نظر اهل سنت، خداوند به تعداد آرای مجتهدین حکم شرعی دارد و هر آنچه که با اجتهاد حاصل شود، همان حکم خداوند بود. به نظر می‌رسد که علت اعتقاد شیعه به خطاپذیری در احکام شرعی، همان اتخاذ عقل عملی به عنوان یکی از منابع چهارگانه و قرار دادن عقل در مقدمات استنباط احکام اجتهادی است. چنین اندیشه‌ای، نتایج روش شناختی مهمی در زندگی سیاسی شیعیان دارد. شیعه همینکه عقل عملی را

گروه چهارم از مجموعه فقهای تشکیلی می‌گردد که بر این باورند تشکیل احزاب و تشکلهای در منابع شرعی مورد توصیه قرار گرفته است و حتی در مواردی متناسب با اهداف فعالیت مانند امر به معروف و نهی از منکر و جهاد، ایجاد تشکیلات از نظر شرعی واجب تلقی می‌گردد.

این در حالی است که فائلین به این نظریه بر خلاف موافقان بی قید و شرط آزادی تشکلهای بر این باورند که آزادی تشکلهای به ویژه احزاب مطابق با اندیشه‌ی غربی دارای نقاط ضعفی مانند قدرت طلبی، چرخش قدرت میان گروهی خاص و ارتباطات گسترده احزاب با کانونهای قدرت و ثروت می‌باشد که تحقق آن نتیجه‌ای جز تباهی حکومت‌ها را در پی نخواهد داشت. بر اساس این تفکر اصلی‌ترین هدف و وظیفه‌ی احزاب در حکومت اسلامی کارآمد سازی نظام محسوب می‌گردد. (کعبی، ۱۳۸۷، ۱۳۶-۱۴۶)

در مقام نقد و بررسی آراء و دیدگاه‌های گوناگون نسبت به تشکیل تشکلهای در اندیشه اسلامی و مبانی فقهی تحزب و کارجمعی مبتنی بر آراء و نظریات صاحب‌نظران حوزه‌ی اسلامی باید بیان نمود که اندیشمندان مسلمان در مقام رویکرد به احزاب و تشکلهای در طیف‌های گوناگونی قرار می‌گیرند.

دسته‌ی اول که با نگاهی انتقادی تشکیل احزاب را مغایر با اندیشه‌ی اسلامی می‌دانند، به نظر می‌رسد این دسته نسبت به ضرورت‌های عقلانی وجود حزب همانند نظارت بر حکومت در نظام‌های حکومتی امروزی غفلت نموده‌اند. علاوه بر این مطالعه‌ی آموزه‌های شریعت نیز خود در مواردی همانند تشکیلاتی به منظور

→

خطاپذیر دانسته و در عین حال در مقدمات احکام سیاست شرعی قرار می‌دهد، لاجرم به خطاپذیری ذاتی تصمیمات سیاسی توسط حاکمان مجتهد نیز حکم می‌کند. فقه سیاسی شیعه، برخلاف اهل سنت، هرگز به تصویب و اطاعت مطلق از حاکم مشروع توصیه نمی‌کند، بلکه با تکیه بر حسن و قبح عقلی افعال سیاسی که مصلحت و مفسده نوعی آنها با ملاک مطابقت با آرای عقلای جامعه شناخته می‌شود، به تصحیح آرای اجتهادی رهبران پرداخته و آنان را به تبعیت از رای جمیع عقلای جامعه ملزم می‌کند. حزب سیاسی سازوکار چنین فرایندی را فراهم می‌کند و از این حیث، وجود احزاب سیاسی می‌تواند چونان مقدمه‌ای برای تحقق بسیاری از واجبات اسلامی لازم و ضرور باشد.» (فیرحی، ۱۳۷۷، ۱۴۲)

تحقق دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر^(۱) به ضرورت کار تشکیلاتی اشاره می‌نماید. از همین رو مسلمانان مستند به ادله‌ای همانند وجوب تحقق مقدمه‌ی واجب، قاعده اتمام به امور مسلمین، شورا و مشورت و... مجاز به ایجاد تشکل می‌باشند. در این خصوص باید بیان نمود که هرچند واژه حزب یک لغت عربی است که در قرآن نیز به کار رفته، اما آنچه در جامعه امروز ما مصداق حزب تلقی می‌شود، ساختاری است که در غرب بدان «party» گفته می‌شود، لذا برای تعریف حزب الله و تعیین اهداف و کارکردهای آن نیازمند یک کار عمیق و اصیل اسلامی هستیم که در کنار استفاده از تجارب روز، به معایب احزاب غربی دچار نشود: البته تحزب باید بر اساس ایدئولوژی اسلامی و طرح‌های پخته و عاقلانه و با شرکت افراد علاقه‌مند و آگاه و دلسوز، و اهداف دینی و مردمی باشد؛ و باید به کیفیت افراد توجه کرد نه به کمیت، عضوگیری افراد زیاد کاری است پرهزینه و کم خاصیت» (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۲: ۲۶۷) به دلیل اجتناب از مشکلات نظام‌های حزبی غرب است که بعضی مانند آیت الله مصباح یزدی، به جای ایجاد حزب بر تقویت مساجد و هیات‌های مذهبی با تکیه بر انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر تاکید دارند. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۳: ۱۵۱-۱۵۶)

در طیف مقابل نیز گروهی بدون توجه به معایب کار حزبی به مفهوم آنچه در ادبیات حقوقی و سیاسی غربی رواج دارد همانند محور بودن قدرت در احزاب، تبعیت بی چون و چرا از عقاید حزبی و... حزب را دارای ریشه‌های دینی پنداشته‌اند که این امر نیز خود دارای معایبی است؛ چرا که هر چند نمونه‌هایی از فعالیت‌های تشکیلاتی در طول تاریخ اسلام ملاحظه می‌گردد^(۲)؛ اما مفهوم امروزی آزادی تشکل‌ها

۱. وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (و باید از شما گروهی باشند که (مردم را) به سوی کار خیر دعوت نمایند و به کار نیک امر کنند و از کار زشت بازدارند، و آنهایند که رستگارند) (سوره آل عمران: آیه ۴)

۲. برای نمونه می‌توان به پیمان حلف الفضول در زمان زندگی پیامبر اکرم به عنوان یکی از اقدام مشترک جمعی با هدف معین (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱: ۸۸) و پیمان شرطه الخمیس در دوره‌ی امیر المومنین (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۲: ۱۵۲) و شبکه‌ی کانون وکلا در عهد امام هادی و امام حسن عسگری اشاره نمود که با وجود داشتن خصوصیات از کار تشکیلاتی اما تشکل به مفهوم امروزی آن محسوب نمی‌گردید. مثلاً در خصوص شرطه الخمیس در تاریخ نقل شده است: «شرطه الخمیس» چند هزار

مطابق با آنچه در تعاریف مرسوم حقوقی بیان می‌شود پدیده‌ای نوین به حساب می‌آید و از نظر ماهیت با آنچه در صدر اسلام وجود داشته و در آموزه‌های قرآنی تحت عنوان حزب الله از آن یاد می‌گردد متفاوت است.

این در حالی است که با نگاهی به آموزه‌هایی شرعی و مفهوم مورد نظر از کار تشکیلاتی می‌توان آن را از مجموعه مستحدثات جامعه‌ی اسلامی به حساب آورد. بر این مبنا در صورتی که تشکّل‌ها موجب رشد، بالندگی و کارآمدی نظام اسلامی گردد می‌تواند به عنوان پدیده‌ای مطلوب به پیشرفت نظام اسلامی کمک نماید و در صورتی که محملی برای قدرت‌طلبی مذموم و تفرقه و جدایی میان گروه‌های مختلف امت اسلامی باشد؛ پدیده‌ای نامطلوب و غیر قابل پذیرش تلقی می‌گردد.

مقام معظم رهبری در مقام تبیین و تفکیک این گونه نگرش نسبت به آزادی تشکّل‌ها و تمایز آن‌ها از یکدیگر بیان می‌فرماید: «من در یک تقسیم‌بندی، حزب را به دو نوع تقسیم می‌کنم: یک حزب این است که مجموعه‌ای از صاحبان فکر سیاسی یا اعتقادی و یا ایمانی می‌نشینند و تشکلی درست می‌کنند و میان خودشان و آحاد مردم کانال‌کشی می‌کنند و مردمی را با خودشان همراه می‌کنند، تا فکر خود را به آن‌ها برسانند. کانون‌های حزبی تشکیل می‌شود، هسته‌های حزبی تشکیل می‌شود، سلول‌های حزبی تشکیل می‌شود و این‌ها در این مرکز می‌نشینند و افکاری را که خودشان به آن

→

نفر از افراد تحت فرمان حضرت علی(ع) بودند که با حضرت عهد بستند تا پای مرگ در رکابش باشند. در روایتی آمده که از اصبع بن نباته (فرمانده شرطه الخمیس و یار وفادار امام علی(ع) پرسیدند: چرا «شرطه الخمیس» نام گرفتید؟ گفت: ما کشتن دشمن را ضمانت می‌کردیم و آن حضرت پیروزی و بهشت را برای ما ضمانت می‌کرد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۲: ۱۸۱). از مجموع گزارش‌های تاریخی بر می‌آید که «شرطه الخمیس» دارای ویژگی‌های ذیل بوده است: ۱. همیشه مسلح، آماده و همراه امام بودند؛ ۲. در جنگ‌ها پیشرو سپاه بودند؛ ۳. همیشه گوش به فرمان و آماده بودند و در اجرای فرمان امام (ع)، چون و چرا و تعلل نمی‌کردند؛ ۴. با آن حضرت بر مرگ خود بیعت کرده بودند (یا پیروزی یا مرگ)؛ ۵. مردانی وارسته، فرهیخته و با تقوا بودند؛ ۶. از قبایل مختلف بودند؛ ۷. در غیر زمان جنگ نیز آماده و همراه امام بودند و مأموریت‌های مهم و ویژه‌ای (چون اجرای حدود) به عهده‌ی آنان بود. درباره تعداد «شرطه الخمیس» که در حقیقت فداییان حضرت بودند، آمارهای مختلفی ارائه شده است. اما در برخی نقل‌های مستند تعداد آنان را بین پنج تا شش هزار نفر ذکر کرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۲: ۱۵۲).

اعتقاد دارند و پای آن ایستاده‌اند - چه فکر سیاسی، چه فکر غیرسیاسی، چه فکر دینی، چه فکر غیردینی - در این کانال‌ها می‌ریزند و این افکار به تک‌تک افراد می‌رسد و آن مردمی که این‌ها را قبول می‌کنند، با این‌ها پیوند پیدا می‌کنند. به نظر من، این سبک تحزب، منطقی است. یک‌طور حزب هم هست که همان حزب‌های رایج امروز اروپا و امریکاست؛ مثل حزب جمهوری‌خواه، حزب دمکرات، حزب کارگر انگلیس، حزب محافظه‌کار انگلیس.^(۱) ایشان می‌فرمایند: «احزاب کنونی غربی به معنای باشگاه‌هایی برای کسب قدرت است؛ اصلاً حزب یعنی مجموعه‌ای برای کسب قدرت. یک گروهی با هم همراه می‌شوند، از سرمایه و پول و امکانات مالی خودشان بهره‌مند می‌شوند، یا از دیگران کسب می‌کنند، یا بند و بست‌های سیاسی می‌کنند، برای اینکه به قدرت برسند. یک گروه هم رقیب این‌هاست؛ کارهای مشابه این‌ها را انجام می‌دهد تا آن‌ها را از قدرت پایین بکشد، خودش بشود جایگزین. الان احزاب در دنیا غالباً اینگونه‌اند. ... من این‌چور حزبی را تأیید نمی‌کنم.»^(۲)

به نظر می‌رسد مبتنی بر اصل چهارم قانون اساسی و ابتنای تمامی قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران بر آموزه‌های شریعت اسلام، تشکل‌های مذکور در اصل بیست و ششم قانون اساسی را باید به نحوی تفسیر نمود که زمینه‌ساز تحقق حاکمیت شریعت در عرصه‌ی اجتماعی باشد.

بند دوم: مبانی حقوقی آزادی تشکل‌ها (۳)

از دیدگاه حقوقی نیز می‌توان به مجموعه مبانی و ادله‌ای اشاره نمود که موضوع آزادی تشکل‌ها به ویژه آزادی احزاب در نظام‌های گوناگون را به شکل یک ضرورت و بایسته به نمایش می‌گذارند. به طور کلی احزاب و تشکل‌های سیاسی محمل و

۱. بیانات مقام معظم رهبری در جلسه پرسش و پاسخ مدیران مسئول و سردبیران نشریات دانشجویی
۱۳۷۷/۱۲/۰۴

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان کرمانشاه ۱۳۹۰/۰۷/۲۴

۳. از آنجا که مبانی فقهی این اصل به ویژه در مورد احزاب در نظام حقوقی معاصر دارای چالش‌های جدی بوده و پرداختن به آن از ضروریات شرح مبسوط اصل ۲۶ محسوب می‌شد، لذا ناچار به همه‌ی مطالب مرتبط در این زمینه اشاره شد، اما مبانی حقوقی این اصل را باید بیشتر در مبانی اصل کار تشکیلاتی و مبانی آزادی‌های سیاسی در حقوق بشر معاصر مطالعه کرد که به علت پرداختن به این موضوع در مباحث متعددی در مقاله از دوباره‌گویی آن‌ها خودداری شد.

جایگاهی برای تحقق آزادی عقیده و آزادی بیان محسوب می‌گردد. به بیان دقیق‌تر همان‌گونه که افراد حق فردی آزادی عقیده، آزادی بیان، آزادی اطلاعات، آزادی رفت و آمد و ... را دارند؛ می‌توانند از حق بهره‌مندی از این آزادی‌ها به نحو جمعی نیز بهره‌مند گردند. به بیان دقیق‌تر در مقام بیان مبانی حقوقی آزادی تشکل‌ها باید بیان نمود که در واقع آزادی‌های معی همانند آزادی ایجاد جمعیت، حزب و انجمن، امتداد تحقق آزادی‌های فردی است و امکان ارتباط افراد با دیگران و اجتماع برای دفاع از مجموع حقوق و آزادی‌های فردی فراهم می‌آورد. (عباسی، ۱۳۹۰، ۱۲۵)

این در حالی است که با مطالعه‌ی مبانی حقوق ملت می‌توان به مجموعه‌ای از مبانی حقوقی اشاره نمود که بیانگر لزوم آزادی تشکل در یک حکومت می‌باشد. آزادی کسب و حفظ قدرت سیاسی از طریق کار تشکیلاتی، ایجاد ثبات در نظام‌های سیاسی، افزایش مشارکت عمومی، عقل‌گرایی جمعی، تحقق تکثرگرایی در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، تحقق حلقه واسط میان مردم و حکومت، جلوگیری از خشونت، جامعه‌پذیری مردم، ایجاد رقابت در فضای سیاسی جامعه و رقابتی نمودن عرصه انتخابات از جمله‌ی این ادله محسوب می‌گردد. (ذوالفقاری، ۱۳۹۱، ۵۴-۵۵ و وحیدیان، ۱۳۸۹، ۴-۱۴) برای نمونه اصلی‌ترین مبانی تشکیل یک حزب سیاسی، کسب و یا حفظ قدرت می‌باشد. به بیان دقیق‌تر در اندیشه‌ی حقوقی مهم‌ترین مبانی تشکیل احزاب و جزء ذاتی مفهوم مفهوم حزب به شمار می‌آید. احزاب سیاسی تمام تلاش خود را مصروف برنامه‌ریزی در جهت در اختیار گرفتن قدرت و یا حفظ وضع موجود می‌نمایند. (کعبی، ۱۳۸۷، ۱۳۴) این در حالی است که مبانی حقوقی تشکیل انجمن‌های صنفی در کنار حمایت از حقوق افراد هم صنف، جامعه‌پذیری آنان نسبت به ارزش‌های موجود در یک صنف و هم‌چنین ایجاد انسجام و هماهنگی میان آنان است.

گفتار سوم: آزادی تشکل‌ها در اسناد بین‌المللی و قوانین اساسی سایر کشورها

موضوع آزادی تشکل‌ها در اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، منشور حقوق بنیادین اتحادیه‌ی اروپا، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و منشور آفریقایی حقوق بشر تصریح گردیده است. (به نقل از عباسی، ۱۳۹۰، ۱۳۴ و ۱۳۵) برای نمونه ماده ۲۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می‌دارد: «۱- هر کس حق دارد آزادانه مجامع و جمعیت‌های مسالمت آمیز

تشکیل دهد. ۲- هیچ کس را نمی‌توان مجبور به شرکت در اجتماعی کرد.» ماده ۲۲ میثاق حقوق مدنی و سیاسی نیز ضمن تصریح به حق آزادی تشکّل‌ها بیان می‌دارد: «حق تشکیل مجامع مسالمت آمیز به رسمیت شناخته می‌شود. اعمال این حق تابع هیچ گونه محدودیتی نمی‌تواند باشد جز آنچه برطبق قانون مقرر شده و در یک جامعه دموکراتیک به مصلحت امنیت ملی یا امنیت عمومی یا نظم عمومی یا برای حمایت از مسالمت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های دیگران ضرورت داشته باشد.»

علاوه بر اسناد بین‌المللی، کشورهای متعددی از جمله فرانسه، آلمان، ایتالیا، اسپانیا^(۱)، افغانستان^(۲)، سوئیس^(۳)، کره جنوبی^(۴)، ژاپن^(۵) در قوانین اساسی خود، به اساسی سازی موضوع آزادی تشکّل‌ها به ویژه احزاب سیاسی پرداخته‌اند.

۱. ماده ۶: احزاب سیاسی مروج پلورالیسم سیاسی هستند. وظیفه آن‌ها انعکاس خواسته‌های مردمی بوده و ابزار اصلی مشارکت در تعیین سرنوشت سیاسی، محسوب می‌شوند. ایجاد و آغاز فعالیت احزاب با احترام به قانون اساسی و قوانین مربوطه آزاد است. تشکیلات داخلی و عملکرد احزاب بایستی دموکراتیک باشد.
- ماده ۲۲: ۱- ایجاد انجمن‌های مختلف آزاد است. ۲- انجمن‌های که اهداف آن‌ها جرم محسوب شود غیر قانونی هستند. ۳- انجمن‌های ایجاد شده بایستی به ثبت برسند. ۴- انحلال و جلوگیری از ادامه فعالیت انجمن‌ها تنها با حکم قضایی امکان پذیر است. ۵- ایجاد انجمن‌های زیرزمینی و شبه نظامی ممنوع می‌باشد.
۲. ماده ۴ سی و پنج: اتباع افغانستان حق دارند به منظور تأمین مقاصد مادی و یا معنوی، مطابق به احکام قانون، جمعیت‌ها تأسیس نمایند.
- اتباع افغانستان حق دارند، مطابق به احکام قانون، احزاب سیاسی تشکیل دهند، مشروط بر اینکه: مرامنامه و اساسنامه حزب، مناقض احکام دین مقدس اسلام و نصوص و ارزش‌های مندرج این قانون اساسی نباشد، تشکیلات و منابع مالی حزب علنی باشد، اهداف و تشکیلات نظامی و شبه نظامی نداشته باشد، وابسته به حزب سیاسی و یا دیگر منابع خارجی نباشد. تأسیس و فعالیت حزب بر مبنای قومیت، سمت، زبان، و مذهب فقهی جواز ندارد. جمعیت و حزبی که مطابق به احکام قانون تشکیل می‌شود، بدون موجبات قانونی و حکم محکمه با صلاحیت منحل نمی‌شود.
۳. ماده ۵ پنجاه و ششم: شهروندان از حق تشکیل انجمن برخوردارند، مشروط بر این که نه هدف انجمن و نه امکاناتی که انجمن به کار می‌گیرد به هیچ وجه غیرقانونی نباشد یا خطری را متوجه دولت ننماید. قوانین ایالت باید مقررات لازم را جهت جلوگیری از سوء استفاده از این حق وضع نماید.
۴. ماده ۲۱: ۱- تمام شهروندان از آزادی بیان و قلم و آزادی اجتماعات و تشکیل انجمن برخوردار هستند.
۵. ماده ۲۱: آزادی اجتماعات و انجمن‌ها و نیز آزادی بیان، مطبوعات و دیگر شیوه‌های ابراز عقیده تضمین گردیده است. هیچگونه سانسوری اعمال نمی‌شود و محرمانه بودن راه‌های برقراری ارتباط مصون از تعرض خواهد بود.

برای نمونه بر اساس ماده ۴ قانون اساسی فرانسه «تشکیل احزاب و گروه‌های سیاسی آزاد است و می‌توانند آزادانه به فعالیت بپردازند و در انجام اخذ رأی نقش موثری داشته باشند و نیز موظف‌اند به اصول حاکمیت ملی و دموکراسی احترام بگذارند.»

ماده‌ی ۲۱ قانون اساسی آلمان نیز در خصوص احزاب سیاسی بیان می‌نماید: «۱- احزاب سیاسی در تکوین اراده سیاسی مردم سهیم خواهند بود. این احزاب ممکن است آزادانه تأسیس شوند. سازمان داخلی آن‌ها باید منطبق با اصول دموکراتیک باشد و بایستی منابع درآمد خود را در معرض اطلاع عامه بگذارند. ۲- احزابی که به دلیل مرام یا رویه افراد پیوسته به خود در صدد لطمه زدن یا از بین بردن نظم اساسی دموکراتیک آزاد باشند یا هستی جمهوری فدرال آلمان را دچار خطر سازند منافی با قانون اساسی خواهند بود. دیوان قانون اساسی فدرال راجع به این وضع متباین با قانون اساسی تصمیم لازم اتخاذ خواهد کرد. ۳- جزئیات به وسیله قانون فدرال مقرر خواهد گردید.» این قانون در خصوص آزادی فعالیت انجمن‌ها و تشکلهای نیز بیان می‌دارد: «۱- همه افراد آلمانی حق تشکیل انجمن‌ها و مجامع را خواهند داشت. ۲- مجامعی که هدف یا فعالیت‌های آن منافی با قوانین جزایی باشد و یا بر خلاف ترتیبی که قانون اساسی مقرر داشته و یا مرام تفاهم بین ملل باشد ممنوع‌اند. ۳- حق تشکیل مجامع به منظور حمایت و بهبود شرایط کارگری و اقتصادی برای هر فرد و تمام حرفه‌ها و مشاغل شناخته شده است. موافقت‌نامه‌هایی که این حق را محدود و یا از اجرای آن جلوگیری کند از درجه اعتبار به کلی ساقط خواهد بود و مقرراتی که بر خلاف این مقصود تنظیم یابد غیر قانونی است.» (ماده‌ی ۹)

آزادی تشکیل انجمن‌ها در ماده‌ی ۱۸ قانون اساسی ایتالیا نیز تصریح گردیده است. این ماده مقرر می‌دارد: «کلیه اتباع کشور بدون کسب اجازه، آزادانه حق تشکیل انجمن‌هایی را که اهداف آن‌ها برای افراد ممنوعیت جزایی نداشته باشد، دارا می‌باشند. انجمن‌های سری و انجمن‌هایی که حتی به طور غیر مستقیم اهداف سیاسی را از طریق سازمان‌های نظامی تعقیب می‌کنند، ممنوع می‌باشند.» همین قانون در ماده‌ی ۴۹ خود به موضوع آزادی احزاب اشاره می‌نماید^(۱) و در ماده‌ی ۹۸ قضات، اعضای فعال و دایمی

۱. تمام شهروندان آزادانه حق دارند به منظور مشارکت در تعیین سیاست ملی به روش دموکراتیک در احزاب تشکیل یابند.

نیروهای مسلح و کارمندان و ماموران پلیس، نمایندگان سیاسی و کنسولی در خارج از کشور را از فعالیت حزبی ممنوع می‌نماید.^(۱)

از مطالعه‌ی قانون اساسی کشورهای گوناگون به دست می‌آید که بیشتر کشورهایی که به اساسی سازی موضوع آزادی تشکّل‌ها پرداخته‌اند، به علت اهمیت فعالیت احزاب سیاسی از یکسو و تفاوت جنس فعالیت آن‌ها که به دنبال قدرت سیاسی می‌باشند با سایر تشکّل‌ها، یکی از اصول قانون اساسی را به صورت مجزا و جدای از سایر تشکّل‌ها به این موضوع و حدود فعالیت آن اختصاص داده‌اند. به بیان دیگر قانون‌گذاران اساسی در سایر کشورها هنگامی که به دنبال اساسی‌سازی موضوعات مرتبط با آزادی تشکّل‌ها بوده‌اند، غالباً نگاه متفاوتی نسبت به اقسام گوناگون تشکّل‌ها داشتند. آن‌ها با توجه به نقش احزاب در ساختار قدرت سیاسی کشور و اهداف آن‌ها در کسب یا حفظ قدرت با نگاهی حساس نسبت به تعیین حدود قلمرو حزب سیاسی اقدام نموده‌اند و محدودیت‌های فعالیت و همچنین در برخی موارد محرومین از حضور در آن‌ها را در متن قانون اساسی بیان نموده‌اند. اما این حساسیت نسبت به سایر تشکّل‌ها مانند جمعیت‌ها و انجمن‌های صنفی وجود نداشته و از همین رو محدودیت‌های کمتری نیز برای آن‌ها ذکر شده است. این در حالی است که قانون‌گذار اساسی در نظام جمهوری اسلامی ایران، حکم آزادی فعالیت همه‌ی تشکّل‌ها را فارغ از محتوای آن‌ها در یک اصل بیان نموده که این موضوع خالی از اشکال به نظر نمی‌رسد.

گفتار چهارم: تحلیل و بررسی حقوقی اصل بیست و ششم قانون اساسی

مقصود از تحلیل و بررسی حقوقی آزادی تشکّل‌ها مبتنی بر اصل بیست و ششم در نظام حقوقی آن است که مفاهیم و موضوعات مرتبط با اصل بیست و ششم در قوانین، آراء و نظرات اساتید حقوقی و نظریات شورای نگهبان به عنوان نهاد پاسدار قانون اساسی مورد بررسی قرار گیرد. از همین رو در ادامه، مباحث حقوقی مربوط به اصل بیست و ششم همانند حصری و یا تمثیلی بودن تشکّل‌های مذکور در اصل،

۱. کارمندان دولت منحصرأ در خدمت ملت می‌باشند. چنانچه کارمندان عضو مجلسین باشند، فقط با احتساب سابقه و سنوات خدمات می‌توانند ترفیع مقام بگیرند. با تصویب قانون می‌توان ثبت نام به منظور فعالیت در احزاب سیاسی را برای قضات، اعضای فعال و دائمی نیروهای مسلح و کارمندان و ماموران پلیس، نمایندگان سیاسی و کنسولی در خارج از کشور، محدود نمود.

تحلیل محدودیت‌های تشکّل‌ها در نظام جمهوری اسلامی و ارتباط آن‌ها با یکدیگر، شرایط شکل‌گیری هر یک از تشکّل‌ها، بررسی نیاز و عدم نیاز به مجوز پیشینی برای تأسیس تشکّل مطالعه می‌گردد.

بند اول: حصری یا تمثیلی بودن تشکّل‌های مذکور در اصل بیست و ششم

یکی از موضوعات حقوقی پیرامون اصل بیست و ششم قانون اساسی موضوع حصری و یا تمثیلی بودن تشکّل‌های مذکور در اصل می‌باشد. به بیان دیگر آیا آزادی تشکّل‌ها در نظام جمهوری اسلامی ایران محدود به تشکیل احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی است و یا آن‌که قانون‌گذار اساسی در مقام احصاء همه‌ی تشکّل‌های موجود نبوده و تنها برای نمونه برخی از آن‌ها را ذکر کرده است؟ در این خصوص باید بیان نمود که تشکّل‌های انسانی از جهات گوناگون دارای تنوع و گستردگی فراوانی می‌باشند برای نمونه تشکّل‌های مردمی تنها از جهت اهداف و آرمان‌ها در شش دسته‌ی کلی تشکّل‌های فلسفی و سیاسی مانند احزاب و انجمن‌های سیاسی، تشکّل‌های اجتماعی و مذهبی مانند انجمن‌های خیریه، هیأت‌ها، تشکّل‌های علمی و فرهنگی مانند انجمن‌های شعر و ادب، تشکّل‌های صنفی مانند سندیکاهای تشکّل افرادی با داشتن مشترکات خاص و عناوین مشخص مانند تشکّل فارغ التحصیلان دانشگاه تهران و تشکّل افرادی با داشتن علایق و حساسیت‌های خاص جمعیت‌های حمایت از فضای سبز تقسیم می‌گردد (هاشمی، ۱۳۸۴، ۴۰۴ و ۴۰۵) که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تنها به ذکر تعدادی از آن‌ها پرداخته است. از همین رو این سؤال قابل طرح می‌باشد که آیا حکم آزادی تشکّل‌ها در اصل بیست و ششم قانون اساسی شامل همه‌ی تشکّل‌های انسانی با همه‌ی اقسام آن می‌گردد و یا تنها تشکّل‌های مذکور در اصل را شامل می‌شود.

در این زمینه دو دیدگاه قابل طرح می‌باشد که هر یک از دیدگاه‌ها دارای موبداتی است و مطالعه‌ی هر یک از آن‌ها در یافتن پاسخ مطلوب راهگشا به نظر می‌رسد.

بر اساس نظریه‌ی اول که مبتنی بر دو پایه‌ی نظری است، اصل بیست و ششم در مقام احصاء تشکّل‌هایی می‌باشد که فعالیت آن‌ها در نظام جمهوری اسلامی آزاد است چرا که اولاً، قانون اساسی در مقام بیان تشکّل‌هایی است که فعالیت آن در نظام جمهوری اسلامی آزاد می‌باشد و ثانیاً قانون‌گذار اساسی از عناوینی همانند از قبیل،

همانند و... که بیان‌گر تمثیلی بودن عبارات اصل می‌باشد؛ استفاده نکرده این در حالی است که سایر اصولی که به دنبال بیان تمثیلی بودن مصادیق ذیل اصل می‌باشد^(۱) از عباراتی همانند آنچه بیان گردید بهره‌برده است. در نتیجه اصل بیست و ششم مصادیق تشکّل‌هایی که فعالیت آن‌ها در نظام جمهوری اسلامی آزاد است را حصر نموده و بر این اساس سایر تشکّل‌ها حق فعالیت نخواهند داشت و شکل‌گیری آن‌ها خلاف قانون می‌باشد. (کامل نواب، ۱۳۹۲، ۶۳)

در مقابل بر اساس نظریه‌ی دوم قانون‌گذار اساسی تنها در مقام بیان حکم کلی آزادی تشکّل‌های سیاسی و اجتماعی بوده است و با ذکر مثال‌هایی از مهم‌ترین تشکّل‌ها تحت عناوین احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌ها، تنها از باب تمثیل، حکم آزادی فعالیت اجتماعی و سیاسی تشکّل‌ها را بیان نموده است. (هاشمی، ۱۳۸۴، ۴۰۵) در تبیین این عبارت باید بیان نمود که قانون‌گذار اساسی در اصل بیست و ششم در پی بیان نمونه‌هایی از تشکّل‌هایی بوده است که مشمول حکم اصل می‌گردند و نمی‌توان از مثال‌های ذکر شده برداشت حصر نمود. این نظر نیز بر پایه‌ی دو استدلال عمده استوار است. اولاً آن‌چه از متن پیش‌نویس قانون اساسی و مشروح مذاکرات اعضای مجلس بررسی نهایی قانون اساسی سال ۱۳۵۸، به عنوان مبنایی برای تفسیر قانون اساسی، بر می‌آید، قانون‌گذار اساسی به دنبال بیان حکم کلی آزادی تشکّل‌ها در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی بوده و در مقام شمارش و احصاء انواع تشکّل‌ها نیست چرا که در این صورت متن پیش‌نویس گروه سوم که همه‌ی تشکّل‌های سیاسی،

۱. برای نمونه می‌توان به اصول نوزدهم (مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود.)، چهل و پنجم (انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات یا رهاشده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نیزارها، بیشه‌های طبیعی، مراعاتی که حریم نیست، ارث بدون وارث و اموال مجهول‌المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شود، در اختیار حکومت اسلامی است تا برطبق مصالح عامه نسبت به آن‌ها عمل نماید، تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می‌کند.) و اصل یکصد و چهارم (به منظور تأمین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامه‌ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور در واحدهای تولیدی، صنعتی و کشاورزی، شوراهایی مرکب از نمایندگان کارگران و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران و در واحدهای آموزشی، اداری، خدماتی و مانند این‌ها شوراهایی مرکب از نمایندگان اعضای این واحدها تشکیل می‌شود. چگونگی تشکیل این شوراهای و حدود وظایف و اختیارات آن‌ها را قانون معین می‌کند.) اشاره نمود.

فرهنگی و اجتماعی را برشمرده و شرایط تأسیس آن‌ها را نیز ذکر نموده بود^(۱) قابل دفاع‌تر به نظر می‌رسید.

ثانیاً «قانون فعالیت احزاب و جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده» که قانون‌گذار عادی آن را در مقام اجرایی نمودن اصل بیست و ششم قانون اساسی تصویب نموده، از تشکلهایی نام برده که در اصل بیست و ششم از آن‌ها نامی به میان نیامده است. برای نمونه ماده‌ی یک این قانون در مقام بیان تعاریف از سازمان‌های سیاسی به عنوان تشکلی نام می‌برد که فعالیت آن در نظام جمهوری اسلامی ایران آزاد می‌باشد،^(۲) با وجود آن‌که این تشکل جزء تشکلهای مذکور در اصل بیست و ششم نیست. تصویب این ماده و عدم ایراد شورای نگهبان به عبارت «سازمان سیاسی» (مرکز تحقیقات شورای نگهبان، ۱۳۹۰، ۷۸-۸۰) اماره‌ای بر آن است که نهاد پاسدار قانون اساسی نیز از اصل برداشت حصر نداشته است. لازم به ذکر است که علاوه بر قانون مذکور نهاد پاسدار قانون اساسی، قانونیت بخشی به سایر تشکلهای همانند سندیکاها، سازمان‌ها و اتحادیه‌های تولیدی و خدماتی را مغایر با اصل بیست و ششم قانون اساسی ندانسته است.^(۳) از سوی دیگر

۱. اصل سی‌ام پیش‌نویس مصوب گروه سوم مقرر نموده بود: «تشکیل احزاب، جمعیت‌ها، کانون‌ها، سازمان‌ها، اتحادیه‌ها، سندیکاها و انجمن‌های گوناگون، ادیان رسمی، سیاسی، صنفی، فرهنگی، ادبی، هنری با اساس نامه و مرام‌نامه مصوب و اعلام شده آزاد است مشروط بر این‌که در محتوای مرام‌نامه و در عمل اصل استقلال، آزادی حاکمیت نظام جمهوری اسلامی، وحدت ملی و تمامیت ارضی را نقض نکرده و علیه آن اقدام نمایند و نیز مسلح و یا وابسته به بیگانه نباشند.» (مشروح مذاکرات قانون اساسی، ۱۳۶۴، ۶۶۵)

۲. ماده ۱ - حزب، جمعیت، انجمن، سازمان سیاسی و امثال آن‌ها تشکیلاتی است که دارای مرام‌نامه و اساسنامه بوده و توسط یک گروه اشخاص حقیقی معتقد به آرمان‌ها و مشی سیاسی معین تأسیس شده و اهداف، برنامه‌ها و رفتار آن به صورتی به اصول اداره کشور و خط مشی کلی نظام جمهوری اسلامی ایران مربوط باشد.

۳. برای نمونه می‌توان به قوانین زیر اشاره نمود:

۱- قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آن‌ها در امر صادرات و اصلاح ماده (۱۰۴) قانون مالیات‌های مستقیم: ماده ۳- دستگاه‌های موضوع ماده (۲) این قانون موظف‌اند در صورت نیاز به تولیدات غیرداخلی، فهرست کالاها، تجهیزات، لوازم و فرآورده‌ها را به طور رسمی به وزارت صنعت، معدن و تجارت اعلام نمایند تا در صورت صرفه و صلاح برای تولید آن‌ها برنامه ریزی شود. وزارت صنعت، معدن و تجارت موظف است با همکاری سازمان‌ها،

قانون‌گذار عادی تشکّل‌های مذکور در اصل را محدود به تعاریف مرسوم در ادبیات حقوقی نمی‌داند و بیش از هر چیز بر اهداف و ساختارهای شکلی تشکّل‌ها تاکید می‌نماید. برای نمونه ماده‌ی یک قانون فعالیت احزاب، حزب، جمعیت، انجمن و سازمان سیاسی و امثال آن‌ها را تشکیلاتی دارای مرامنامه و اساس‌نامه می‌داند که توسط یک گروه اشخاص حقیقی معتقد به آرمان‌ها و مشی سیاسی معین تأسیس شده و اهداف، برنامه‌ها و رفتار آن به صورتی به اصول اداره کشور و خط مشی کلی نظام جمهوری اسلامی ایران مربوط باشد. تعریف مذکور بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های هریک از تشکّل‌های فوق در ادبیات حقوق عمومی و علوم سیاسی آن‌ها را دارای معنا و حکمی واحد می‌نماید (کامل نواب، ۱۳۹۲، ۶۳)؛ که این خود مویدی بر بیان حکم کلی آزادی تشکّل‌ها و عدم تفکیک نظری هر یک از آن‌ها از یکدیگر است.

در مقام نتیجه‌گیری و جمع‌بندی این موضوع می‌توان بیان نمود که بر اساس اصل بیست و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران شناسایی آزادی برای مجموعه‌ای از افراد که به منظور اجتماع در یک مجمع و یا ایجاد تشکلی جهت کسب آگاهی، اطلاعات و مساعی به صورت دائمی و با اهداف تعیین شده محدود به موارد مذکور در

→

انجمن‌ها، اتحادیه (سندیکاهای) تولیدی و خدماتی مرتبط، هر شش ماه یک بار فهرست کالاها، تجهیزات، لوازم و فرآورده‌های ساخت داخل و ظرفیت تولیدی آن‌ها را استخراج کند و به طور رسمی در دسترس دستگاه‌های ذی نفع موضوع ماده (۲) این قانون و عموم مردم قرار دهد.

۲- قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث: ماده ۱۷- در حوادث رانندگی منجر به خسارت مالی، پرداخت خسارت به صورت نقدی و با توافق زیان دیده و شرکت بیمه مربوط صورت می‌گیرد. در صورت عدم توافق طرفین در خصوص میزان خسارت قابل پرداخت، شرکت بیمه موظف است وسیله نقلیه خسارت دیده را در تعمیرگاه مجاز و یا تعمیرگاهی که مورد قبول زیان دیده باشد تعمیر نموده و هزینه‌های تعمیر را تا سقف تعهدات مالی مندرج در بیمه نامه مذکور پرداخت نماید. تبصره- در صورتی که اختلاف از طرق مذکور حل و فصل نشود موضوع بدون رعایت تشریفات آئین دادرسی در کمیسیون حل اختلاف تخصصی مرکب از یک نفر قاضی با معرفی رئیس دادگستری محل، یک نفر کارشناس بیمه با معرفی اتحادیه (سندیکای) بیمه گران ایران و تأیید بیمه مرکزی ایران و یک نفر کارشناس رسیدگی به تصادفات با معرفی پلیس راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و رأی این کمیسیون قطعی و ظرف بیست (۲۰) روز قابل اعتراض در دادگاه‌های عمومی است. ضوابط مربوط به نحوه تشکیل این کمیسیون‌ها توسط وزارت دادگستری و با همکاری بیمه مرکزی ایران و نیروی انتظامی تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه خواهد رسید.

اصل بیست و ششم نیست. به بیان دقیق‌تر این اصل در مقام بیان اقسام تشکل‌ها نبوده و تنها حکم کلی موضوع آزادی تشکل‌ها در نظام جمهوری اسلامی را بیان نموده است. از همین رو هر تشکلی که خصوصیات شکلی مد نظر قانون‌گذار عادی را محقق نماید و محدودیت‌های ناشی از آزادی تشکل‌ها را رعایت کند مجاز به فعالیت می‌باشد.

از مجموعه مباحث فوق در خصوص متن اصل بیست و ششم قانون اساسی می‌توان به دو نتیجه‌ی کلی دست یافت: اول آن‌که، قانون‌گذار اساسی باید همچون سایر اصولی که در مقام بیان تمثیلی بودن مفاد آن است، از واژگانی مانند از قبیل و همانند استفاده می‌نمود تا از این طریق از برداشت‌های متعدد از مفاد اصول قانون اساسی جلوگیری نماید. دوم آن‌که قانون‌گذار عادی در مقام تبیین اصطلاحات مذکور در اصل ۲۶، باید همه‌ی آن‌ها را به دقت تعریف نماید.

بند دوم: شرایط تشکیل تشکل‌ها

تا کنون روشن گردید که مبتنی بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هر تشکلی که مطابق شرایط قانونی تأسیس گردد و با در نظر گرفتن محدودیت‌های فعالیت تشکل‌ها، به فعالیت خود ادامه دهد قانونی تلقی می‌گردد. در ادامه باید دید شرایط تشکیل تشکل‌ها در نظام جمهوری اسلامی ایران چیست و حدود هر یک از محدودیت‌های تعیین شده تا کجاست. از همین رو این بند به بررسی شرایط قانونی تشکیل تشکل‌ها خواهد پرداخت و بند بعد محدودیت‌های آزادی فعالیت تشکل‌ها بر اساس اصل بیست و ششم قانون اساسی را مطالعه می‌نماید. لازم به ذکر است که شرایط فوق بیش از هر چیز ناظر به مقرراتی است که قانون‌گذار عادی در راستای اجرایی نمودن اصل بیست و ششم قانون اساسی وضع نموده است و از همین رو مطالعه‌ی اصل بیست و ششم و نقد و تحلیل آن بدون مراجعه به منابع قانونی مربوط دشوار به نظر می‌رسد، چرا که همان‌گونه که پیش از این نیز بحث گردید، اصل بیست و ششم تنها در مقام بیان حکم کلی آزادی تشکل‌ها بوده و فهم شرایط و خصوصیات آن‌ها را به قانون عادی واگذار کرده است.

الف - شرایط ماهوی تشکل‌ها

مقصود از شرایط ماهوی تشکیل تشکل‌ها آن است که مجموعه‌ی افراد برای آن‌که از دیدگاه قانونی حق فعالیت ذیل عنوان یک تشکل را دارا باشند، باید مجموعه ویژگی‌ها و خصوصیتی که قانون‌گذار از منظر تشریفات ماهوی تأسیس برای آن‌ها در نظر گرفته

است را محقق نمایند. در این خصوص می‌توان بیان نمود که پیش از این و در مقام تعریف واژگان کلیدی اصل بیست و ششم از مفاهیم تشکلهایی سخن به میان آمد که نام آن‌ها در این اصل ذکر گردید و اشاره به محتوای هر یک از اصطلاحات مذکور در این اصل داشت. این در حالی است که بررسی و مطالعه‌ی حقوقی موضوعات، به ویژه نظام قانونی جمهوری اسلامی ایران، بیان‌گر آن است که آزادی تشکلهایی همانند احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی و اقلیت‌های دینی شناخته شده و ...، علاوه برداشتن خصوصیات ذکر شده نیازمند تحقق برخی از خصوصیات ماهوی که قانون‌گذار وجود آن را لازم می‌داند نیز می‌باشد. در تبیین این موضوع می‌توان بیان نمود همین که شاخصه‌های لازم برای تحقق یک تشکل ایجاد گردد موجب رسمیت و امکان قانونی فعالیت آن نمی‌شود. برای نمونه قانون فعالیت احزاب سه شرط لازم دیگر یعنی داشتن مرامنامه و اساسنامه و تأسیس به وسیله‌ی افراد حقیقی معتقد به آن و ارتباط برنامه‌ها، اهداف و رفتار آن‌ها با خط مشی کلی نظام جمهوری اسلامی ایران را به عنوان شرط تکمیل‌کننده‌ی مفهوم تشکلهای همانند حزب، جمعیت، انجمن، سازمان سیاسی و امثال آن‌ها ذکر می‌نماید^(۱). مقصود از اساسنامه یا مرامنامه نیز نوشته‌ای است که بیانگر مقررات و یا طرز کار یک گروه می‌باشد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ج ۱، ۲۲۵) به بیان دیگر اساسنامه یا مرامنامه مقررات و قراردادی است که برای بیان نحوه‌ی عملکرد یک جمعیت در حقوق عمومی و در حقوق خصوصی مقرر و معین می‌شود. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷، ۳۳)

علاوه بر نوشته‌ای که حاوی قواعد، مقررات و طرز کار یک تشکل می‌باشد، اعضای تشکلهای مذکور در ماده‌ی یک قانون فعالیت احزاب، باید خود را به آنچه در متن مکتوب گردیده است، ملزم نمایند^(۲)؛ مضاف بر این که مجموعه اهداف و برنامه‌هایی که

۱. ماده ۱ - حزب، جمعیت، انجمن، سازمان سیاسی و امثال آن‌ها تشکیلاتی است که دارای مرامنامه و اساسنامه بوده و توسط یک گروه اشخاص حقیقی معتقد به آرمان‌ها و مشی سیاسی معین تأسیس شده و اهداف، برنامه‌ها و رفتار آن به صورتی به اصول اداره کشور و خط مشی کلی نظام جمهوری اسلامی ایران مربوط باشد.

۲. آیین‌نامه‌ی اجرایی قانون فعالیت احزاب برای اساسنامه و مرامنامه شرایط ویژه‌ای را مقرر نموده است بر این اساس تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۳ این آیین‌نامه مقرر می‌دارد:
مرامنامه گروه باید مبین این نکات باشد:

تشکل به منظور تحقق آن‌ها تشکیل گردیده نیز باید با خط مشی‌ها و اهداف کلی نظام اسلامی هماهنگی و همخوانی داشته باشد. قانون فعالیت احزاب در خصوص اهداف و حدود فعالیت سایر تشکلهای نیز شرایط ویژه‌ای را طرح می‌نماید که به نظر آن‌ها نیز به عنوان شرایط ماهوی تشکلهای قابل مطالعه و بررسی است. برای نمونه ماده‌ی ۲ قانون فعالیت احزاب، انجمن، جمعیت و اتحادیه‌ی صنفی به وسیله دارندگان کسب یا پیشه یا حرفه و تجارت معین تشکیل می‌شود و اهداف صنفی را دنبال می‌نمایند.^(۱)

علاوه بر این شورای نگهبان نیز شرط حق آزادی تشکلهای و فعالیت‌های گروهی و جمعی را تشکیل آن‌ها به وسیله‌ی افراد حقیقی می‌داند و بر این باور است که چون اصل بیست و ششم در فصل حقوق ملت واقع گردیده و قانون اساسی در مقام بیان شکل‌گیری تشکلهای به وسیله‌ی افراد حقیقی می‌باشد، تشکیل انجمن‌ها، جمعیت‌ها و ... از طریق سلسله مراتب و به صورت صعودی مغایر با قانون اساسی می‌باشد.^(۲) (موسی زاده و دیگران، بی تا، ۸۰)

→

الف - آرمان‌ها. نوع بیش نسبت به ادیان رسمی، مسائل فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، نظامی، اداری، قضائی و نظام قانونگذاری.

ب - هدف از تشکیل گروه

ج - خط‌مشی که برای رسیدن به هدف انتخاب می‌شود.

تبصره ۳ - اساسنامه باید حاوی این نکات باشد.

الف - نوع تشکیلات

ب - ارکان تشکیلات و تعریف و شرح وظایف و نحوه فعالیت و حدود اختیارات و مسئولیت هر رکن.

ج - نحوه تصویب مرامنامه و اساسنامه و تغییر یا تجدید نظر در آن‌ها.

د - نحوه تصویب آیین‌نامه‌های اجرایی و دستورالعمل‌ها.

ه - نحوه تعیین هیأت رهبری و مسئولین اجرایی.

و - منابع مالی

ز - شرایط عضویت

ح - نحوه انحلال

۱. ماده ۲ - انجمن، جمعیت، اتحادیه صنفی و امثال آن تشکیلاتی است که به وسیله دارندگان کسب یا پیشه یا حرفه و تجارت معین تشکیل شده، اهداف، برنامه‌ها و رفتار آن به گونه‌ای در جهت منافع خاص مربوط به آن صنف باشد.

۲. نظریه شماره ۹۸۵۵ مورخ ۱۳۶۶/۹/۱۹ شورای نگهبان در خصوص لایحه کار مصوب هجدهم تیرماه ۱۳۶۰ مجلس شورای اسلامی:

←

در خصوص استناد شورای نگهبان به ممنوعیت فعالیت‌های جمعی جمعیت‌ها و انجمن‌ها و تشکیل تشکل‌ها به وسیلهی آن‌ها مستند به اصل بیست و ششم قانون اساسی، باید بیان نمود که هرچند فصل حقوق ملت در مقام بیان حقوق افراد و اشخاص حقیقی بوده و منصرف از اشخاص حقوقی است اما برداشت حصر از قلمرو افراد مجاز به تشکیل تشکل‌ها و منحصر نمودن آن به اشخاص حقیقی و ممانعت از ورود قانون‌گذار عادی به این عرصه جای تأمل جدی دارد، چرا که در صورت چنین تصویری از فصل حقوق ملت احکام، سایر اصول این فصل همانند مصونیت حیثیت، مال، حقوق و ... از تعرض نیز نباید به اشخاص حقوقی تسری یابد، در حالی که بطلان این ادعا بدیهی به نظر می‌رسد.

ب - شرایط شکلی تشکل‌ها

علاوه بر شرایط ماهوی، قانون‌گذار عادی برای شکل‌گیری و فعالیت تشکل‌ها طی مراحلی را ضروری بر می‌شمرد که از آن‌ها تحت شرایط شکلی تشکیل تشکل‌ها یاد می‌گردد. در تبیین این عبارت باید بیان نمود که به عرصه‌ی وجود حقوقی رسیدن هر تشکل علاوه بر خصوصیات ماهوی همانند داشتن مرانامه و اساسنامه و تشکیل شدن به وسیله‌ی افراد حقیقی نیازمند احراز آن شرایط است که قانون‌گذار حیات تشکل را منوط به آن می‌داند و در صورت عدم تحقق آن‌ها نظام حقوقی تشکل را به رسمیت نخواهد شناخت. (هاشمی، ۱۳۸۴، ۴۱۰) بر اساس قانون فعالیت احزاب و آیین‌نامه‌ی اجرایی آن، می‌توان مجموعه خصوصیات شکلی مورد نیاز برای شکل‌گیری یک تشکل را در دو دسته‌ی خصوصیات و ویژگی‌های ایجابی و خصوصیات و ویژگی‌های سلبی مورد مطالعه قرار داد.

مقصود از ویژگی‌های ایجابی آن دسته از خصوصیات است که قانون‌گذار تحقق آن را برای به منصفی ظهور رسیدن تشکل ضروری می‌داند. بر اساس قانون فعالیت احزاب



در تبصره ۱ ماده ۱۳۱ و تبصره ۱ ماده ۱۳۲ نظر به اینکه آنچه از اصل ۲۶ قانون اساسی استفاده می‌شود آزادی فعالیت‌های گروهی و جمعی به صورت تشکل افراد است و شامل فعالیت‌های جمعی جمعیت‌ها و انجمن‌ها نمی‌شود و چون این اصل مربوط به حقوق مردم است و اکتفاء قانون اساسی، به اینکه در مقام بیان بوده است، به این مقدار ظاهر در حصر است. بنابراین تشکیل انجمن‌ها و هیأت‌ها از طریق سلسله مراتب به طور صعودی مغایر با قانون اساسی است.

شرط اساسی برای شکل‌گیری قانونی یک تشکل اعلام موجودیت آن به نهادهای ذی‌ربط می‌باشد. در این خصوص ماده‌ی ۹ و ۱۰ قانون فعالیت احزاب مقرر می‌دارد که تشکل‌ها جهت اعلام موجودیت باید اساس‌نامه‌ای را که منطبق با شرایط قانونی به نگارش درآمده، جهت بررسی و صدور مجوز فعالیت به کمیسیون مربوطه تحویل نمایند^(۱). همچنین آیین‌نامه اجرایی این قانون نیز شروطی همانند تابعیت ایرانی، حداقل ۲۵ سال سن و حداقل متشکل از سه نفر را از جمله شرایط تأسیس کنندگان بر می‌شمرد.^(۲)

علاوه‌ی بر این قانون‌گذار عادی از مجموعه شرایط سلبی نیز سخن به میان می‌آورد که متصف شدن به آن‌ها را موجب محرومیت از حق بهرمندی از آزادی تشکل‌ها می‌داند. در این زمینه می‌توان به ویژگی‌هایی همانند سوء پیشینه‌ی سیاسی و کیفری، محرومیت اجتماعی اشاره کرد. همچنین کلیه اعضای ساواک منحل و فراماسون‌ها، کسانی که در فاصله ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به وزارت رسیده و یا به عضویت مجلس سنا یا شورای ملی درآمده‌اند و گردانندگان رژیم سابق و حزب رستاخیز و کسانی که به موجب احکام دادگاه‌ها طبق موازین اسلامی از حقوق اجتماعی محروم شده‌اند مشمول این ممنوعیت قرار دارند.^(۳)

۱. ماده ۹ - پرونده مربوط به تقاضای صدور پروانه که طبق آیین‌نامه اجرایی این قانون تنظیم می‌شود حداکثر ظرف یک ماه به وسیله وزارت کشور به کمیسیون ماده (۱۰) این قانون احاله و پس از تصویب کمیسیون ظرف ۱۰ روز پروانه گروه‌ها با امضاء وزیر کشور صادر خواهد شد.
- ماده ۱۰ - به منظور صدور پروانه جهت متقاضیان و نظارت بر فعالیت گروه‌ها و انجام وظایف مصرحه در این قانون کمیسیونی به شرح زیر در وزارت کشور تشکیل می‌گردد:...
۲. ماده ۲ - تأسیس کنندگان گروه (هیأت مؤسس) اشخاص حقیقی هستند که دارای شرایط زیر می‌باشند:

الف - نداشتن سوابق سوء مندرج در ماده ۷ قانون احزاب

ب - داشتن حداقل ۲۵ سال تمام

ج - التزام به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

د - تابعیت ایران

ه - نداشتن سوء پیشینه کیفری و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی

تبصره ۱ - حداقل تعداد اعضای هیأت مؤسس و یا رهبری ۳ نفر می‌باشد.

۳. ماده ۷ - کلیه اعضای ساواک منحل، فراماسون‌ها، کسانی که در فاصله ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به وزارت رسیده و یا به عضویت مجلس سنا یا شورای ملی درآمده‌اند، گردانندگان رژیم سابق و حزب رستاخیز و کسانی که به موجب احکام دادگاه‌ها طبق موازین اسلامی از حقوق اجتماعی محروم شده و یا می‌شوند از حق تأسیس جمعیت و حزب سیاسی و یا شرکت در هیأت رهبری آن محروم‌اند.

ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که برخی از اندیشمندان حوزه‌ی حقوق عمومی بر این باورند که آزادی تشکل‌ها یک حق طبیعی بشری محسوب می‌گردد و هنگامی به خود معنای حقیقی می‌گیرد که با وجود انگیزه و اراده‌ی افراد بر ایجاد یک تشکل، بدون هرگونه تشریفات رسمی موجودیت یابد. (هاشمی، ۱۳۸۴، ۴۱۰) در مقام پاسخ‌گویی به این ادعا می‌توان بیان نمود که اولاً در نظر گرفتن شرایط شکلی و ماهوی بدون در نظر گرفتن نهادی برای بررسی صلاحیت‌ها امری عبث و بیهوده به نظر می‌رسد. برای مثال تعیین شرط عدم مغایرت اساس‌نامه و مرامنامه تشکل با خط‌مشی‌ها و اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از شروط فعالیت تشکل‌ها تنها با وجود نظارت پیشینی محقق خواهد شد. ثانیاً ایجاد یک شخصیت حقوقی مستلزم ثبت آن در مراجع قانونی و به رسمیت شناخته شدن آن به وسیله‌ی قانون است به نحوی که هیات موسس، ماهیت فعالیت، محدوده‌ی آن و... روشن گردد و این امر بدون نظارت مراجع صالح پیش از تشکیل غیر ممکن به نظر می‌رسد.

لازم به ذکر است که هر یک از تشکل‌ها پس از تصویب اساس‌نامه و دریافت پروانه می‌توانند آزادانه به فعالیت بپردازند. در این خصوص باید بیان نمود که بر اساس آیین‌نامه اجرایی قانون فعالیت احزاب، متقاضیان تشکیل تشکل‌ها باید مدارک خود را به فرمانداری محل تقدیم نمایند تا از طریق وزارت کشور به منظور بررسی صلاحیت‌ها برای کمیسیون ماده‌ی ۱۰ احزاب ارسال گردد. بررسی صلاحیت اعضا و تایید اساس‌نامه و مرامنامه بر عهده‌ی کمیسیون مذکور خواهد بود. اساس‌نامه و مرامنامه تشکل‌ها باید پس از تایید در کمیسیون ماده‌ی ۱۰ در روزنامه رسمی چاپ گردد.^(۱) آنچه دارای اهمیت به نظر می‌رسد آن است که مستند به ماده ۵۸۴ قانون

۱. ماده ۳ - متقاضیان تشکیل گروه باید این مدارک را در تهران و شهرستانها به فرمانداری محل تسلیم نمایند و رسید دریافت دارند:

- الف - برگ درخواست طبق فرم وزارت کشور در ۵ نسخه
 - ب - برگ مشخصات هیأت رهبری و اجرایی کشور در ۵ نسخه
 - ج - مرامنامه، اساسنامه و آیین‌نامه انضباطی - مالی گروه در ۲ نسخه
 - د - فتوکپی مصدق شناسنامه اعضای هیأت مؤسس، رهبری و اجرایی هر یک در ۴ برگ.
 - ه - گواهی عدم سوء پیشینه برای هر یک از اعضای هیأت‌های مؤسس، رهبری و اجرایی.
- و - عکس جدید تمام رخ ۶×۴ شش قطعه...

تجارت^(۱)، انجام اعمال حقوقی به نام تشکل‌ها پس از ثبت در اداره‌ی کل ثبت و دارا شدن شخصیت حقوقی^(۲) امکان پذیر می‌باشد. (عباسی، ۱۳۹۰، ۱۳۵) بر این اساس نهاد اعطای مجوز فعالیت به تشکل‌ها کمیسیون ماده ۱۰ بوده و برای تکمیل شخصیت حقوقی و اعطای مجوز برای انجام اعمال حقوقی باید مطابق با قانون تجارت عمل نمایند.

بند سوم: محدوددهی فعالیت احزاب

آزادی احزاب و تشکل‌ها همانند بسیاری از آزادی‌های عمومی موجود در جامعه‌ی انسانی به علت رعایت مقتضیات مصالح زندگی اجتماعی و همچنین حفظ حقوق دیگران با محدودیت‌هایی روبرو است. در این خصوص می‌توان بیان نمود که آزادی تشکل‌ها آزادی مطلق به حساب نمی‌آید و همان گونه که در مطالعه‌ی تطبیقی موضوع آزادی تشکل‌ها نیز ذکر گردید، قانون‌گذاران اساسی با توجه به مبانی عقیدتی نظام سیاسی و در جهت تضمین حقوق همگانی در بهره‌مندی از حقوق و آزادی‌های عمومی، محدودیت‌هایی را در مسیر فعالیت تشکل‌ها وضع می‌نمایند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در پی آن قوانین عادی نیز از این اصل کلی مستثنی نمی‌باشند.

اصل بیست و ششم قانون اساسی پس از بیان حکم کلی آزادی فعالیت تشکل‌ها آن را مشروط به عدم نقض اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس

→

تبصره ۴ - تشخیص صلاحیت مسئولین ارکان به عهده کمیسیون ماده ۱۰ می‌باشد.....

تبصره ۱ - اساسنامه و مرامنامه و تغییرات آن پس از تأیید کمیسیون ماده ۱۰ با هزینه گروه باید در روزنامه رسمی کشور جمهوری اسلامی چاپ شود.

تبصره ۲ - اساسنامه و مرامنامه تغییر یافته پس از چاپ در روزنامه رسمی کشور جمهوری اسلامی ایران رسمیت یافته و قابل اجرا می‌باشد.

۱. ماده ۵۸۴ - تشکیلات و موسساتی که برای مقاصد غیرتجارتی تأسیس یا بشوند از تاریخ ثبت در دفتر ثبت مخصوصی که وزارت عدلیه معین خواهد کرد شخصیت حقوقی پیدا می‌کنند.

۲. شخص حقوقی به اجتماع اشخاص، اموال یا منافع برای دستیابی به هدف‌های مشترکی گفته می‌شود که قدرت عمومی آن را به عنوان واحدی مستقل از عناصر تشکیل دهنده مورد شناسایی قرار می‌دهد (ابوالحمد، ۱۳۵۳، ۸۴) بر اساس مواد ۵۸۸ و ۵۸۹ قانون تجارت شخص حقوقی می‌تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است مگر حقوق و وظایفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد مانند حقوق و وظایف ابوت. بنوت و امثال ذلک. تصمیمات شخص حقوقی نیز به وسیله مقاماتی که بموجب قانون یا اساسنامه صلاحیت اتخاذ تصمیم دارند گرفته می‌شود.

جمهوری اسلامی می‌داند که پیش از این مفاهیم مورد نظر از هریک از این واژگان مورد مطالعه قرار گرفت. بر این اساس تشکّل‌ها حق هیچ گونه اقدامی در راستای نقض هر یک از اصول فوق نخواهند داشت. قانون‌گذار عادی نیز به منظور اجرایی نمودن محدودیت‌های مذکور در اصل بیست و ششم به مجموعه محدودیت‌هایی اشاره می‌نماید که آزادی فعالیت تشکّل‌ها شامل آن حوزه‌ها نمی‌گردد.^(۱)

از این مجموعه برخی از محدودیت‌ها بیان‌گر مفهوم استقلال و مصادیق ذیل آن می‌باشد. برای نمونه ارتکاب افعالی که به نقض استقلال کشور منجر شود، هر نوع ارتباط، مبادله اطلاعات، تبانی و مواضعه با سفارتخانه‌ها، نمایندگیها، ارگان‌های دولتی و احزاب کشورهای خارجی در هر سطح و به هر صورت و دریافت هر گونه کمک مالی و تدارکاتی از بیگانگان؛ برخی همانند نقض آزادی‌های مشروع دیگران بیانگر مصادیق آزادی می‌باشد؛ ایراد تهمت، افتراء و شایعه پراکنی و نقض وحدت ملی و ارتکاب اعمالی چون طرح‌ریزی برای تجزیه کشور، تلاش برای ایجاد و تشدید اختلاف میان صفوف ملت با استفاده از زمینه‌های متنوع فرهنگی و مذهبی و نژادی موجود در جامعه ایران نیز از مصادیق نقض وحدت ملی محسوب می‌گردد و نقض موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی، تبلیغات ضد اسلامی و پخش کتب و نشریات مضره نیز ذیل

۱. ماده ۱۶ - گروه‌های موضوع این قانون باید در نشریات، اجتماعات و فعالیت‌های دیگر خود از ارتکاب موارد زیر خودداری کنند:

- الف - ارتکاب افعالی که به نقض استقلال کشور منجر شود.
- ب - هر نوع ارتباط، مبادله اطلاعات، تبانی و مواضعه با سفارتخانه‌ها، نمایندگیها، ارگان‌های دولتی و احزاب کشورهای خارجی در هر سطح و به هر صورت که به آزادی، استقلال، وحدت ملی و مصالح جمهوری اسلامی ایران مضر باشد.
- ج - دریافت هر گونه کمک مالی و تدارکاتی از بیگانگان.
- د - نقض آزادی‌های مشروع دیگران.
- ه - ایراد تهمت، افتراء و شایعه پراکنی.
- و - نقض وحدت ملی و ارتکاب اعمالی چون طرح‌ریزی برای تجزیه کشور.
- ز - تلاش برای ایجاد و تشدید اختلاف میان صفوف ملت با استفاده از زمینه‌های متنوع فرهنگی و مذهبی و نژادی موجود در جامعه ایران.
- ح - نقض موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی.
- ط - تبلیغات ضد اسلامی و پخش کتب و نشریات مضره.
- ی - اختفاء و نگهداری و حمل اسلحه و مهمات غیر مجاز.

عنوان اساس جمهوری اسلامی و موازین اسلامی جای می‌گیرد.

نکته‌ی قابل توجه پیرامون ماده‌ی ۱۶ قانون فعالیت احزاب آن است که به نظر می‌رسد قانون‌گذار عادی با وضع این ماده به دنبال احصاء عناوین محدودیت‌هایی بوده است که ذیل اصول کلی استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی قرار می‌گیرد. به بیان دیگر قانون‌گذار عادی در پی آن بوده است که مجموعه تخلفاتی که احزاب و تشکل‌ها امکان ارتکاب به آن را داشته و در پی آن اصول مندرج در اصل بیست و ششم را نقض می‌نمایند را شمارش نماید، اما همچنان در برخی از مصادیق از واژگان و اصطلاحاتی استفاده نموده است که تاب تفسیر و فهم متفاوتی دارد. به بیان دیگر بر شمردن محدودیت‌های مذکور در اصل به معنای آن می‌باشد که قانون‌گذار اساسی فعالیت تشکل‌ها را در مواردی که نقض این اصول کلی محسوب نگردد، آزاد می‌داند. این در حالی است که هر یک از اصول ذکر شده در مصادیق مختلف امکان برداشت‌های گوناگون را به ذهن متبادر می‌نماید. ایراد وارده بر مواردی که قانون‌گذار در ماده‌ی ۱۶ قانون احزاب بیان نموده است از دو حیث قابل مطالعه می‌باشد. اولاً برخی از موارد هر چند به موجب قوانین جزایی در نظام جمهوری اسلامی ایران جرم محسوب می‌گردد و مجازات دارد، اما بیش از محدودیت‌هایی است که در اصل بیست و ششم ذکر گردیده و محدودیت‌های مندرج در اصل را گسترش می‌دهد و از سوی دیگر قانون‌گذار عادی باید در مقام بیان محدودیت‌ها به معیارهای ملموس و عینی اشاره می‌نمود تا نهاد ناظر بر فعالیت تشکل‌ها را از قضاوت‌های نادرست بازدارد. به بیان دیگر جا داشت که قانون‌گذار عادی با بیان معیارهای دقیقی برای هر یک از اصطلاحات استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی امکان هرگونه برداشت شخصی را از بین برده و حقوق ملت را تضمین نماید.

بند چهارم: نظارت بر تشکل‌ها در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران

پس از روشن شدن شرایط تشکیل و محدوده‌ی فعالیت تشکل‌ها در نظام جمهوری اسلامی ایران، آنچه دارای اهمیت است نحوه و مراحل نظارت، نهاد ناظر بر فعالیت تشکل‌ها و ضمانت اجراهای موجود در صورت ارتکاب تخلفات و آیین دادرسی آن است.

الف - اقسام نظارت بر تشکّل‌ها

به طور کلی در نظام‌های حقوقی گوناگون دو شیوهی کلی برای نظارت بر آزادی‌های عمومی در نظر گرفته شده است. برخی از دولت‌ها نظام تعقیبی را در دستور کار خویش قرار داده‌اند. در نظام تعقیبی که بیشتر در کشورهای لیبرال مرسوم می‌باشد؛ اصل بر آزادی بوده و افراد و گروه‌ها در اعمال و رفتار خویش نیازمند کسب اجازه از مقامات عمومی نیستند و تنها موارد تخلف آن‌ها که به موجب مواد قانونی احصاء گردیده موجب محدودیت اعمال حقوق می‌گردد. در مقابل برخی از دولت‌ها از شیوه‌های تامینی برای نظارت بر فعالیت افراد و گروه‌ها استفاده نموده‌اند که این گونه‌ی نظارت خود به شکل منع یا جلوگیری از انجام فعالیت مغایر با قانون، اجازه قبلی و اعلام قبلی جلوه‌گر می‌گردد. (طباطبائی مؤتمنی، ۱۳۹۰، ۲۶)

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران و در خصوص نظارت بر فعالیت تشکّل‌ها، پس از تشکیل و رسمیت، تشکّل‌ها، به عنوان اشخاص حقوقی در بسیاری از موارد همانند اشخاص حقیقی دارای حق و تکلیف می‌شوند و از حقوق و آزادی‌هایی که لازمه وجود آن‌ها است برخوردار می‌گردند، به شرط آنکه مرتکب جرم یا تخلف قابل مواخذه و تعقیب نباشند. از همین رو عملکرد تشکّل‌ها نیازمند مراقبت و نظارت می‌باشد. نظارت بر تشکّل‌ها به طور کلی قابل مطالعه در نظارت بر اهداف (نظارت پیشینی یا تامینی) و نظارت بر عملکرد (نظارت پسینی یا تعقیبی) قابل مطالعه است. به بیان دیگر قوانین جمهوری اسلامی ایران در خصوص فعالیت تشکّل‌ها از نظام مختلط پیروی نموده است. مقصود از نظارت بر اهداف یا همان نظارت پیشینی آن است که اهداف و آرمان‌های یک تشکّل با اهداف و آرمان‌های جمهوری اسلامی ایران در تعارض نباشد که این موضوع از طریق اساس‌نامه و مرام‌نامه‌ی آن‌ها قابل بررسی است. همان‌گونه که پیش از این نیز ذکر گردید تشکّل‌ها به منظور دستیابی به اهداف مشخصی تشکیل می‌گردد و این اهداف در اساس‌نامه و مرام‌نامه‌ی آن تشکّل بروز و ظهور می‌یابد. این اهداف و مقاصد متناسب با نظام سیاسی حاکم قابل ارزیابی و نقد و بررسی می‌باشد، به نحوی که با ارزش‌های آن نظام در تناقض و تعارض قرار نگیرد. از همین رو مجموعه اهداف یک تشکّل مورد ارزیابی نهاد ناظر قرار می‌گیرد تا اصلی از اصولی کلی نظام سیاسی را زیر سؤال نبرده باشد. (یزدی، ۱۳۷۵، ۲۷۸- هاشمی، ۱۳۸۴، ۴۱۷) صدور مجوز فعالیت به عنوان نظارت پیشینی بر فعالیت تشکّل‌ها از این طریق توجیه می‌گردد.

نظارت بر عملکرد و یا نظارت پسینی نیز به آن گونه از نظارت بر فعالیت تشکل‌ها اطلاق می‌گردد که پس از تشکیل و در دوره‌ی فعالیت تشکل، به منظور جلوگیری از نقض محدودیت‌های تعیین شده صورت می‌پذیرد. به بیان دیگر نظارت تعقیبی که مطابقت اعمال تشکل‌ها با تخلفات ذکر شده در اصل به وسیله‌ی نهاد ناظر می‌باشد در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران نیز پذیرفته شده است. بر این اساس این نوع نظارت نیز به وسیله‌ی کمیسیون ماده‌ی ۱۰ احزاب صورت می‌گیرد که در ادامه شرح آن خواهد آمد.

ب - نهاد نظارت بر تشکل‌ها

بدیهی به نظر می‌رسد که ذکر شرایط برای تشکیل و استمرار فعالیت قانونی تشکل‌ها از یکسو و تعیین محدوده‌ی فعالیت برای آن‌ها از سوی دیگر، اقتضا می‌نماید که قانون‌گذار مرجع و نهادی را به منظور صدور پروانه‌ی فعالیت و نظارت بر فعالیت قانونی تشکل‌ها در نظر بگیرد. از همین رو ماده‌ی ۱۰ قانون فعالیت احزاب^(۱) کمیسیونی را به منظور نظارت بر فعالیت احزاب در نظر گرفته است که متشکل از نماینده‌ی دادستان، نماینده‌ی رییس قوه‌ی قضاییه، نماینده‌ی وزارت کشور و دو نماینده به انتخاب مجلس شورای اسلامی می‌باشد. کمیسیون مذکور با حضور حداقل ۴ نفر از اعضا رسمیت می‌یابد^(۲) و تصمیمات آن با سه رأی موافق لازم الاجرا تلقی می‌گردد.^(۳) بر این اساس قانون اساسی و در پی آن قانون عادی با انتخاب نظام مختلط نظارت به دنبال جلوگیری از هرگونه انحراف در مسیر فعالیت احزاب و تشکل‌ها از محدودیت‌های ترسیم شده می‌باشند.

۱. ماده ۱۰ - به منظور صدور پروانه جهت متقاضیان و نظارت بر فعالیت گروه‌ها و انجام وظایف مصرحه در این قانون کمیسیونی به شرح زیر در وزارت کشور تشکیل می‌گردد:

۱ - نماینده دادستان کل کشور.

۲ - نماینده شورای عالی قضایی.

۳ - نماینده وزارت کشور.

۴ - دو نماینده به انتخاب مجلس شورای اسلامی از بین داوطلبانی که از داخل مجلس و خارج آن به معرفی یکی از نمایندگان حداکثر تا یک هفته قبل از انتخابات کتباً به کمیسیون داخلی معرفی شده باشند، تاریخ انتخابات حداقل ۱۵ روز قبل توسط رئیس مجلس در جلسه علنی اعلام خواهد شد.

۲. ماده ۱۰ - کمیسیون حداقل با حضور ۴ نفر از اعضاء خود رسمیت پیدا می‌کند.

۳. ماده ۱۸ - مصوبات کمیسیون با حداقل ۳ رأی معتبر و قابل اجرا خواهد بود.

ج - آیین دادرسی و ضمانت اجرای تخلفات

به طور کلی برای فعالیت تشکّل‌ها در نظام جمهوری اسلامی ایران دو دسته تخلف و در پی آن دو دسته مرجع رسیدگی وجود دارد. دسته اول اشاره به مجموعه تخلفات مذکور در ماده‌ی ۱۶ قانون فعالیت احزاب دارد که در صورت ارتکاب هر یک از تشکّل‌ها به اقدامات مذکور، در صورتی که عناوین مجرمانه بر آن صدق ننماید، توسط کمیسیون ماده‌ی ۱۰ مورد بررسی قرار می‌گیرد و مطابق با ماده‌ی ۱۷ قانون فعالیت احزاب^(۱) یکی از مجازات‌های تذکر کتبی، اخطار، توقیف پروانه و تقاضای انحلال از دادگاه برای آن‌ها در نظر گرفته می‌شود. (مدنی، ۱۳۸۹، ۸۴) دسته‌ی دوم تخلفات و جرائم، جرائم ارتكابی به وسیله‌ی تشکّل می‌باشد که عملاً به رهبران آن منتسب می‌گردد. در این خصوص نیز دادگاه‌های صالح دادگستری (دادگاه‌های حقوقی و کیفری و در صورت داشتن جنبه‌های سیاسی و داشتن عنوان جرم سیاسی با حضور هیات منصفه) مرجع رسیدگی و صدور حکم می‌باشند.

یکی از موضوعات حائز اهمیت در خصوص نحوه نظارت بر فعالیت احزاب، به ویژه در موارد ارتکاب به تخلفات و رسیدگی و صدور حکم در خصوص آن‌ها عدم تعیین مجازات‌های هریک از تخلفات به نحو منجز می‌باشد. در این خصوص می‌توان بیان نمود که مطابق با اصول دادرسی عادلانه باید پس از بیان هر تخلف مجازات آن نیز به وسیله قانون‌گذار مشخص می‌گردید تا از برداشت‌های شخصی در اعمال مجازات جلوگیری نماید. در حالی که قانون فعالیت احزاب در ماده‌ی ۱۶ به ذکر تخلفات پرداخته است و در ماده‌ی ۱۷ مجازات‌های آن را بیان نموده و راه را برای اعمال سلیق شخصی باز گذاشته است.

علاوه بر این شاید همه‌ی تخلفات مندرج در ماده‌ی ۱۶ نسبت به احزاب سیاسی مصداق داشته باشد اما بسیاری از موارد مذکور نسبت به سایر تشکّل‌ها سالبه به انتفاء

۱. ماده ۱۷ - در صورتی که فعالیت تشکیلاتی یک گروه منشأ تخلفات مذکور در ماده ۱۶ باشد کمیسیون می‌تواند بر حسب مورد به تفصیل زیر عمل نماید:

۱ - تذکر کتبی

۲ - اخطار

۳ - توقیف پروانه

۴ - تقاضای انحلال از دادگاه

موضوع می‌باشد و از سوی دیگر برخی از تخلفات ممکن در خصوص جمعیت‌ها، انجمن‌های صنفی و اسلامی در ماده ذکر نشده است.

از همین رو شایسته است در مقام اصلاح تخلفات قانونی در خصوص فعالیت احزاب و تشکل‌ها، اولاً، دایره‌ی تخلفات متناسب با محدودیت‌های مندرج در اصل بیست و ششم به نحو روشن و غیر قابل تفسیر بیان گردد. ثانیاً، با توجه به ماهیت فعالیت هر یک از تشکل‌ها، تخلفات آن‌ها معین گردد و ثالثاً، مجازات هر تخلف به نحو منجزی تعیین گردد تا مانع از اعمال سلیق شخصی در خصوص موضوعات مشابه شود. لازم به ذکر است که انحلال احزاب و تشکل‌ها تنها از طریق حکم دادگاه صورت می‌گیرد و همچنین در صورت توقیف فعالیت احزاب و گروه‌ها به وسیله‌ی کمیسیون ماده ۱۰، حق شکایت به دادگاه برای تشکل‌ها محفوظ می‌باشد.

در خصوص اعمال ضمانت اجراهای مذکور در صورت تخلف احزاب از محدودیت‌های ذکر شده در قانون اساسی و قانون عادی برای آن‌ها بررسی نقش شورای عالی امنیت ملی ضروری به نظر می‌رسد. در تبیین این موضوع باید بیان نمود که بر اساس اصل ۱۷۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران شورای عالی امنیت ملی با ترکیبی از سران و مسئولان نظام^(۱) وظیفه‌ی تعیین سیاستهای دفاعی - امنیتی کشور در محدوده سیاستهای کلی تعیین شده از طرف مقام رهبری، هماهنگ نمودن فعالیت‌های سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ارتباط با تدابیر کلی دفاعی - امنیتی، بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی را بر عهده دارد. از آن‌جا که مصوبات شورا به تایید رهبری می‌رسد به استناد اصل ۵۷ قانون اساسی مافوق قانون عادی است و همه‌ی قوای حکومتی ملزم به تبعیت از تصمیمات این نهاد می‌باشند. بر این اساس در صورتی که شورای عالی امنیت ملی فعالیت یکی از تشکل‌ها یا احزاب

۱.

۱. روسای قوای سه گانه
۲. رییس ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح
۳. مسوول امور برنامه و بودجه
۴. دو نماینده به انتخاب مقام رهبری
۵. وزرای امور خارجه، کشور، اطلاعات، حسب مورد وزیر مربوط
۶. و عالیترین مقام ارتش و سپاه

سیاسی را مغایر با سیاست‌های دفاعی و امنیتی و یا تهدیدی برای نظام جمهوری اسلامی تشخیص دهد؛ می‌تواند از فعالیت آن جلوگیری به عمل آورد.

بند پنجم: ممنوعیت اجبار به عضویت یا عدم عضویت در تشکله‌ها

یکی دیگر از موضوعات حقوقی ذیل اصل بیست و ششم قانون اساسی عبارت «هیچکس را نمی‌توان از شرکت در آن‌ها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن‌ها مجبور ساخت» می‌باشد. در این خصوص می‌توان بیان نمود که شرکت افراد در هیچ تشکلی الزامی نیست و افراد باید بتوانند آزادانه تشکلی که علاقه‌مند به حضور در آن می‌باشند را انتخاب نمایند و هر گاه می‌خواهند از آن خارج گردند. (مدنی، ۱۳۸۹، ۸۳)

با مطالعه‌ی نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران درمی‌یابیم که حکم کلی ذیل اصل مشمول استثناهایی شده و برخی از افراد از عضویت در تشکله‌ها به ویژه احزاب سیاسی منع گردیده‌اند. برخی از افراد به سبب قرار گرفتن در جایگاه خاص اجتماعی و پذیرش نقش‌های مختلف در جامعه از عضویت در تشکله‌ها منع گردیده و یا به عضویت در گروه‌های خاص مجبور شده‌اند^(۱). برای نمونه در خصوص ممنوعان از عضویت در تشکله‌ها می‌توان به نظامیان^(۲) (مستند به اساس‌نامه سپاه پاسداران)، وزیر و کارمندان وزارت اطلاعات (مستند به قانون تعیین ضوابط و شرایط وزیر اطلاعات^(۳)) و

۱. برخی افراد به علت قرار گرفتن در جایگاه شغلی خاص به عضویت در بعضی از تشکله‌ها مجبور شده‌اند. برای نمونه بر اساس مفاد قانون نظام صنفی کشور، هر فرد صنفی موظف است قبل از تأسیس هر نوع واحد صنفی یا اشتغال به کسب و حرفه، نسبت به اخذ پروانه و عضویت در اتحادیه اقدام نماید. (ماده ۱۲ و ۲۶)

۲. ماده ۳۴ - شرایط پاسدار - پاسدار به فردی اطلاق می‌شود که برای جهاد همه جانبه در راه خدا و نگهبانی از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن به‌عنوان وظیفه شرعی با داشتن شرایط زیر به عضویت سپاه پاسداران درآمده باشد.

الف - اعتقاد به مبانی اسلام، انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی.

ب - اعتقاد و التزام عملی به ولایت فقیه.

ج - التزام عملی به احکام اسلام و قوانین جمهوری اسلامی و رعایت موازین اخلاق اسلامی.

د - عدم عضویت در احزاب و گروه‌ها و سازمانهای سیاسی.

ه - حسن شهرت و عدم سوء سابقه.

۳. ماده واحده - وزیر اطلاعات دارای شرایط زیر خواهد بود:

۱- از نظر تحصیلات در حد اجتهاد.

قانون تاسیس وزارت اطلاعات^(۱)، کارمندان وزارت امور خارجه^(۲) (مستند به مقررات تشکیلاتی، استخدامی، مالی و انضباطی وزارت امور خارجه) اشاره نمود. در مقام توجیه حقوقی تحدید آزادی تشکّل‌ها می‌توان بیان نمود که به طور خاص در خصوص عضویت افراد مذکور در تشکّل‌ها همواره دو نگرانی موجود است: اول آن‌که مبارزات صنفی، سندیکایی و سیاسی نظامیان دارای پیامدهای منفی فراوانی از جمله گروه‌بندی‌ها، عدم اطاعت‌ها و از میان رفتن یکپارچگی و انضباط می‌باشد و دوم آن‌که احتمال تغییر نتایج مورد نظر در عرصه‌ی فعالیت‌های سیاسی به وسیله‌ی نظامیان و سایر افراد مذکور از طریق فشار بر مسئولین سیاسی وجود دارد.^(۳) (عباسی، ۱۳۹۰، ۱۴۰) اما آن‌چه هم‌چنان جای سؤال دارد آن است که آیا می‌توان از این استدلال وحدت ملاک گرفت و سایر مقاماتی حکومتی که دارای جایگاه مشابهی می‌باشند را

→

۲- اشتها به عدالت و تقوی.

۳- داشتن سابقه‌ای روشن از نظر سیاسی و مدیریت.

۴- عدم عضویت در احزاب - سازمانها و گروههای سیاسی.

۱. ماده ۱۲ - هیچ یک از کارکنان این وزارتخانه و سازمانهای حفاظت اطلاعات و واحدهای اطلاعاتی نباید عضو هیچ حزب یا سازمان و گروه سیاسی باشند.

۲. ماده ۸۹ - عضویت در احزاب و فرقه‌ها و دسته‌های سیاسی برای کارمندان وزارت امور خارجه ممنوع است و متخلف از خدمت وزارت امور خارجه مستعفی شناخته می‌شود. عضویت در انجمنهای علمی و ادبی و خیریه و فرهنگی با اطلاع وزارت امور خارجه مجاز خواهد بود.

۳. برای نمونه امام خمینی(ره) در خصوص عضویت اعضای ارتش در جمهوری اسلامی ایران می‌فرماید: «این گروه‌های اسلامی هم نباید دخالت در امور ارتش بکنند و نباید در آنجا افراد داشته باشد، تا بتوانید یک عضو صالح و یک ارتش و سپاه پاسداران منسجم و صالح و قدرتمند باشید. ورود سیاست در ارتش شکست ارتش است، این را باید بدانید و شرعاً جایز نیست و من امر می‌کنم به شما که یا در ارتش یا در حزب، دوم ندارد که بخواهید هم ارتشی باشید، هم حزبی، نمی‌شود» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۶، ۱۱۲) ایشان در جای دیگری می‌فرماید: «برای سپاهی‌ها جایز نیست که وارد بشوند به دسته بندی و آن طرفدار آن یکی، آن یکی طرفدار آن یکی. به شما چه ربط دارد که در مجلس چه می‌گذرد؟ در امر انتخابات باز هم به من اطلاع دادند که بین سپاهی‌ها هم باز صحبت هست. خوب! انتخابات در محل خودش دارد می‌شود، جریانی دارد، به سپاه چه کار دارد که آن‌ها هم اختلاف پیدا کنند؟ برای سپاه جایز نیست این. برای ارتش جایز نیست این. سپاهی را از آن تعهدی که دارد، از آن مطلبی که به عهده اوست باز می‌دارد و همین طور ارتش را. و ما در گفتارمان، در کردارمان که در محضر خدای تبارک و تعالی واقع است، باید فکر بکنیم...» (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۱۹، ۱۳)

نیز از عضویت در احزاب منع نمود؟ به بیان دیگر آیا سایر مشاغلی که در خصوص آنان احتمال آثار منفی گروه‌بندی‌ها وجود دارد و یا می‌توانند با فشار بر مسئولین در آراء و نظرات سیاسی تاثیرگذار باشند، همانند اعضای شورای نگهبان، نیز صادق است؟ به نظر می‌رسد با توجه به ملاکی که از قوانین وضع شده به وسیله‌ی قانون‌گذار عادی قابل استنباط است، می‌توان محدودیت ذکر شده در خصوص عضویت در احزاب و تشکل‌های سیاسی را شامل همه‌ی افرادی دانست که توأمان دارای جایگاه سیاسی و عضویت حزبی می‌باشند.

علاوه بر این در توجیه حقوقی این الزام می‌توان گفت افراد با آگاهی کامل نسبت به شرایط شغلی خویش که یکی از آنها الزام و یا عدم الزام به حضور در یکی از تشکل‌های قانونی می‌باشد؛ اقدام به انتخاب شغل مورد نظر می‌نمایند و خود با آزادی کامل حق آزادی عضویت در تشکل‌ها را برای خویش محدود می‌نمایند.

اما دسته‌ی دوم به افرادی اشاره می‌نماید که قانون‌گذار عادی آن‌ها را به سبب ارتکاب اعمال خلاف قانون از عضویت در احزاب و تشکل‌ها منع نموده است. در تبیین این موضوع باید بیان نمود که بر اساس قانون مجازات اسلامی «دادگاه می‌تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری از درجه شش تا درجه یک محکوم کرده است با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازات‌های تکمیلی زیر محکوم نماید» (ماده ۲۳)

آنچه در خصوص محدودیت‌های ذکر شده در قوانین عادی درباره‌ی عضویت در احزاب سیاسی قابل بررسی می‌باشد؛ مغایرت این موضوع با متن اصل بیست و ششم است. در تبیین این امر باید بیان نمود که متن اصل بیست و ششم در خصوص منع و یا اجبار به عضویت افراد در احزاب دارای اطلاق است و با قید «هیچ‌کس» مقرر می‌دارد «هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آن‌ها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن‌ها مجبور ساخت» و در این خصوص قیدی را بیان نمی‌کند. بر این مبنا هر گونه ایجاد محدودیت برای عضویت در احزاب و تشکل‌ها مغایر اصل بیست و ششم بوده است. در حالی که با مطالعه‌ی علل و عوامل ذکر این محدودیت‌ها در قوانین عادی و عدم اعلام مغایرت آن‌ها به وسیله‌ی نهاد پاسدار قانون اساسی به نظر می‌رسد که نهاد

قانون‌گذاری و شورای نگهبان مصالح موجود در ایجاد محدودیت‌های ذکر شده را حاکم بر عبارت اصل می‌دانند و بر این باورند که قانون‌گذار اساسی نیز این قید را در شرایط عادی در نظر داشته است و نسبت به همهی افراد قابل تسری نمی‌دانسته است.

بند ششم: ارتباط اصل بیست و ششم با سایر اصول قانون اساسی

یکی دیگر از موضوعات حائز اهمیت در خصوص اصل بیست و ششم قانون اساسی ارتباط این اصل با سایر اصول است در این خصوص می‌توان ارتباط میان اصول سیزدهم، چهاردهم، بیست و ششم و سایر اصول مرتبط با این اصل را مورد بررسی و مطالعه قرار داد.

الف - ارتباط اصل بیست و ششم با اصول سیزدهم و چهاردهم

بر مبنای نص اصل بیست و ششم قانون اساسی، قانون فعالیت احزاب و آیین‌نامه‌ی اجرایی آن از میان اقلیت‌های دینی تنها حق فعالیت تشکلی برای اقلیت‌های دینی شناخته شده در اصل سیزدهم قانون اساسی (زدتشتی، کلیمی و مسیحی) به رسمیت شناخته شده است. مبتنی بر این اصل باید بیان نمود که هر چند مطابق با اصل چهاردهم قانون اساسی سایر غیرمسلمانان از حق برخورداری از اخلاق حسنه، قسط و عدل اسلامی و رعایت حقوق انسانی بهره‌مند می‌شوند^(۱) اما مستند به اصل بیست و ششم حق ایجاد تشکیلات قانونی را ندارند.

آنچه در این خصوص دارای اهمیت است آن می‌باشد آیا قلمرو فعالیت تشکیلاتی اقلیت‌های دینی شناخته شده همانند احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی، اجتماعی و صنفی است؟

آنچه که از اصل بیست و ششم قانون اساسی استنباط می‌گردد آن است که قانون‌گذار اساسی اقلیت‌های دینی را قسیم انجمن‌ها قرار می‌دهد و از این رو می‌توان دریافت که قانون‌گذار به دنبال در نظر گرفتن تشکیلاتی متفاوت از تشکلهای ذکر

۱. اصل چهاردهم: به حکم آیه شریفه "لاینهاکم الله عن الدین لم یقاتلکم فی الدین و لم یخرجوکم من ديارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین" دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.

شده برای اقلیت‌های دینی بوده است. به بیان دیگر ذکر عبارت اقلیت‌های دینی در اصل بیست و ششم به معنای اجازه تشکیل حزب سیاسی یا جمعیت‌ها و انجمن‌های صنفی به پیروان اقلیت‌های دینی نیست بلکه در پی آن است که در حدود آزادی‌های مقرر در اصل سیزدهم^(۱) و به منظور انجام مراسم دینی، احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود آزادی تشکیلات را به اقلیت‌های دینی اعطا نماید. در همین راستا آیین‌نامه اجرایی قانون فعالیت احزاب قلمرو و محدوده‌ی فعالیت اقلیت‌های دینی را ترسیم می‌نماید و مقرر می‌دارد مرام‌نامه‌ی آن‌ها باید محدود به اهداف کاملاً مشخص و در برگیرنده حل مشکلات و مسائل دینی، فرهنگی، اجتماعی و رفاهی ویژه آن اقلیت باشد^(۲). (ماده ۳۸) علاوه بر این باید تمام اعضای تشکل انجمن اقلیت‌ها

۱. اصل سیزدهم: ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند.

۲. ماده ۳۸ - در مرام‌نامه تشکیل انجمن باید اهداف کاملاً مشخص و در برگیرنده حل مشکلات و مسائل دینی، فرهنگی، اجتماعی و رفاهی ویژه آن اقلیت باشد.

تبصره ۱ - مسائل دینی شامل موارد زیر می‌باشد.

الف - برگزاری مراسم مذهبی عادی

ب - برگزاری جشنها و اعیاد و مراسم سوگواری مذهبی

ج - برگزاری سخنرانیها و یا سمینارهای تبلیغی

د - نشر کتب و مقالات و مجلات مذهبی

ه - دعوت از مبلغین مذهبی سایر کشورها

و - تعمیر معابد و امکنه مقدسه

تبصره ۲ - بررسی مسائل فرهنگی شامل موارد زیر می‌باشد.

الف - نشر زبان خاص مربوط به خود از طریق تشکیل کلاسهای خصوصی و نشریه

ب - ایجاد مدارس و سایر مؤسسات فرهنگی مانند چاپخانه، زبانکده و هنرکده

تبصره ۳ - بررسی مسائل اجتماعی شامل موارد زیر می‌باشد.

الف - ایجاد صندوق و مؤسسات خیریه

ب - ایجاد مراکز درمانی

ج - ایجاد تعاونیهای تولید و توزیع

د - ایجاد مهد کودک و مراکز نگهداری سالمندان

ه - ایجاد باشگاه‌های ورزشی و تفریحات سالم

و - برگزاری مراسم و اعیاد قومی

ز - انجام گردشهای علمی، تفریحی و مذهبی

از اعضای همان اقلیت باشند. (ماده ۳۷) به بیان دقیق‌تر اصل بیست و ششم تنها در مقام بیان آزادی تشکیل انجمن اقلیت‌های دینی می‌باشد و قیود فعالیت آن‌ها را می‌توان از اصل سیزدهم برداشت نمود.

به نظر می‌رسد سایر مذاهب شناخته شده در اصل دوازدهم قانون اساسی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی مستند به قید انجمن‌های اسلامی که شامل همه‌ی مذاهب اسلامی می‌گردد، حق ایجاد انجمن را دارا می‌باشند.

ب - ارتباط اصل بیست و ششم و بیست و هفتم قانون اساسی

نقطه‌ی تمایز میان اصل بیست و ششم و بیست و هفتم قانون اساسی^(۱) جمهوری اسلامی ایران در تفاوت میان آزادی تشکّل و آزادی اجتماعات نهفته است. در این خصوص می‌توان بیان نمود که تشکّل‌ها دارای چند عنصر بنیادین می‌باشند که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به سازماندهی داشتن، غیر انتفاعی بودن و دائمی و مستمر بودن اشاره نمود. (طباطبایی موتمنی، ۱۳۹۰، ۹۴) در میان این خصوصیات دائمی و مستمر بودن تشکّل‌ها به عنوان بارزترین ویژگی ممیز میان تجمعات و تشکّل‌ها محسوب می‌گردد. در تبیین این موضوع باید گفت بر خلاف تجمعات که از اجتماع موقت افراد به منظور بیان عقاید مشترک شکل می‌گیرد، تشکّل‌ها مادامی که منحل نگردیده‌اند به بقای خود ادامه می‌دهند و اعضای آن با تشکیل جلسات دائمی به دنبال تأمین اهداف تعیین شده برای تشکّل هستند. (عباسی، ۱۳۹۰، ۱۲۵ و ۱۳۳) از همین رو اصل بیست و ششم قانون اساسی به بیان حکم آزادی تشکّل‌ها و محدودیت‌های آن اختصاص یافته و اصل بیست و هفتم نیز موضوع آزادی تجمعات را بیان نموده است.

ج - سایر اصول مرتبط

با نگاهی به متن قانون اساسی می‌توان از اصولی دیگری نیز نام برد که هر چند در ارتباط مستقیم با اصل بیست و ششم نیستند اما مطالعه‌ی آن‌ها در فهم و درک دقیق از حدود این اصل راهگشا می‌باشد. در تبیین این موضوع باید گفت، برخی از اصول قانون اساسی همانند اصل چهارم، یازدهم و ذیل اصل یکصد و هفتاد و هفتم در مقام بیان ضوابط و مقرراتی هستند که سایر اصول قانون اساسی را نیز باید با توجه به آن‌ها

۱. اصل بیست و هفتم: تشکیل اجتماعات و راه پیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است.

تفسیر نمود. برای نمونه اصل چهارم قانون اساسی اشاره به لزوم انطباق همه‌ی مقررات و قوانین کشور با موازین اسلامی دارد و یا اصل نهم آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت اراضی کشور از یکدیگر تفکیک دانسته و حفظ آنها را وظیفه دولت و آحاد ملت می‌داند. بر اساس این اصل هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی، به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادیهای مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند. علاوه بر این ذیل اصل یکصد و هفتاد و هفتم قانون اساسی نیز به اصولی همانند محتوای اصول مربوط به اسلامی بودن نظام و ابتدای کلیه قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی و پایه‌های ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بودن حکومت و ولایت امر و امامت امت و نیز اداره امور کشور با اتکاء به آراء عمومی و دین و مذهب رسمی ایران اشاره دارد که مبانی و اساس نظام جمهوری اسلامی ایران بوده و حتی در صورت بازنگری در قانون اساسی این اصول قابل بازنگری نیستند و به نظر می‌رسد رعایت آنها نیز وظیفه‌ی دولت و آحاد ملت می‌باشد که از جمله‌ی مخاطبان حکم این اصول تشکل‌های گوناگون می‌باشند. لازم به ذکر است که بسیاری از محدودیت‌های ذکر شده در این اصول همان محدودیت‌های بیان شده ذیل اصل بیست و ششم می‌باشند که به عنوان کلیاتی در سایر اصول قانون اساسی مطرح گردیده است.

جمع بندی و نتیجه گیری

حق آزادی تأسیس و فعالیت تشکل‌ها به عنوان یکی از حقوق و آزادی‌های عمومی مورد تصریح اسناد و اعلامیه‌های بین‌المللی و قوانین اساسی بسیاری از کشورهای دنیا قرار گرفته است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز که مبتنی بر مبانی فقه شیعه‌ی اثنی عشری تدوین یافته است در اصل بیست و ششم خود به موضوع آزادی تشکل‌ها پرداخته است. مقصود از آزادی تشکل‌ها شناسایی آزادی برای افراد به منظور اجتماع در یک مجمع و یا تشکل است که آگاهی، اطلاعات و مساعی خود را به صورت دائم در اختیار یکدیگر قرار می‌دهند و به دنبال اهداف تعیین شده می‌باشند. در خصوص این اصل می‌توان به نکات زیر به عنوان دستاوردها و نتایج این پژوهش اشاره نمود:

۱. بررسی منابع شرعی بیان‌گر آن است که ایجاد تشکل‌ها در حکومت اسلامی ریشه در منابع قرآنی، روایی و عقلی دارد و می‌توان منشأ و مبنای آن را در آموزه‌های شریعت یافت.

۲. در خصوص آراء فقها و اندیشمندان اسلامی نظرات متفاوتی در زمینه آزادی تشکل‌ها و به ویژه آزادی احزاب به عنوان مبانی فقهی آزادی تشکل‌ها، موضوع اصل بیست و ششم قانون اساسی، بیان گردیده است که در چهار ایده کلی مخالفت به علت مغایرت با شریعت، موافقت بی قید و شرط با مفهوم تشکل و یکسان دانستن آن با اصطلاح قرآنی حزب و نگرش به احزاب و تشکل‌ها به عنوان یکی از مستحدثات جامعه‌ی اسلامی قابل طرح می‌باشد. به نظر می‌رسد تشکل‌ها و احزاب امروزی در جامعه‌ی اسلامی یکی از موضوعات پیش‌آمد حکومت اسلامی است که در صورت رشد، بالندگی و کارآمد سازی نظام قابل پذیرش است و در صورت تفرقه و جدایی میان گروه‌های مختلف امت اسلامی پدیده‌ای نامطلوب و غیر قابل پذیرش تلقی می‌گردد.

۳. به نظر می‌رسد با توجه به حکومت اصل چهار قانون اساسی و الزام به رعایت موازین شرعی، همه‌ی قوانین و مقررات باید به نحوی ساماندهی گردد که احزاب و تشکل‌ها را به نهادهای اجرای شریعت در عرصه‌ی اجتماعی تبدیل کند.

۴. از منظر حقوقی از مهم‌ترین مبانی حاکم بر آزادی تشکل‌ها حق اجرای اجتماعی آزادی‌های فردی همانند آزادی بیان و آزادی عقیده است. علاوه بر این می‌توان به مواردی همانند کسب و حفظ قدرت سیاسی از طریق کار تشکیلاتی، ایجاد ثبات در نظام‌های سیاسی، افزایش مشارکت عمومی، عقل‌گرایی جمعی، تحقق تکثر گرایی در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، تحقق حلقه واسط میان مردم و حکومت، جلوگیری از خشونت، جامعه‌پذیری مردم، ایجاد رقابت در فضای سیاسی جامعه و رقابتی نمودن عرصه انتخابات به عنوان مبانی حقوقی اختصاصی تشکل‌ها و به ویژه احزاب اشاره نمود.

۵. مهم‌ترین منابع آزادی تشکل‌ها در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، منشور حقوق بنیادین اتحادیه‌ی اروپا، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و منشور آفریقایی حقوق بشر می‌باشد. علاوه بر این کشورهای متعددی نیز در قوانین اساسی خویش به موضوع آزادی تشکل‌ها پرداخته‌اند. آنچه می‌توان به عنوان دستاورد مطالعه‌ی تطبیقی از آن یاد کرد تمایز میان بحث از آزادی تشکل‌ها و انجمن‌ها و بحث از آزادی احزاب سیاسی است، چرا که فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی معمولاً مشمول نظارت‌های دقیقی از طرف نهادهای حکومتی می‌گردد، در حالی که بر سایر تشکل‌های اجتماعی و فرهنگی چنین حساسیتی وجود ندارد.

۶. بر اساس مؤیدات گوناگونی از جمله قانون فعالیت احزاب و آراء و نظرات شورای نگهبان به عنوان نهاد پاسدار قانون اساسی به نظر می‌رسد اصل بیست و ششم تنها در مقام بیان حکم کلی آزادی تأسیس و فعالیت تشکل‌ها می‌باشد و از همین رو تشکل‌های ذکر شده در اصل صرفاً از باب تمثیل بیان گردیده و اصل در مقام احصاء تشکل‌های مجاز به فعالیت نیست.

۷. اصل کلی آزادی تشکل‌ها در نظام جمهوری اسلامی ایران محدود به عدم نقض اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی می‌باشد. قانون‌گذار عادی نیز به منظور اجرایی نمودن محدودیت‌های ناشی از اصول به ذکر مصادیق جزئی هر یک از آن‌ها پرداخته، اما به نظر می‌رسد که

- احصاء دقیقی انجام نداده است، چرا که همچنان برخی از مصادیق از واژگان و اصطلاحاتی مورد استفاده تاب تفسیر و فهم متفاوتی دارد.
۸. در خصوص نظارت بر فعالیت احزاب و سایر تشکلهای به نظر می‌رسد از آنجا که تشکلهای همانند افراد حقیقی و دیگر افراد حقوقی طرف حق و تکلیف قرار می‌گیرند و از سوی دیگر برای آنها محدودیت‌هایی در نظر گرفته شده است نظارت بر فعالیت آنها امری بدیهی است. ثانیاً، این نظارت در دو بعد نظارت بر اهداف یا نظارت پیشینی و نظارت بر عملکردها یا نظارت پسینی قابل بررسی می‌باشد. ثالثاً قانون‌گذار عادی کمیسیون ماده ۱۰ قانون فعالیت احزاب را به منظور صدور پروانه‌ی عضویت و نظارت بر فعالیت قانونی تشکلهای در نظر گرفته است که اعضای آن عبارتند از نماینده‌ی دادستان، نماینده‌ی رییس قوه‌ی قضاییه، نماینده‌ی وزارت کشور و دو نماینده به انتخاب مجلس شورای اسلامی.
- رابعاً؛ نظارت بر فعالیت احزاب در نظام جمهوری اسلامی ایران در دو سطح تعقیبی و تامینی صورت می‌پذیرد و از همین رو می‌توان گفت قانون فعالیت احزاب از نظام مختلط در امر نظارت پیروی نموده است. خامساً؛ برای فعالیت تشکلهای در نظام جمهوری اسلامی ایران دو دسته تخلف و در پی آن دو دسته مرجع رسیدگی قابل تصور می‌باشد. دسته‌ی اول به کمیسیون ماده ۱۰ قانون فعالیت احزاب اشاره می‌نماید که مجازات‌های آن متوجه تشکل می‌گردد و دسته‌ی دوم مجازات‌هایی است که عملاً به مؤسسان و رهبران تشکل منتسب می‌گردد که دادگاه‌های عمومی (معمولاً با حضور هیات منصفه) به آنها رسیدگی می‌نمایند. لازم به ذکر است که شورای عالی امنیت ملی نیز می‌تواند در حیطه‌ی صلاحیت‌های مذکور در اصل ۱۷۶ فعالیت احزاب و تشکلهای را محدود نماید.
۹. بر اساس اصل بیست و ششم شرکت افراد در هیچ تشکلی الزامی نمی‌باشد و همچنین افراد می‌توانند آزادانه در تشکل مورد علاقه‌ی خویش به عضویت درآیند یا از آن خارج شوند. هر چند از اطلاق عبارت ذیل اصل عدم امکان تقیید این عبارت بر می‌آید اما با نگاهی به مجموعه قیودی که قانون‌گذار عادی در قوانین گوناگون به آن اشاره نموده و مورد تایید نهاد پاسدار قانون اساسی نیز قرار گرفته است، بر می‌آید که این اصل در پرتو مصالح حاکم بر فعالیت تشکلهای تبیین گردیده

است و از همین رو نظامیان، کارمندان وزارت امور خارجه، وزیر و کارمندان وزارت اطلاعات و محکومین به حد، قصاص یا مجازات تعزیری از درجه شش تا درجه یک حق حضور در احزاب و گروه‌های سیاسی را ندارند. به نظر می‌رسد مصلحت حاکم بر ممنوعیت برخی مشاغل از عضویت در احزاب و گروه‌های سیاسی به عنوان مقتضای انتخاب آزادانه‌ی شغل دارای توجیه حقوقی است.

۱۰. اصل بیست و ششم تنها در مقام بیان حکم کلی آزادی تشکل‌ها بوده و از همین رو باید حدود فعالیت انجمن اقلیت‌های دینی بر اساس حقوق مقرر در اصل سیزدهم قانون اساسی بیان گردد.

۱۱. اصل بیست و ششم قانون اساسی به دنبال بیان حکم آزادی تشکل‌ها می‌باشد که حالتی دائمی دارند در حالی که اصل بیست و هفتم حکم آزادی تجمعات و راهپیمایی‌های موقتی را بیان می‌دارد.

۱۲. اصل بیست و ششم قانون اساسی باید در پرتو اصول چهارم، نهم و یکصد و هفتاد و پنجم تفسیر گردد.

منابع و مآخذ

قرآن کریم

قوانین و مقررات

۱. قانون اساسی آلمان، قابل دسترسی در <http://confinder.richmond.edu>
۲. قانون اساسی اسپانیا، قابل دسترسی در <http://confinder.richmond.edu>
۳. قانون اساسی افغانستان، قابل دسترسی در <http://confinder.richmond.edu>
۴. قانون اساسی اندونزی، قابل دسترسی در <http://confinder.richmond.edu>
۵. قانون اساسی ایتالیا، قابل دسترسی در <http://confinder.richmond.edu>
۶. قانون اساسی ژاپن، قابل دسترسی در <http://confinder.richmond.edu>
۷. قانون اساسی سوئیس، قابل دسترسی در <http://confinder.richmond.edu>
۸. قانون اساسی فرانسه، قابل دسترسی در <http://confinder.richmond.edu>
۹. قانون اساسی کره جنوبی، قابل دسترسی در <http://confinder.richmond.edu>
۱۰. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۱۱. اساس نامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
۱۲. قانون تاسیس وزارت اطلاعات.
۱۳. قانون تعیین ضوابط و شرایط وزیر اطلاعات.
۱۴. قانون فعالیت احزاب و جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده.
۱۵. آیین‌نامه اجرایی فعالیت احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی و اقلیت‌های دینی مربوط به قانون مصوب ۱۳۶۰/۶/۷ مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۱/۱/۳۱.
۱۶. قانون مجازات اسلامی.
۱۷. مقررات تشکیلاتی، استخدامی، مالی و انضباطی وزارت امور خارجه.

کتاب و مقالات

۱. ابن ابی عاصم، عمرو، کتاب السنه، المکتب الاسلامیه، ۱۴۱۶.
۲. ابن هشام، زندگانی محمد(ص) پیامبر اسلام(السیره النبویه)، ترجمه سید هاشم رسولی، تهران: انتشارات کتابچی، ۱۳۷۵.

۳. ابوالحمد عبدالحمید، حقوق اداری ایران، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۳.
۴. ابوالحمد، عبدالحمید، مبانی سیاست، تهران: انتشارات توس، ۱۳۸۰.
۵. ابوفارس محمد عبدالقادر، التعددیة فی ظل الدولة الاسلامیة، لبنان: الریان، ۱۹۹۴.
۶. اخوان کاظمی، بهرام، «حزب و تحزب در اندیشه اسلامی»، فصلنامه مطالعات اسلامی، (۱۱-۴۲)، ۱۳۸۸.
۷. اصفهانی، حسین بن محمد راغب، مفردات ألفاظ القرآن، در یک جلد، بیروت: دار العلم - الدار الشامیة، ۱۴۱۲ ه.ق.
۸. امینی پزوه، حسین، بررسی مفهوم موازین اسلامی، تهران: پژوهشکده‌ی شورای نگهبان، ۱۳۹۳.
۹. امین، سیده نصرت، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۶۱.
۱۰. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: نشر سخن، ۱۳۸۱.
۱۱. ایران‌پناه، اکبر، فرهنگ انگلیسی فارسی، تهران: انتشارات پژوه، ۱۳۸۵.
۱۲. آریانپور کاشانی، عباس، فرهنگ فشرده انگلیسی به فارسی، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۰.
۱۳. آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، تهران: انتشارات مروارید، بی‌تا.
۱۴. آقایی، بهمن، فرهنگ حقوق بهمن، تهران: گنج دانش، ۱۳۸۲.
۱۵. بابایی، احمد علی، برگزیده تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۲.
۱۶. بامچیان، اسداله، تحزب و تشکل از دیدگاه علمی و تاریخی، تهران: انتشارات اندیشه ناب، ۱۳۹۰.
۱۷. بستانی، فؤاد افرام، فرهنگ ابجدی، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵.
۱۸. پروین، خیرالله، «اختیارات و محدودیت‌های مجلس شورای اسلامی در امر قانونگذاری»، حقوق اساسی، ش ۱۰، صص ۱۹ تا ۳۸، ۱۳۸۷.
۱۹. پژوهشکده تحقیقات اسلامی، احزاب و تشکیلات سیاسی در ایران، قم: انتشارات زمزم هدایت، ۱۳۹۰.
۲۰. پورمولا، سید محمد هاشم، ضرورت تشکیلات برای دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر (با تکیه بر فقه شیعه)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۸۳.

۲۱. جباری، محمد رضا، «سازمان رهبری شیعه در عصر غیبت صغری»، فصلنامه انتظار موعود، شماره ۱، پاییز ۱۳۸۰. (۱۳۸۰).
۲۲. جباری، محمد رضا، «سازمان رهبری شیعه در عصر غیبت صغری»، فصلنامه انتظار موعود، شماره ۱، پاییز ۱۳۸۰.
۲۳. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۱.
۲۴. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۷.
۲۵. حسن بیگی، ابراهیم و محمد حسن حاجی علی محمدی، نقش برنامه‌های صدا و سیما در گسترش وحدت ملی در کشور، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، ش ۴۰، (۶۹ تا ۹۴)، ۱۳۸۹.
۲۶. حسینی روحانی قمی، سید صادق، فقه الصادق علیه السلام، قم: دار الکتب، مدرسه امام صادق (ع)، ۱۴۱۲.
۲۷. خمینی سید روح الله، صحیفه‌ی امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸.
۲۸. دهخدا علی اکبر، فرهنگ متوسط دهخدا، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
۲۹. ذوالفقاری محمد، حزب از منظر اندیشه سیاسی اسلامی (رویکرد کلامی، فقهی و فلسفی)، معرفت، (۴۷-۶۸)، ۱۳۹۱.
۳۰. زنجانی، عباس علی عمید، فقه سیاسی (عمید)، ۳ جلد، انتشارات امیر کبیر، تهران - ایران، چهارم، ۱۴۲۱ ه.ق.
۳۱. سیاح، احمد، فرهنگ بزرگ جامع نوین (ترجمه المنجد)، تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۸۰.
۳۲. شایان مهر، علی رضا؛ دایرةالمعارف تطبیقی علوم اجتماعی، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۷۹.
۳۳. شعبانی، قاسم، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۳.
۳۴. شیرازی، سید مح. مد، الفقه السیاسی فی الاسلام، تهران: چاپخانه رضایی، ۱۴۰۳.

۳۵. صدر، محمدباقر، المدرسة الإسلامية، مکتبه اعتماد ناشر، ۱۳۶۳.
۳۶. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴.
۳۷. طباطبایی مومتمنی، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۰.
۳۸. طباطبائی، سید محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۴.
۳۹. طالبکی، اکبر، «بررسی تحلیلی نحوه تحقق اصل هشتم قانون اساسی با نگاهی به الگوی نهاد ملی حقوق بشر و نهاد حسبه» رساله دکتری حقوق عمومی، دانشگاه تهران، ۱۳۹۱.
۴۰. عالم، عبد الرحمن، بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی، ۱۳۹۰.
۴۱. عباسی، بیژن، حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۹۰.
۴۲. العالیی، عبدالله، برترین هدف در برترین نهاد، ج ۲، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد، ۱۳۷۴.
۴۳. علی بابایی، غلامرضا، فرهنگ سیاسی، تهران: نشر آسیان، ۱۳۸۳.
۴۴. فیرحی، داوود، مبانی آزادی و حزب در مذهب شیعه، فصلنامه علوم سیاسی، (۱۳۳-۱۴۹)، ۱۳۷۷.
۴۵. قاری سیدفاطمی، سید محمد، حقوق بشر در جهان معاصر، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، ۱۳۹۰.
۴۶. قاسمی، علی اصغر و غلامرضا ابراهیم آبادی، نسبت هویت ملی و وحدت ملی در ایران، پژوهشنامه، ش ۵۹، (۹۳ تا ۱۳۸)، ۱۳۸۹.
۴۷. قاضی، ابوالفضل، بایسته‌های حقوق اساسی، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۸.
۴۸. قاضی، سید ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران: نشر دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.
۴۹. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۱۲ق.
۵۰. کامل نواب، مرتضی، جایگاه و کارکرد احزاب در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران با توجه به نظریه ولایت فقیه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و معارف اسلامی دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۲.

۵۱. کعبی عباس، فرآیند تربیت نیرو در نظام اسلامی (دولت اقدام)، تهران: مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری، ۱۳۸۷.
۵۲. کوئن، بروس، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران: سمت، ۱۳۸۷.
۵۳. مجتهد شبستری، محمد، امتناع مبانی فقهی و کلامی تحزب، تحزب و توسعه سیاسی، کتاب سوم: اسلام و تحزب، تهران: انتشارات همشهری، زمستان ۱۳۷۸.
۵۴. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، بیروت. (۱۴۰۳ ق).
۵۵. محسنی، منوچهر، مقدمات جامعه‌شناسی، تهران: نشر محسنی، ۱۳۷۱.
۵۶. محمدی نژاد، حسن، احزاب سیاسی، تهران: امیر کبیر، ۱۳۵۵.
۵۷. مدنی، جلال الدین، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات پایدار، ۱۳۸۹.
۵۸. مرکز تحقیقات شورای نگهبان، مجموعه نظرات شورای نگهبان در مورد مصوبات مجلس شورای اسلامی دوره اول، تهران: انتشارات معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات، ۱۳۹۰.
۵۹. مصباح یزدی، محمد تقی، پرسش‌ها و پاسخ‌ها (۵-۱)، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۱.
۶۰. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ۱۴ جلد، مرکز الکتاب للترجمه و النشر، تهران - ایران، اول، ۱۴۰۲ ه.ق.
۶۱. مطبوعه‌چی، مصطفی، تحزب از دیدگاه یک اندیشمند مسلمان عرب، قم: بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.
۶۲. مکارم شیرازی ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
۶۳. مونتسکیو، شارل بارون، ۱۳۷۱، روح القوانين، مقاله ۱۱، آغاز فصل دوم، ترجمه علی اکبر مهددی، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۶۴. مهر پور، حسین، دیدگاه اسلام در مورد آزادی عقیده و بیان، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۲۷ (۵۱-۷۵)، ۱۳۷۰.

۶۵. مهرپور، حسین، مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۸۷.
۶۶. نقیب زاده، احمد و غلامعلی سلیمانی، «نوسازی سیاسی و شکل گیری احزاب در جمهوری اسلامی ایران (بر اساس رویکرد هانتینگتون)»، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۴، (۳۴۷ - ۳۶۸)، ۱۳۸۸.
۶۷. وحیدیان، امیر، کارکردهای احزاب و آسیب شناسی آن در ایران، تهران مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۰۲۳۳، ۱۳۸۹.
۶۸. هاشمی محمد، حقوق بشر و آزادی های اساسی، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۴.
۶۹. هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴.
۷۰. هدایت نیا، فرج الله و کاویانی، محمد هادی، بررسی فقهی حقوقی شورای نگهبان، تهران: مرکز نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۰.
۷۱. یزدی، محمد، حقوق اساسی برای همه، تهران: امیر کبیر، چاپ اول، ۱۳۷۵.

پایگاه های اطلاع رسانی

۱. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه ای (مد ظله العالی) به آدرس: www.khamenei.ir

امام خمینی (ره):

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و چه در نسل های آینده که با کمال دقت و قدرت و ظایف اسلامی و ملی خود را ايفا و تحت تاثیر بیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و قانون اساسی بدون بیچ ملاحظه ای جلوگیری نمایند.

(صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۲۲)



بزهشکده شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد قمری،
کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲
صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵
تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵
info@shora-rc.ir
www.shora-rc.ir